



دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی

# بررسی نقش و جایگاه پرچم به عنوان یک نماد ملی و راهکارهایی برای تقویت آن

مجری: علی اکبر صادقی

کاربر: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی

واحد علمی: معاونت پژوهش

زمستان ۱۳۹۱

SCCcr.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

SCCR.ir



دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی

بررسی نقش و جایگاه پرچم به عنوان یک نماد ملی  
و راهکارهایی برای تقویت آن

مجری: علی اکبر صادقی

کاربر: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی

واحد علمی: مرکز مطالعات راهبردی

زمستان ۱۳۹۱

مجری: علی اکبر صادقی

Author: Ali Akbar Sadeghi

عنوان طرح: بررسی نقش و جایگاه پرچم به عنوان یک نماد ملی و راهکارهایی برای تقویت آن

Subject: Review the Role and Position of the Flag as a National Symbol and Ways to Strengthen It

۱۳۲ صفحه / مصور / جدول

پیوست: دارد

ناظر: بیژن زارع / کارفرما: مرکز مطالعات راهبردی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی / زمستان ۱۳۹۱



دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی

مشخصات مجری طرح پژوهشی:

آدرس پستی: تهران، میدان گل‌ها، بزرگراه شهید گمنام، تقاطع گمنام-کردستان، معاونت اجتماعی شهرداری تهران، طبقه دوم، اداره کل مطالعات

آدرس پست الکترونیکی: aa.sadeghy@gmail.com

آدرس پایگاه الکترونیکی: -

نمابر: ۸۲۱۰۶۲۲۴

تلفن: ۰۹۱۲۷۰۶۰۸۸۴

مشخصات کارفرما:

آدرس پستی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان فلسطین شمالی، پلاک ۳۰۷، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی

آدرس پست الکترونیکی: info@iranculture.org

www.iranculture.org آدرس پایگاه الکترونیکی:

نمابر: ۶۶۹۷۴۵۳۷

تلفن: ۵ - ۶۶۴۶۸۲۷۱

کلیه حقوق این طرح برای دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی محفوظ می‌باشد.

همكاران طرح:

ناظر طرح:

بيژن زارع

همكاران اصلي طرح:

محمد جعفر سعادت

سمانه دلبري

## تشر و قدردانی

انجام این پژوهشی بدون همراهی و همکاری دوستان ذیل میسر نبود. از همه این عزیزان سپاسگزارم.

آقای دکتر بیژن زارع، ناظر محترم طرح در بسیاری از موارد راهگشای پژوهش بودند.

آقای محمد جعفر سعادت و سرکار خانم سمانه دلبری در مراحل مختلف تهیه و تنظیم تحقیق بنده را یاری نمودند.

جناب آقای پورنگ در جهت تسهیل روند پیشرفت طرح، کمک‌های ارزشمندی به بنده داشتند.

## بررسی نقش و جایگاه پرچم به عنوان یک نماد ملی و

### راهکارهایی برای تقویت آن

مسئله اصلی این پژوهش، مشخص ساختن اهمیت و جایگاه پرچم به عنوان یک نماد ملی است. در سال‌های اخیر از یک سو نیاز به نمادهای ملی همچون پرچم بیشتر احساس می‌شود و از سوی دیگر قرار گرفتن پرچم در متن منازعات سیاسی و فرهنگی لزوم حفظ جایگاه این نماد ملی را یادآوری کرده است. هدف این پژوهش ارائه تصویری از جایگاه اجتماعی و حقوقی پرچم و ارائه پیشنهاداتی برای تقویت آن است. از جمله نظریات مورد استفاده در این تحقیق، نظریه دولت-ملت و به ویژه جایگاه نمادهای ملی در آن بود. روش این پژوهش نیز عمدتاً روش اسنادی است. این مطالعه نشان داد که پرچم جایگاهی در خور یک نماد ملی در ایران معاصر نداشته است. مقایسه موقعیت پرچم ایران با چند کشور دیگر نشان داد که مهم ترین خلاء قانونی که در کشور ما وجود دارد سکوت قانون در برابر استفاده یک گروه از پرچم کشور به عنوان نماد خاص آنها در رقابت داخلی با گروه‌های دیگر در کشور است؛ حال چه این رقابت سیاسی باشد و یک حزب از پرچم ایران به عنوان نماد خود در رقابت با احزاب دیگر استفاده کند و چه این مساله ورزشی باشد و یک تیم ورزشی چنین عملی انجام دهد. در مجموع، چه از جنبه اجتماعی و چه حقوقی و اداری باید برای تقویت جایگاه پرچم کوشید که توجه نظام آموزشی و دستگاه‌های فرهنگی و قانونگذاری از راه‌های آن است.

**کلیدواژه‌ها:** پرچم، نماد ملی، نظریه دولت-ملت، ایران معاصر، خلاء قانونی.



## «فهرست مطالب»

۱	فصل اول - کلیات تحقیق
۱-۱	مقدمه و بیان موضوع
۲	اهداف تحقیق
۳-۱	سئوالات پژوهش
۴-۱	پیشینه تحقیق
۵-۱	جمع‌بندی نوآوری تحقیق
۲۴	
۲۵	فصل دوم - مبانی نظری
۱-۲	تعریف پرچم
۲-۲	تاثیر شکل‌گیری دولت ملی بر جایگاه نمادهای ملی مانند پرچم
۳-۲	نظریه‌های کهن گرا و تجدد گرا درباره ملیت
۴-۲	نگاه نویسندگان ایرانی به هویت ملی
۵-۲	رویکردهای تحلیل پرچم در ایران
۶-۲	جمع‌بندی مباحث نظری
۷-۲	تاریخ پرچم
۸-۲	جمع‌بندی مباحث تاریخی پرچم

۹-۲- جایگاه اجتماعی پرچم در ایران..... ۶۹

فصل سوم- روش تحقیق..... ۷۱

فصل چهارم- بررسی تطبیقی قوانین و جایگاه اجتماعی پرچم در ایران با چند کشور جهان..... ۷۳

۴-۱- پرچم در قانون اساسی..... ۷۴

۴-۲- مقایسه جایگاه پرچم در ایران با چند کشور دیگر..... ۷۶

۴-۳- جایگاه پرچم در ایران از منظر برخی کارشناسان..... ۸۵

۴-۴- جمع بندی..... ۸۷

فصل پنجم- نتیجه گیری و ارائه راهکارها..... ۹۱

منابع و مآخذ..... ۹۹

پیوست ها..... ۱۰۷

SCCcr.ir

فصل اول

کلیات تحقیق

## ۱-۱- مقدمه و بیان موضوع

اسطوره‌ها، حماسه‌ها و نمادها بخش مهمی از تاریخ فرهنگی هر سرزمینی هستند. آنها نه تنها بیانگر روحیات، آرمان‌ها، رویاها و تنگناهای حیات فرهنگی و اجتماعی مردمان هر سرزمین بوده و هستند، بلکه خود نیز در شکل دادن به زندگی فرهنگی و اجتماعی نقش مهمی ایفا می‌کنند.

پرچم از جمله نمادهایی است که از دیر باز تا کنون اقوام و ملت‌ها تحت لوای آن اتحاد و انسجام خویش را به نمایش می‌گذاشته‌اند، چنان‌که امروزه اغلب پرچم را بر همین اساس به عنوان یکی از نمادهای یک ملت یا یک سرزمین به شمار می‌آورند.

امروزه گروه‌ها، سازمان‌ها و جمعیت‌های فراوانی - از تماشاگران یک تیم فوتبال گرفته تا فروشگاه‌های زنجیره‌ای - از پرچم به عنوان مهم‌ترین و یا یکی از مهم‌ترین سمبل‌های خود بهره می‌برند. در سطحی بالاتر و در موقعیتی بس حساس‌تر، پرچم هر کشور یکی از مهم‌ترین نمادهای آن کشور محسوب می‌شود. پس از شکل‌گیری دولت‌های ملی در مفهوم امروزین آن، استفاده از نمادهایی که بر همبستگی و پیوند میان همه شهروندان هر کشور دلالت نمایند و در عین حال این همبستگی را تقویت و بازتولید کنند، به ضرورتی گریزناپذیر تبدیل شد که در این میان پرچم و سرود ملی از مهم‌ترین آنها هستند. پرچم و رنگ‌ها و طرح‌های آشنا و معنادار به کار رفته در آن، همبستگی و یگانگی میان مردم یک کشور را به آنها یادآوری می‌کند و حسی از با هم بودن و در کنار هم بودن به عنوان یک جامعه یا یک ملت را به آنها می‌بخشد. در بسیاری از ارتش‌ها و نیروهای نظامی در سراسر دنیا، مراسم برافراشتن پرچم یا مراسم شبیه آن رایج‌ترین مراسمی است که برگزار می‌شود و به افراد حس میهن‌پرستی و همبستگی تحت یک لوای واحد را می‌آموزد.

از دیگر سو، بررسی تاریخ پرچم در هر سرزمینی بستر فرهنگی - اجتماعی شکل‌دهنده آن را آشکار خواهد ساخت و از سلیقه و ذائقه فرهنگی مستتر در آن پرده بر خواهد داشت. نشان‌ها و نمادهای به کار رفته در پرچم‌های دوره‌های تاریخی مختلف، از روحیه، باورها، نمادهای فرهنگی و اسطوره‌های ملی و مذهبی در گذر تاریخ حکایت می‌کنند و در عین حال با رخدادهای اجتماعی و تاریخی پیوند خورده‌اند.

رنگ، طرح و شکل پرچم هر کشور اغلب از آرمان‌ها، ارزش‌ها، آداب و رسوم، اسطوره‌ها و نمادهای ملی و مذهبی و یا از رخدادهای سرنوشت‌ساز تاریخی سر بر می‌آورد و برای گروه بسیاری از مردم معنایی دربر دارد و البته این معنا را تقویت می‌کند. برای مثال، رنگ پرچم فرانسه از رنگ کلاه‌هایی گرفته شده که در زمان انقلاب فرانسه مورد استفاده انقلابیون بود و امروز این پرچم نمادی است از انقلاب کبیر فرانسه و ارزش‌ها و آرمان‌های آن و به‌صورت نمادین بیانگر پیوند مردم فرانسه با آرمان‌های سه‌گانه انقلاب فرانسه است (خیراندیش و شایان، ۱۳۷۰: ۱۵۹).

در کشور ما نیز پرچم از قدمت فراوانی برخوردار است و سابقه آن به امپراتوری هخامنشی می‌رسد. در کاوش‌های باستان‌شناسی در شهداد کرمان، درفش فلزی با سه هزار سال سابقه به‌دست آمد است (دایره المعارف تشیع، جلد سوم: ۶۱۲). به هر حال، اگر چه پرچم و درفش قبل از هخامنشان هم وجود داشته است، اما در دوره هخامنشیان است که استفاده از پرچم در ایران به‌عنوان نشان امپراتوری رایج می‌شود که در بخش نظری به آن خواهیم پرداخت. در دوران معاصر نیز از متمم قانون اساسی مشروطه تاکنون، همواره یکی از اصول قانون اساسی به پرچم اختصاص یافته است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز در اصل هجدهم از پرچم سخن گفته شده است. با این همه به نظر می‌رسد که اهمیت پرچم ایران برای بسیاری از مردم و حتی نهادها و سازمان‌های رسمی به‌خوبی شناخته نشده است. آرایش نامرتب و بی‌قاعده پرچم‌های ایران در مراسم و مناسبت‌های رسمی و بین‌المللی که در کشور ما برگزار شده، حتی مورد اعتراض مردم و روزنامه‌نگاران نیز قرار گرفته است که می‌توان مواردی از آن‌را در آرشیو نشریات یافت. این در حالی است که بسیاری از کشورها حتی برای نصب پرچم در موقعیت‌ها و جشن‌ها و مراسم مختلف نیز قوانین و مقررات خاص خود را دارند. مثلاً در ایالات متحده آمریکا در مورد چگونگی استقرار پرچم این کشور در کنار پرچم ایالت‌ها، نصب پرچم بر روی اتوموبیل‌ها، نصب دو پرچم آمریکا در کنار هم و ... مقررات خاصی تدوین شده است که در اینترنت هم به‌سادگی در دسترس است. در کشورهای دیگر نیز چنین مواردی وجود دارد، اما در کشور ما هنوز حتی به کلیات مسئله هم پرداخته نشده است. مثلاً اگر یک گروه یا حزب سیاسی از پرچم به‌عنوان نماد تشکیلات خود استفاده کرد، آیا

این عمل قانونی است یا خیر؟ از آنجا که اکنون محدودیتی در این زمینه وجود ندارد، آیا درگیر کردن یک نماد ملی و مذهبی در مناقشات سیاسی به تقلیل جایگاه آن نمی‌انجامد؟

موضوع این تحقیق از جنبه‌های دیگر نیز اهمیت و ضرورت شایان توجهی دارد. شاید آنچه که درباره پرچم از اولویت بیشتری برخوردار است، تقویت جایگاه پرچم به عنوان نماد ملی در فرهنگ عمومی و در میان عامه مردم است؛ یعنی نکته‌ای که چندان جدی گرفته نشده و موضوع هیچ تحقیق مهمی نبوده است. هدف اساسی این پژوهش بررسی اهمیت پرچم در فرهنگ عمومی به مثابه یک نماد ملی و ارائه راهکارهایی برای تقویت جایگاه آن در عرصه عمومی است.

اهمیت دیگر این پژوهش در آن است که سیر تحول تاریخی پرچم در ایران را در زمینه تاریخی-اجتماعی آن بررسی می‌کند. «تاریخ پرچم در ایران» هر چند به صورت محدود، موضوع یا عنوان چند کتاب یا چند مدخل در دانشنامه‌ها و فرهنگ‌ها بوده است، اما در این نوشته‌ها، به زمینه فرهنگی-اجتماعی آن چندان توجه نشده است. این پژوهش می‌کوشد در کنار بررسی تاریخچه پرچم در ایران، با استفاده از رویکردهای نظری مرتبط، آن را در متن اجتماعی- فرهنگی خود تحلیل کند.

بنابراین، این تحقیق در کنار ارائه دیدگاه‌های نظری در باب پرچم، چکیده‌ای از سرگذشت پرچم در ایران را ارائه و آن را در متن اجتماعی فرهنگی‌اش بررسی می‌کند. تمرکز این طرح بر پرچم به عنوان یک نماد ملی و مذهبی است، اما طبعاً از برخی وجوه می‌تواند به نمادهای ملی دیگر نیز قابل تعمیم باشد. بخش دیگر این پژوهش، نوعی آسیب‌شناسی از جایگاه فعلی و وضعیت موجود پرچم به ویژه در فرهنگ عمومی ما و ارائه راهکارهایی در این باب است. در این تحقیق تلاش می‌شود تا ضمن نشان دادن اهمیت پرچم به عنوان یک نماد ملی- مذهبی و نیز نماد ملی کشور ایران، مسائل و جنبه‌های حقوقی آن با نگاهی تطبیقی به تجربه جهانی مورد واکاوی قرار گیرد. به نظر می‌رسد هر کدام از بخش‌های این تحقیق دارای اهمیت و ضرورت خاص خود است.

## ۱-۲- اهداف تحقیق

این تحقیق پرچم را در زمینه فرهنگی و اجتماعی آن بررسی و نقش آن در دوران معاصر را واکاوی می‌کند. در عین حال نوعی آسیب‌شناسی از وضعیت حقوقی و فرهنگی پرچم در کشور ما ارائه می‌کند و در پایان راهکارهایی در این جهت عرضه می‌نماید. با انجام این تحقیق گذشته از آنکه نقش اجتماعی فرهنگی پرچم و ارتباط آن با زمینه اجتماعی وسیع‌تر روشن می‌شود، کاستی‌های شرایط فعلی و راهکارهایی برای تقویت موقعیت حقوقی و اجتماعی و نمادین پرچم ارائه می‌شود. در واقع سعی می‌شود پس از ارائه چشم‌اندازی از وضع موجود در رابطه با پرچم، چه در بعد جایگاه اجتماعی و فرهنگی آن و چه از زاویه حقوقی، پیشنهادها و راهکارهای مناسبی برای تقویت جایگاه فرهنگی و حقوقی پرچم جهت سیاست‌گذاری ارائه شود. در این تحقیق تلاش می‌کنیم پیشنهادهای عملی ارائه شود که مواردی مانند نحوه استفاده از پرچم نیز در آن گنجانده شود. بنابراین اهداف اصلی این تحقیق را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- ۱- بررسی تاریخچه پرچم به‌عنوان یک نماد ملی و مذهبی؛
- ۲- بررسی جایگاه اجتماعی- فرهنگی پرچم در ایران؛
- ۳- آسیب‌شناسی پرچم از جنبه حقوقی و فرهنگی؛
- ۴- ارائه راهکارهای مناسب برای تقویت جایگاه پرچم از جنبه‌های مختلف در ایران.

## ۱-۳- سئوالات پژوهش

- پرچم در دوره‌های تاریخی مختلف ایران و نیز در تاریخ اسلام از چه جایگاهی برخوردار بوده است؟
- نقش و اهمیت فرهنگی اجتماعی پرچم به چه میزان بوده است؟
- پرچم به‌عنوان یک ابزار تقویت هویت ملی و مذهبی در ایران معاصر چه نقشی ایفا کرده است و وضعیت موجود پرچم به چه شکلی است؟

- کیفیت قوانین و مقررات پرچم در ایران (در مقایسه تطبیقی با کشورهای دیگر) چگونه است؟
- با چه راهکارهایی می توان جایگاه پرچم در فرهنگ عمومی ایرانیان را تقویت کرد و ارتقاء داد؟

#### ۱-۴- پیشنهاد تحقیق

منابع موجود درباره پرچم را می توان به چند دسته تقسیم کرد. اول دایره المعارف ها که بیشتر محصول سال های اخیر هستند و مدخل پرچم در بیشتر این دایره المعارف ها به چشم می خورد. این مدخل ها معمولاً با دقت و توسط افراد خبره نگاشته شده اند و حاوی اطلاعات مفیدی هستند. دومین دسته از منابع مربوط به پرچم را کتاب ها تشکیل می دهند. از دهه ۲۰ تا کنون کتاب های متعددی درباره پرچم نوشته شده است که اغلب رویکردی تاریخی داشته اند ولی گاه به تحلیل های اجتماعی- فرهنگی هم نزدیک شده اند. البته در برخی کتاب های نظری جدید می توان اشارات تئوریک مهمی درباره پرچم یافت که به آن خواهیم پرداخت. مقالات، دسته سوم منابع هستند و سرانجام دسته چهارم منابع را پایان نامه ها شکل می دهند که در برخی از آنها از رویکردهای جدیدی مانند نشانه شناسی برای تحلیل جایگاه پرچم استفاده شده است که در مقایسه با سایر منابع ویژگی خاصی به آنها می دهد.

#### ۱- دایره المعارف ها

در سال های اخیر که دایره المعارف نویسی در کشور ما رایج شده است، تاریخ پرچم در ایران و اسلام دوباره مورد توجه قرار گرفته است. در میان منابع مربوط به پرچم، دایره المعارف ها از جنبه ای دیگر نیز اهمیت دارند چرا که تلاش دارند تاریخ منسجمی ذیل مدخل های درفش، بیرق، علم، لوا و پرچم ارائه کنند. مهم ترین این دایره المعارف ها در ادامه مورد بررسی قرار می گیرد.

دانشنامه جهان اسلام که زیر نظر حداد عادل تهیه شده است، از جمله نمونه های موفق به شمار می رود. ذیل مدخل پرچم در این دایره المعارف، واژگان معادل آن و همچنین دشواری پژوهش در این موضوع یادآوری شده است چرا که نویسنده معتقد است برای پژوهش در این زمینه باید دانش هایی چون باستان شناسی، سکه شناسی، نشانه شناسی و حتی رمزگشایی از خطوط و اسناد کهن را به یاری طلبید. در



## کلیات تحقیق

این مقاله، تاریخچه پرچم در جهان اسلام، پرچم در ایران و پرچم در جهان اسلام معاصر مورد پژوهش قرار گرفته است. پرداختن به موضوع پرچم در جهان اسلام، این مقاله را از موارد مشابه متمایز کرده است. این مقاله به نمادهای مذهبی و ناسیونالیستی کشورهای اسلامی در طرح و رنگ پرچم‌هایشان پرداخته است و مثلاً شباهت پرچم تونس و ترکیه را یادگار تسلط عثمانی‌ها بر آن سرزمین‌ها دانسته است و در مجموع به نمادشناسی و نشانه‌شناسی در پرچم‌های کشورهای اسلامی توجه نشان داده است. این مقاله کامل‌ترین مقاله نسبت به مقالات مشابه در دایره‌المعارف‌های فارسی است.

دیگر دایره‌المعارف معتبر که جایی هم به پرچم اختصاص داده است، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی است که زیر نظر کاظم بجنوردی و در مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی تدوین شده است. مدخل پرچم این دایره‌المعارف را محمد سیدی نگاشته است. این اثر نیز مانند دانشنامه جهان اسلام به سیر تغییرات تاریخی پرچم پرداخته است، اما با تأکید بیشتر بر دوره اسلامی و با نقل از آثاری که در آن دوران به پرچم، بیرق، درفش، علم و غیره اشاره کرده‌اند. در تعریف پرچم در این مقاله آمده است که قطعه‌ای پارچه منقوش به نشانی خاص که معمولاً به میله‌ای آویخته می‌شود و به‌عنوان نماد یک قوم، کشور، آرمان و یا سازمان معینی به کار می‌رود و در گذشته گاه از پوست به جای پارچه استفاده می‌شده است (سیدی، ۱۳۸۲: ۵۸۸-۵۸۲). در همین مقاله اشاره شده است که در فرهنگ اسلامی در دست گرفتن لوا معنای کنایی پیشوایی و برتری را می‌رساند و اشاره دارد که در دوره‌ای طبقات مختلف جامعه علم‌های مخصوص داشته‌اند و آن را نشانه رواج گسترده پرچم می‌داند (همان: ۵۸۷).

پرویز ورجاوند نویسنده مدخل پرچم در جلد سوم دایره‌المعارف تشیع است. این دایره‌المعارف زیر نظر احمد صدر حاج سیدجوادی، کامران فانی و بهالدین خرمشاهی و از سوی نشر شهید سعید محبی منتشر شده است. این مقاله بر اساس کتاب تاریخچه بیرق ایران و شیر خورشید نوشته نیر نوری، که در ادامه به آن اشاره خواهد شد، تهیه شده و به شکل مختصری تاریخچه پرچم در ایران را بررسی کرده است. در همین مقاله می‌توان اطلاعاتی یافت درباره کشف درفش فلزی که به سه هزار سال پیش از میلاد منسوب است.

## ۲- کتاب‌ها

تاریخچه بیرق ایران و شیر و خورشید از جمله منابع قدیمی است که پرچم را دستمایه تحقیق خود قرار داده است. این کتاب را حمید نیر نوری نگاشته و انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در سال ۱۳۴۴ آن را به چاپ رسانده است. در این کتاب نویسنده داشتن و برافراشتن بیرق در هر اجتماعی را نشانه درجه معینی از تمدن می‌داند، بدین معنی که تا کشوری متشکل نباشد و آموزش نظام نیافته باشد و قادر به مقابله با تهاجم اجانب نباشد، پرچم و درفش در آن اجتماع خالی از معنی و مفهوم است (نیر نوری، ۱۳۴۴: ۵۵).

او در این کتاب، با ذکر منابع بسیار و آثار به‌جامانده نوشتاری و نقش و نگاره‌های ضرب شده بر سکه‌ها سیر تحول بیرق ایران را از روزگار باستان تا زمان پادشاهی پهلوی‌ها دنبال می‌کند. او، بر خلاف نظر کسروی، اعتقاد دارد تقارن شیر و خورشید بر سکه‌ها و درفش‌ها محصول اعتقاد مردم به همنشینی نجومی آن دو پیکر آسمانی است چرا که برج اسد از بروج دوازده‌گانه از نظر مردم آن دوران، خانه خورشید بوده است (همان: ۷۲). نوری معتقد است در سکه‌ای که از زمان کیخسرو باقی مانده است، بر خلاف کسروی که خورشید را نماد دلدادگی او می‌داند، با اشاره به وجود ستاره‌ای که بر روی سکه وجود دارد، ادعای کسروی را مردود می‌داند و بر اهمیت پیکره آسمانی تاکید می‌کند (همان: ۸۷).

این نویسنده، درفش‌ها و رنگ آنها را از دوره هخامنشیان و ساسانیان بررسی می‌کند و سپس به درفش‌ها در دوره اسلامی از دوره پیامبر، بنی‌امیه و علویان و سپس بیرق ابومسلم و بنی‌عباس می‌پردازد. این مقاله، در ادامه بیرق‌های سلاطین ایران در دوره اسلامی یعنی غزنویان، سلجوقیان و اتابکان، خوارزمشاهیان، پادشاهان طبرستان، چنگیز خان و ایلخانیان و سلاطین ترک آق‌قویونلو را معرفی می‌کند. نویسنده در بخش دیگری از کتاب به منشاء تصویر شیر و خورشید می‌پردازد و معتقد است که منشاء آن در تمدن‌های باستانی اولیه است و قدیمی‌ترین اثری که در آن شیر و خورشید در کنار هم وجود دارند، استوانه‌ای متعلق به ۱۴۵۰ سال پیش از میلاد است (همان: ۸۱). نویسنده در بخش‌های بعدی کتاب به بیرق‌های دوره صفویه و قاجار پرداخته است. او در اینجا به نقاشی فرستاده شاه عباس در سال

## کلیات تحقیق

۱۶۰۱ به اروپا اشاره می‌کند. در این نقاشی بیرقی که بر آن تصویر شیر و خورشید و تاج وجود دارد در تصویر دیده می‌شود.

نوری در بخشی از کتاب خود، علائم و نشانه‌های دوره صفویه را هم بر اساس اعتقادات نجومی مردم آن دوره تبیین می‌کند. او با نقل از نویسندگان ایرانی و اروپایی در دوره قاجار ویژگی‌های پرچم‌های آن دوره را که نقش شیر و خورشید بر آن معمول شده است بازگو می‌کند و چگونگی ورود نقش شمشیر ذوالفقار را به این نقش‌ها توضیح می‌دهد. او متذکر می‌شود که منابع دوره ناصری ۱۱ نوع بیرق را ذکر می‌کنند که برخی از آنها عبارتند از: علم کاویان، بیرق قاپوق، بیرق ابنیه دولتی، بیرق فوج پیاده، بیرق توپخانه، بیرق توپچی، بیرق سوار و بیرق عزا(همان: ۱۱۰).

نویسنده در پایان به مفهوم رنگ‌ها و علائم روی بیرق‌ها بر اساس اصل پنجم قانون اساسی مصوب سال ۱۳۲۵ ه.ق می‌پردازد و سه نوع پرچم معمول در ایران زمان پهلوی‌ها را به‌عنوان پرچم رسمی ایران نام می‌برد: اول، پرچم دولتی که سبز و سفید و قرمز و دارای شیر و خورشید است؛ دوم، پرچم نظامی است که همان رنگ‌هاست، با این تفاوت که در اینجا شیر و خورشید محاط در برگ خرماسه؛ سوم، پرچم ملی که سبز و سفید و قرمز است بدون شیر و خورشید و در مواقع اعیاد یا مراسم توسط بنگاه‌ها و موسسات و اماکن ملی افراشته می‌شده است(همان: ۲۱۵). از ویژگی‌های مهم این کتاب، ذکر منابع و نقش‌های بسیار است که در تایید مطالب متن آمده است.

دفتر پژوهش‌های فرهنگی کتاب‌های متعددی ذیل عنوان کلی «از ایران چه می‌دانم؟» به چاپ رسانده است. یکی از این کتاب‌ها درفش ایرانیان است که پیمان متین آن را نگاشته است. نویسنده در فصل اول این کتاب به مفاهیم، نام‌ها و پیشینه اساطیری درفش می‌پردازد؛ معنای واژه پرچم را بررسی می‌کند و تعاریف سیاسی و فرهنگی آن را بازگو می‌کند. در ادامه رابطه بین درفش و هویت اجتماعی، هویت ملی و به‌طور کلی هویت‌سازی را به‌اختصار بیان می‌کند و معتقد است که پرچم یک شناسه بین‌المللی است.

مؤلف در فصل دوم، مانند سایر آثار مربوط به پرچم، با بررسی متون به نقش اساطیری درفش کاویانی اشاره می‌کند که در دوران هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان از اعتبار خاصی برخوردار بوده

است. در فصل سوم، وضعیت پرچم در ایران بعد از اسلام- از امویان و عباسیان تا دوره سلجوقی و مغول‌ها- مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فصل چهارم به تأثیر نمادهای تشیع در دوران صفویه و قاجاریه بر پرچم‌های این دوره اختصاص یافته است و علاوه بر این نویسنده به چگونگی تثبیت رنگ پرچم در دوران مشروطه می‌پردازد.

فصل پنجم، داستان پرچم در دوره پهلوی و جمهوری اسلامی را بررسی کرده است و فصل ششم مبحثی درباره نشان شیر و خورشید و تحولات آن تا به امروز است. موضوع فصل پایانی، گونه‌شناسی پرچم‌ها است و پرچم مشتمل بر بیرق‌های مذهبی، جنگی، صنفی و تجاری عنوان شده است.

تاریخچه شیر و خورشید ایران از دیگر منابع قدیمی است که توسط احمد کسروی، نویسنده جنجالی، در دهه ۱۳۲۰ به چاپ رسیده است (کسروی، ۱۳۲۳). نگارنده در این کتاب، نگاره شیر و خورشید بر پرچم ایران را مورد بررسی قرار داده است. او در گفتار اول این کتاب، ابتدا افسانه‌هایی را که درباره شیر و خورشید نقل می‌شود مردود می‌شمرد. مثلاً این روایت که شیر نشان ارمنستان و خورشید نشان ایران است و هنگامی که شاه عباس ارمنستان را فتح کرد این دو نگاره در هم ادغام شده است. افسانه دیگری وجود دارد که ایرانیان را به دلیل آتش پرستی علاقمند به خورشید که نماد روشنایی و گرما است معرفی می‌کند و در عین حال شیر را نماد دلیری و توانایی می‌داند و انتخاب این نگاره‌ها از سوی دولت‌های ایرانی را محصول باورهای فوق تلقی می‌کند. کسروی با ارائه دلایلی خط بطلان بر این دیدگاه می‌کشد. او در گفتار دوم استدلال می‌کند که شیر در همه سرزمین‌ها و بخش‌های وسیعی از سرزمین‌های باستانی به عنوان نشان بر سکه‌ها و درفش‌ها وجود داشته است چنان‌که بر سکه‌های سرزمین ارمنستان یا فرانسه نیز این نگاره‌ها به چشم می‌خورد. نویسنده، کارکرد درفش را در روزگار هخامنشیان ویژه و در انحصار پادشاهان می‌داند و این موضوع را گواهی می‌داند بر این امر که این درفش‌ها از روزگار باستان با رنگ‌های مختلف و با نقش‌های متنوع از شیر و گراز گرفته تا ماه و خورشید و اژدها و پلنگ وجود داشته‌اند و بعد از اسلام، با این که مسلمانان از نقاشی و مجسمه‌سازی پرهیز می‌کرده‌اند، پس از چندی این نشان‌ها به درفش‌ها بازگشته‌اند چنان‌که در آثار شعرا و ادیبان نیز بازتاب یافته است؛ از جمله در آثار

## کلیات تحقیق

ناصر خسرو، سعدی، ارزقی و مولوی. پس از آن، نویسنده با بررسی سکه‌های به‌جامانده از دوره‌های مختلف، سرنوشت این نگاره‌ها را تا زمان قاجار پی می‌گیرد. بر سکه‌های این دوره نقش‌های متنوعی ضرب شده که شیر و خورشید نیز از آن جمله بوده است (همان: ۱۸).

در گفتار سوم، کسروی چگونگی به هم پیوستن شیر و خورشید را روایت می‌کند و مدعی برخی را رد می‌کند که ادعا دارند چون یکی از برج‌های آسمانی اسد نام دارد و این برج را ویژه خورشید می‌دانستند، این دو نقش در هم ادغام شده‌اند. او با استناد به داستانی از ابن‌عبری نقل می‌کند که روایت دلدادگی غیاث‌الدین کیخسرو پسر علاالدین کیقباد، از پادشاهان سلجوقی، به دختری گرجی است. مطابق این داستان، خواست غیاث‌الدین برای نقش زدن تصویر آن زن بر سکه‌ها باعث همنشینی شیر و خورشید شده است؛ زیرا در آن زمان از دیدگاه مذهبی نگاشتن پیکر زن ناپسند بود و از این رو برخی از اطرافیان او توصیه کردند که پیکر شیری را به همراه رخسار همچون خورشید آن زن بنگارند که اگر کسی به اعتراض برخاست، بگویند که این نقش طالع پادشاه است که در زمان تولدش در برج اسد بوده است و به همین دلیل این خورشید دارای چشم و ابرو و دهان است.

در گفتار چهارم، نویسنده به این پرسش پاسخ می‌دهد که: «شیر و خورشید چگونه نشان رسمی ایران شده است». او معتقد است این نشان با تغییراتی در آن، از زمان غیاث‌الدین کیخسرو تا زمان شاه عباس بدون آنکه به دلیل اولیه آن اشاره‌ای شود، در دوران‌های مختلف ضرب شده و در زمان شاه عباس بسیار رواج پیدا کرده است (همان: ۲۲).

نویسنده کتاب فوق معتقد است در دوران قاجار و رفت و آمد با اروپائیان، دربار به پیروی از کشورهای اروپایی یک نشان دولتی پدید آورد که همان شیر و خورشید بود که آن را بازمانده روزگار باستان دانستند (همان: ۲۳) و در زمان محمد شاه قاجار، ذوالفقار نیز به آن اضافه شد. در این دوران «شیر و خورشید» و «ذوالفقار دو دم» نشان‌های دولتی محسوب و بر روی درفش‌ها، سکه‌ها و دیوارها نگاشته می‌شدند. او اثبات این روایت را به نوشته دو تن از اروپائیان در دوره قاجار مستند می‌کند: لانگله و موسیو دوبو. اولی روایت می‌کند که فتحعلیشاه در رقابت با سلطان سلیم عثمانی که نشان هلال را پدید

آورد، نشان مهر و شیر را درست کرد و مسیو دوبو هم نقل می کند که در زمان محمدشاه شیر و خورشید و تیغ ذوالفقار از نشانهای دولتی محسوب می شده است (همان، ۲۵). او حتی استدلال می کند از آنجا که تلفیق شمشیر و شیر و خورشید می توانست اتهام جنگجویی را متوجه دولت ایران کند، بر سکه ها و بر روی برخی نامه ها این نشان ها را بدون شمشیر می کشیدند و یا شیر را در حالت خوابیده تصویر می کردند (همان: ۲۶).

کتاب «تاریخ پرچم ایران: از باستان تا امروز» نوشته بخورتاش یکی از منابع نام آشنای پرچم در ایران است. در بررسی آثار مربوط به پرچم ایران، این منبع یکی از کامل ترین آنهاست. در این کتاب نویسنده با بررسی منابع ادبی و دینی، نگاره های مجموعه های به جامانده از کاوش های باستان شناسی مانند سکه ها، توصیفات نویسندگان در دوره های مختلف و جستجو در اسناد دولتی توانسته تصویری از سیر خلق، تغییر و دگرگونی پرچم در روزگار پیشدادیان، کیانیان، هخامنشیان، اشکانیان، ساسانیان تا دوره مشروطه و پس از آن، انقلاب اسلامی ارائه کند. وجه ممیزه این اثر نشان دادن تحولات نقش ها، رنگ ها و نمادهای حک شده بر این درفش ها می باشد که تا روزگار ما نیز ادامه داشته است.

کتابی تحت عنوان «شیر و خورشید؛ نشان باستانی و مقدس پرچم آریاییان از آغاز تا به امروز» در سال ۱۳۸۲ از سوی نشر خوشه چاپ شده است. نویسنده این کتاب فاروق صفی زاده است. از آنجا که این کتاب در برخی نتایج خود به منبع قبلی شباهت دارد، شایسته است که همین جا به بحث درباره آن پردازیم. در این کتاب نویسنده، مانند کسروی، نشان شیر و خورشید را به عنوان نشان دولتی از زمان محمدشاه می داند. همچنین معتقد است بر پایه یافته های باستان شناسی، نخستین کسانی که دارای پرچم بوده اند، ایرانیان آریایی می باشند (صفی زاده، ۱۳۸۲: ۷).

نویسنده سپس با ذکر منابع دینی اوستا و منابع ادبی مانند شاهنامه، به ذکر تاریخچه پرچم در ایران پرداخته است. او در بخشی از کتاب به مفهوم پرچم ایران با سه رنگ و شیر و خورشید می پردازد که به موجب اصل پنجم قانون اساسی مصوب ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ ه.ق. رسمیت یافت. وی رنگ سبز را نشان پرچم ساسانیان و نشانه سبزی و خرمی کشور و صفای روح و باطن می داند؛ رنگ سفید را نشان آشتی، دوستی

## کلیات تحقیق

و آرامش طلبی و رنگ قرمز را نماد مهر و نشان انقلاب مشروطیت ارزیابی می کند که در عین حال به نظر او رنگ قرمز پرچم ایران نمایانگر آن است که اگر به حقوق ملت ایران تجاوز شود، این ملت آماده جنگ است و با خون خویش از حق خود دفاع خواهد کرد (همان: ۲۶). در این کتاب، نشان شیر موجود در پرچم مشروطه، نشان شجاعت، استقامت و متانت و هم نشان اسدالله، علی (ع) است و خورشید منبع نیرو و نور و علامت روشنی دل و جان و هم خورشید نبوت و اتحاد بین شیعه و سنی است.

رشید شهردان نیز در کتابی که بیشتر تاریخ پرچم را در ایران قبل از اسلام مطرح نظر قرار داده، نکاتی درباره تاریخ پرچم و تحول آن در عصر هخامنشی و ساسانی بیان کرده است (شهردان، ۱۳۵۴). در این کتاب، درفش کاویانی به عنوان اولین نماد سلسله های پادشاهی در ایران معرفی شده است و نویسنده میان درفش کاویانی که به معنای درفش کیانی یا شاهی است با درفش کاوه آهنگر هیچ نسبتی نمی بیند (همان: ۶۲). او معتقد است پرچم شاهنشاهی با نشان پادشاهان هخامنشیان آغاز شده ولی پرچم چرمین مرصع با جواهرات به نام درفش کاویان به ظن قریب به یقین اثر پادشاهان اشکانی و تشریفات مناطق بومی آنان بوده است که بعدها پادشاهان ساسانی از آن پیروی کرده اند.

مجتبی مینوی، ادیب و نویسنده مشهور ایرانی که به تحقیق در بسیاری از حوزه های مرتبط با تاریخ و فرهنگ ایران پرداخت، نسبت به موضوع پرچم ایران هم بی تفاوت نمانده و کتابی در این باب به رشته تحریر در آورده است (مینوی، ۱۳۵۸). مینوی معتقد است که علامت شیر و خورشید در زمان پادشاهان قاجار رسمی شده است و دستورالعمل محمدشاه در این باره در سالنامه وزارت خارجه در سال ۱۳۳۲ وجود دارد. او اصل و منشاء شیر و خورشید را در قبل از اسلام و اوایل دوره اسلامی می داند و برای اثبات مدعای خود به روایت ابن العبری درباره سلطان غیاث الدین کیخسرو و عشق او به دختر گرجی که منجر به نقش شیر و خورشید بر سکه های دوره سلجوقی شد اشاره می کند و معتقد است که از بررسی کتاب های تاریخی و ادبی معلوم می شود که درفش دولتی و جنگی ایرانیان قبل از اسلام درفش کاویانی بوده که در جنگ قادسیه به دست اعراب افتاده است. مینوی به ذکر اشعاری که در آن به شیر و خورشید اشاره شده می پردازد و معتقد است که نمی توان جنبه ملی و تاریخی برای نشان شیر و خورشید قائل شد

زیرا نه به تاریخ پیش از اسلام ارتباطی دارد و نه دلایلی وجود دارد که ایرانیان آن را ابداع نموده باشند و بنابراین نتیجه می‌گیرد همان‌طور که ملت ایران نقش‌های گذشته مانند بره و خرچنگ و کژدم را به فروردین و غیره تغییر داده‌اند، این بازمانده ترکان را نیز می‌توان کنار گذاشت. به نظر می‌رسد نویسنده تحت تاثیر التهابات سیاسی روز، خواهان حذف تمام نمادها و نشانه‌هایی است که تصور می‌کند حکومت شاهنشاهی را به یاد می‌آورد. جالب آنکه چنان‌که ذکر کردیم چند سال قبل از کتاب مینوی رشید شهردان درست بر خلاف او تلاش می‌کند استمرار و اصالت تاریخی و ملی از درفش کاویانی تا پرچم ایران در زمان حکومت پهلوی را نشان دهد (همان: ۱۱۸).

سعید نفیسی دیگر نویسنده شهیر کشورمان است که در باب پرچم ایران به تحقیق و تامل پرداخته است (نفیسی، ۱۳۲۸). نفیسی میان درفش ساسانیان و درفش کاوه تمایز قایل می‌شود. او در ابتدا مثال‌هایی از شاهنامه می‌آورد که به درفش کاویان در آن اشاره شده است و در ادامه می‌گوید که ایرانیان از روزگار بسیار قدیم درفش‌ها و بیرق‌هایی داشته‌اند که در مراسم، تشریفات و جنگ مورد استفاده قرار می‌دادند و قدیمی‌ترین سندی را که مثال می‌زند همان موزاییکی است که در نبرد اسکندر بر آن نقش درفشی در پشت داریوش سوم دیده می‌شود. او عقیده خاورشناسانی چون لوی، یوستی و زاره را که معتقدند بیرق پشت سر داریوش همان درفش کاویان است رد می‌کند و نظر کریستن سن را می‌پذیرد (همان: ۹).

نویسنده در ادامه به ذکر منابع تاریخی در اوایل ورود اسلام می‌پردازد که در آن به درفش کاویان اشاره شده است. او به شباهت نقش‌ها میان درفش ایران و کشور ارمنستان می‌پردازد و باز به سراغ شاهنامه می‌رود تا از میان اشعار او ویژگی‌های درفش‌های آن دوران را بیرون بکشد (همان: ۳۰). پس از آن ویژگی‌های درفش در دوره اسلامی را با مراجعه به منابع آن دوران بررسی می‌کند. نفیسی به این نتیجه می‌رسد که بر نقش‌هایی که بر بیرق‌ها بوده نقش شیر بیش از همه تکرار شده است زیرا همه شاعران در اشعارشان به آن اشاره کرده‌اند (همان: ۴۶). او داستان غیاث‌الدین کیخسرو پادشاه سلجوقی را نقل می‌کند، اما برخلاف کسروی این تصویر را ناشی از عقاید مردم آن دوران در همنشینی خورشید در برج اسد



## کلیات تحقیق

می‌داند و دوره تیموریان را دوره رواج همنشینی شیر و خورشید می‌شمرد و برای نمونه به سفرنامه کلاویخو ارجاع می‌دهد که در شرحش از سفر به سمرقند به‌عنوان سفیر اشاره به شیر و خورشید بر دیوارهای بناهای تیموری کرده است (همان: ۶۱). نفیسی سپس به نوشته‌های سفیران اروپایی اشاره می‌کند که در دوره صفویه درباره نقش شیر و خورشید در سفرنامه‌هاشان اشاراتی کرده‌اند. او همچنین به سفر محمدرضا بیگ در زمان لویی چهاردهم و شاه سلطان حسین توجه نشان می‌دهد و از نقشی یاد می‌کند که از بیرق شیر و خورشید بر گراورهای آن زمان باقی مانده است. او همچنین به سنگ قبری در امامزاده نزدیک واریان در مسیر چالوس می‌پردازد که مربوط به سال‌های حکومت کریمخان است که در میان نقش غلاف شمشیری که بر سنگ حک شده تصویر شیر و خورشیدی نیز دیده می‌شود (همان: ۷۳). نفیسی هم مانند برخی نویسندگان دیگر به نوشته لانگله فرانسوی اشاره دارد که در آن می‌نویسد فتحعلیشاه برای همچشمی با سلطان سلیم عثمانی نشان مهر شیر و خورشید را ساخت و در زمان محمدشاه نظام‌نامه‌ای برای نشان شیر و خورشید در سالنامه وزارت امور خارجه تهران در سال ۱۳۳۵ به چاپ رسید (همان: ۲۱۴). در همین سالنامه نظام‌نامه دیگری هست که نشان می‌دهد که نقش شیر و خورشید در زمان ناصرالدین شاه اصلاح شده است (همان: ۷۶). دوبو فرانسوی هم نقل کرده است که بیرق دیگری هم وجود دارد که روی آن نقش ذوالفقار حضرت علی است که دو تیغه دارد (همان: ۷۸). او همچنین از شیر خفته و ایستاده نام برده است و از قدما یاد می‌کند که در زمان ناصرالدین شاه شیر ایستاده را در موارد نمایش عمومی به کار می‌بردند و شیر خفته را تنها برای وزارت امور خارجه استفاده می‌کردند (همان: ۷۹). این شیر خفته و ایستاده در تمبرهای چاپ شده در سال ۱۲۸۵ هجری قمری دیده می‌شود. او آخرین تغییر در شیر و خورشید را در زمان رضا شاه می‌داند که دستور دادند که تصویر خورشید از ویژگی‌های انسانی حذف شود و دیگر در این تصویر از چشم و دهان استفاده نشود و به نیم‌دایره‌ای که پرتویی در اطراف آن باشد قناعت کنند (همان: ۷۹). نویسنده در پایان به نکته جالبی درباره رنگ پرچم اشاره می‌کند که در آثار دیگر به چشم نمی‌خورد. او می‌گوید که تا پیش از مشروطه رنگ پارچه سفید بوده و حاشیه سبزی از سه طرف داشت و در مشروطه به تقلید از کشور فرانسه که تصور می‌شد رنگ آبی پرچم آنها

نشان کلیسای کاتولیک و رنگ سفید علامت سلطنت و رنگ سرخ نشان علامت انقلاب بوده است، به این ترتیب و بر همین منوال رنگ سبز را برای مذهب اسلام و رنگ سفید را برای سلطنت و رنگ سرخ را برای انقلاب در نظر گرفتند (همان: ۸۰). این کتاب به دلیل استفاده از نوشته‌های خاورشناسان یا سفرای خارجی منبع مفیدی است.

بی‌گمان کریستن سن از معتبرترین ایران‌شناسان غربی است که پاره‌ای نوشته‌های او در حکم کتاب‌های مرجع در باب تاریخ و فرهنگ گذشته ایرانیان در آمده‌اند. او دربارهٔ درفش کاویانی و اسطوره کاوه آهنگر هم به تأمل پرداخته است (کریستن سن، ۱۳۸۷). نویسنده در این کتاب سعی دارد با ریشه‌یابی داستان اسطوره کاوه و بررسی لغوی واژهٔ کاویان در متون پهلوی، فارسی میانه و فارسی دری درفش کاویانی و درفش کاوه تمایز قائل شود و نتیجه می‌گیرد که درفش کاویانی به معنای درفش شاهی است (همان: ۳۹).

نویسنده، روایت‌های گوناگون از کتاب‌هایی مانند شاهنامه، مروج‌الذهب و تاریخ طبری نقل می‌کند که در آنها درفش کاوه گاهی دستارش بوده و گاهی پیشبند چرمی و گاهی کیسه چرمین که بر چوبی به اهتزاز در آمده و درفش کاویان را ساخته است. نویسنده معتقد است که ساختن گرز گاوسر توسط آهنگران برای فریدون در داستان اساطیری در سال‌های بعد و هنگامی که منشاء درفش ملی با قیام فریدون ارتباط پیدا کرد، زمینه‌ای را فراهم کرد که درفش را نیز به آهنگری به نام کاوه نسبت دهند. او معتقد است این تعبیر فقط در تعداد اندکی از منابع عربی-فارسی که بر اساس خدای‌نامه بنا شده‌اند آمده است و چنین بود که درفش به کاوه آهنگر نسبت داده شد (همان: ۷۴).

نویسنده با ذکر منابع نزدیک به آن دوران و آوردن نظرات دیگر پژوهشگران دربارهٔ درفش کاویان، استدلال می‌کند که نمی‌توان با یقین گفت که هخامنشیان درفش ملی به نام کاوه داشته‌اند و می‌گوید تصویری که در موزاییک «نبرد اسکندر» در پومپئی به عنوان نشان جنگی بر سرنیزه‌ای در پشت ارابه جنگی شاه قرار دارد، نمی‌تواند همان درفشی باشد که در حکومت‌های بعدی و دولت‌های اشکانی مورد استفاده قرار گرفته است. کریستن سن می‌گوید: «از نظر من منطقی نیست که درفش کاویان در طول

## کلیات تحقیق

چهارصد سال فرمانروایی پارت‌ها در پارس حفظ شده باشد تا بار دیگر پس از جلوس سلسله ایرانی ساسانی به درفش ملی ایرانیان تبدیل گردد» (همان: ۷۳).

او معتقد است که سنت وجود درفش ملی در نشانه‌های پادشاهان بزرگ به دوره هخامنشیان برمی‌گردد، اما درفش چرمین مزین به جواهرات یعنی درفش کاویان به احتمال زیاد از دوره پادشاهان پارت پیدا شده و سپس مورد استفاده ساسانیان قرار گرفته است (همان: ۸۶).

درباره پرچم باید به کتاب مشهور آنتونی اسمیت «ناسیونالیسم: نظریه، ایدئولوژی، تاریخ» نیز اشاره کنیم که اگر چه پرچم موضوع آن نیست، اما چون یکی از رایج‌ترین نظریه‌ها در باب پرچم را ارائه می‌کند، شایسته توجه است (اسمیت، ۱۳۸۳). چنان‌که از عنوان کتاب برمی‌آید، نویسنده به بررسی ناسیونالیسم پرداخته است و از زمینه‌های ظهور ناسیونالیسم با طرح مفاهیم قوم و ملت، دولت ملی، هویت ملی آغاز کرده و در فصل دوم از ناسیونالیسم به‌عنوان ایدئولوژی یاد می‌کند که بر ایده‌آل‌های بنیادین بنا شده است. در فصل دیگر به تاریخ ناسیونالیسم می‌پردازد و در آخر چشم‌اندازهای ناسیونالیسم را مورد بررسی قرار می‌دهد.

در این اثر، از مفهوم پرچم به‌عنوان یکی از نمادها و ویژگی‌های خاص ملت‌ها، هم ردیف سرودها و اشعار و رنگ‌ها، نام می‌برد که با فرم‌ها و ریتم‌های ساده خود در صدد تجسم و نمود یک حس پرتحرک از تاریخ یا سرنوشت بی‌نظیر در میان سایر جوامع است (همان: ۱۸) و مدعی است که تشابه این پرچم‌ها چندان اهمیتی ندارد، بلکه آنچه مهم است، تاثیر نفوذ معانی است که توسط چنین نشانه‌هایی به ذهن اعضای ملت تداعی می‌کند. فقدان چنین نمادهایی نشانه ضعف ملی است. نویسنده معتقد است که نمادهای ملی را همانند جنبش‌های ملی نمی‌توان از ایدئولوژی ناسیونالیسم جدا کرد و این ایدئولوژی هم برای هدایت نمادها و هم جنبش‌ها به کار می‌رود (همان: ۱۹).

نویسنده معتقد است که از نظر ناسیونالیست‌ها، فرهنگ عمومی و ملی صرفاً یک امر شخصی نیست و فرهنگ ملت باید در شکل و شمایل عمومی ظاهر شود و به نمادهای سیاسی مبدل شود. ملت فرهنگی باید به ملت سیاسی تبدیل شود و ملت سیاسی با فرهنگ سیاسی‌اش تعریف می‌شود که عبارت است از

نقش‌ها و نهادهای سیاسی متمایزش و نهادهای بی‌نظیرش از قبیل پرچم‌ها، سرودهای ملی، جشنواره‌ها، مراسم و ... (همان: ۵۲).

نویسنده عوامل پیونددهنده جامعه متکثر آمریکا را زبان مشترک، قوانین مشترک، نمادهای سیاسی مشترک و یک مذهب عرفی و سکولار، ادای احترام به پرچم و قانون اساسی و پدران بنیان‌گذار می‌داند. او هابزبام را مورد انتقاد قرار می‌دهد که معتقد است مهندسان اجتماعی با خلق جشنواره‌ها و نمادپردازی‌های ملی و ساخت پرچم‌ها و مسابقات ورزشی زمینه را برای ظهور ملت‌ها فراهم کرده‌اند. اسمیت معتقد است که این تحلیلی مکانیکی است و نقش احساسات فردی و خواست‌های اخلاقی مردم را نادیده گرفته است (همان: ۱۱۳).

نویسنده پرچم را به عنوان یکی از نمادهایی که می‌تواند به مجموعه‌ای از گروه‌های انسانی به عنوان یک ملت هویت ببخشد و احساس جمعی آنها را تقویت کند، در نظر گرفته است.

کتاب نظریه‌های ناسیونالیسم نوشته اوز کریملی نیز از برخی وجوه شبیه به کتاب آنتونی اسمیت است. این کتاب نیز ایدئولوژی ناسیونالیسم را بررسی می‌کند و از خلال آن به جایگاه پرچم می‌پردازد (اوز کریملی، ۱۳۸۳). نویسنده معتقد است هیچ عقیده سیاسی نقشی موثرتر از ناسیونالیسم در شکل دادن به چهره‌دنیای مدرن نداشته است. او در ابتدا به طرح مباحث مربوط به ناسیونالیسم پرداخته و بعد به مفهوم بنیادین ازلی‌انگاری هویت ملی می‌پردازد، سپس ارتباط بین ناسیونالیسم و مدرنیسم را بررسی می‌کند و به مرور نظرات اندیشمندان این حوزه مانند جان بریولی، پال براس، اریک هابزبام، ارنست گلنر، بندیکت اندرسون و میروسلاو هروش می‌پردازد.

نویسنده از نقد اسمیت و نمادپردازان قومی هم غافل نمی‌ماند و یادآوری می‌کند که این دسته از نظریه‌پردازان تفاوت ملت‌های مدرن و جوامع قومی گذشته را دست کم می‌گیرند و معتقد است که سخن گفتن از ملت‌ها و ناسیونالیسم در اعصار پیشامدرن ممکن نیست. نکته مهم‌تر اینست که ارتباط میان هویت ملی مدرن و میراث فرهنگی گذشته در بهترین حالت مشکوک است، چرا که ناسیونالیست‌ها اساطیر و نمادها را ابداع می‌کنند و نمادهایی را که با خواسته‌شان انطباق ندارد نادیده می‌گیرند (همان: ۲۲۴).

کتابی تحت عنوان «تاریخچه پرچم ایران از باستان تا امروز» نوشته مجید اصغرزاده به توصیف شکل ظاهری درفش‌های ایرانیان پرداخته است (اصغرزاده، ۱۳۸۶). در واقع، در این کتاب نویسنده بیش از آنکه در صدد منشاء و چگونگی پیدایش انواع درفش‌های تاریخ ایران باشد سعی کرده است که توصیفی از آنها ارائه کند. او به توضیحات مجمل خود، تصاویر متعددی را هم ضمیمه کرده و به سیر تحولات و تغییرات آن توجهی نشان نداده و تنها شکل ظاهری این نمادها و نشانه‌ها را مرور کرده است. او این سیر را از دوران باستان و درفش کاویان آغاز می‌کند و تا روزگار جمهوری اسلامی پی می‌گیرد.

در میان کتاب‌های چاپ شده در باره پرچم، کتابی هم وجود دارد که موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران آن را به چاپ رسانده است. گرچه این کتاب از جنبه تاریخی یا فرهنگی به پرچم ایران نپرداخته است، اما از آنجا که به لحاظ حقوقی می‌تواند بخشی از پیشینه این تحقیق محسوب شود به آن می‌پردازیم. در این دستورالعمل که از طرف موسسه استاندارد به چاپ رسیده است، در بخش اول تاکید می‌شود که این استاندارد در بیست و سومین جلسه کمیته ملی صنایع نساجی مورخ ۵۹/۶/۳۱ به تصویب رسیده است و طرح کلی آن را امام خمینی تایید کرده است. هدف از این دستورالعمل استانداردسازی ویژگی‌های پرچم جمهوری اسلامی ایران از قبیل جنس، علامت مخصوص، رنگ، اندازه و دوخت عنوان شده است. در مرحله بعدی، ویژگی‌های پرچم از قبیل طرح، جنس و بافت ذکر شده و به جدول‌هایی در پایان ارجاع داده شده است. در جدول‌های پیوست، ویژگی‌های زیر مورد بررسی قرار گرفته است:

- ۱- ویژگی عمومی پارچه پرچم؛
- ۲- ویژگی‌های پارچه‌های پنبه‌ای مورد استفاده برای پرچم؛
- ۳- ویژگی‌های پارچه‌های پشمی مورد استفاده برای پرچم؛
- ۴- ویژگی‌های پارچه‌های ابریشمی؛
- ۵- ویژگی‌های سایر پارچه‌های مجاز مورد استفاده.

در مرحله دیگر ابعاد پارچه در جدولی ذکر شده است. تمام پرچم‌ها یک‌لا می‌باشند، به استثنای پرچم‌های رومیزی و پرچم‌هایی که بر روی وسائل نقلیه نصب می‌شود. در ادامه، دوخت و ساخت پرچم مورد توجه قرار گرفته و در جدول شماره هشت ویژگی‌های پارچه مورد استفاده برای لیفه ذکر شده است. در اینجا مختصات میله و طناب مورد استفاده ذکر شده است. در پایان این دستورالعمل، به علامت‌های روی پرچم و استاندارد آنها و نوشته الله اکبر و تعداد آنها و رنگ آن اشاره شده است.

در پیوست دوم این جزوه، اصل ۱۸ قانون اساسی آمده است که درباره مفاهیم رنگ و شکل پرچم پرداخته است و استاندارد رسم کلمه الله در میان پرچم و مفاهیم مربوط به آن آورده شده است. پیوست سوم شرح ویژگی‌های هندسی و طرز ترسیم علامت مخصوص پرچم جمهوری اسلامی ایران است.

### ۳- مقالات

ذبیح‌الله صفا در مقاله‌ای در سالنامه کشور ایران به سال ۱۳۲۶، به تاریخ‌نگاری درفش کاویان پرداخته است (صفا، ۱۳۲۶). صفا معتقد است که درفش کاویان، درفش ملی معروف عهد ساسانی است که همه مورخان بزرگ اسلامی از آن نام برده‌اند. او در این مقاله به گفته‌های دیگر مورخان که در باب درفش کاویان نقل کرده‌اند، پرداخته و موضوع جدیدی به گفته‌های پیشین اضافه نکرده است.

در سالنامه فوق، به مقاله‌ای هم از سعید نفیسی تحت عنوان «تاریخ شیر و خورشید ایران» (نفیسی، ۱۳۲۶) بر می‌خوریم. نویسنده به تفاوت میان درفش کاوه و درفش کاویان تاکید دارد و ویژگی‌های درفش کاویان را در دوره ساسانی به نقل از طبری ذکر می‌کند: «درفش از پوست حیوانات بوده و هشت ذرع پهنا و دوازده ذرع درازا داشته است و بر آن گورها و جواهرات و مروارید الحاق می‌شده است» (همان: ۱۸). نفیسی اما معتقد است که نویسندگان، جنس درفش را با نقش آن اشتباه گرفته‌اند (همان). او سپس به اشعار فردوسی اشاره می‌کند که توصیفاتی از درفش کاویان در آن ذکر شده است.

نفیسی به منشأ شیر و خورشید بر درفش‌ها در سده‌های بعد می‌پردازد و معتقد است که این نقش‌ها همیشه بوده‌اند و در سکه‌ها و بیرق‌ها و ساختمان‌ها و گورها نقش می‌شدند و از اعتقادات مردم درباره برج

## کلیات تحقیق

پنجم اسد که خورشید در آن قرار دارد، یاد می‌کند. در این مقاله، سیر تاریخی شیر و خورشید به شکلی مشابه با دیگر منابع روایت شده است و تنها مورد متفاوت درباره شیری است که ایستاده و در دستش شمشیر است و نفیسی معتقد است که در زمان ناصرالدین شاه در سال ۱۲۸۰ه ق بر بیرق‌های نظامی برای نشان دادن دلیری و شجاعت و جنگ‌آوری نقش شده است (همان: ۱۶). نکته دیگر آنکه در زمان رضاه شاه تصویر خورشید از حالت انسانی خارج شد، یعنی چشم و ابرو و دهان و گیسو حذف شد.

مقاله قدیمی دیگر، درفش شاهنشاهان هخامنشی نوشته یحیی ذکاء است که در نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان چاپ شده است (ذکاء، ۱۳۳۲). نویسنده به تصاویر به‌جامانده و نوشته‌های یونانی اشاره می‌کند که شرح درفش‌های پادشاهان هخامنشیان در آن آورده شده است. او معتقد است که بر کتیبه‌های تخت جمشید یکی از نقش‌ها نشان از آن دارد که سربازی درفش شاهنشاهی را در دست دارد. او همچنین معتقد است صفحه لاجوردی که در کاخ آپادانا به‌دست آمده است و در داخل آن نقش شاهین بال و چنگال گشوده‌ای کنده شده، نمونه‌ای کوچک از درفش شاهنشاهی است و معتقد است که این شاهین در یونان و روم معمول گردیده و سپس میان ملل اروپایی رواج یافته است (همان: ۲۲).

از میان مقالات جدیدتر، مقاله اصغر قائدان ذیل عنوان پوشش و پرچم در جنگ‌های عصر اسلامی شایسته توجه است (قائدان، ۱۳۸۳). در این مقاله به بحث درباره نوع و رنگ پوشش نیروهای نظامی در عصر پیامبر و خلفای پس از ایشان تا عصر عباسیان پرداخته شده است و تلاش آنها برای یکسان‌سازی نوع پوشش نیروهای رزمی جهت هماهنگی و تشخیص نیروهای خودی از دشمن تشریح شده است. در اینجا از دو نوع نشان با عنوان لوا و رایت در سپاه آن روزگار سخن به میان آمده است. او معتقد است لوا عنوان پرچمی بوده است که برای کل سپاه به اهتزاز در می‌آمد و به‌نوعی متعلق به شخص فرماندهی کل بود. حاملان لوا از طرف پیامبر یا خلفا انتخاب می‌شدند (همان: ۱۳). رایت متعلق به قبایل جزء یا فرماندهان رده‌ها و یگان‌ها بود و تعداد فراوانی از آن در سپاه حمل می‌شد و از لحاظ رنگ و اندازه تفاوت داشت. این پرچم‌ها و لواها به انسجام و هماهنگی نیروها در جنگ و تقویت روحیه آنها کمک می‌کرده است (همان: ۲۲).

#### ۴- پایان نامه‌ها

در این بخش از پایان‌نامه‌ای یاد می‌کنیم که از منظر نشانه‌شناسی به موضوع پرچم پرداخته است. دو پایان‌نامه دیگر هم می‌توان یافت که پرچم موضوع آنها بوده است که خارج از موضوع بحث ما قرار می‌گیرند، چرا که موضوع یکی از آنها تنها مسائل گرافیکی پرچم است و دیگری هم صرفاً به تکرار اطلاعات منابع پیشین پرداخته و هیچ نکته‌ای فراتر از منابع فوق در خود ندارد.

پایان‌نامه «سیاست نشانه‌ها: نشانه‌شناسی و بازسازی نظریه سیاسی» (معینی علمداری، ۱۳۷۸) نوشته جهانگیر معینی علمداری که اکنون از استادان نام‌آشنای علوم سیاسی کشور است، تلاش کرده به مباحث و رویکردهای جدید در علم سیاست بپردازد. نگارنده در بخشی از پایان‌نامه‌اش اشاره می‌کند که یکی از اهداف نمادگرایی افزایش اهمیت آن چیزهایی است که به عنوان نماد قرار گرفته‌اند. از این ویژگی برای مقاصد سیاسی استفاده می‌شود و به طور مثال نماد پرچم به عنوان مظهر یک ملت به ایده اهمیت داشتن نماد گره خورده است. سیاست‌مداران با تاکید بر وجه دراماتیک نمادها از این ویژگی و امکان بالقوه نمادها بهره‌برداری می‌کنند و آن را در یک شخص، چیز یا کلیت تجسم می‌بخشند. در این گونه مواقع تلاش می‌شود تا حد امکان از قابلیت تفسیری این نمادها کاسته شود تا خاصیت نشانه‌ای پیدا کنند. یکی از ویژگی‌های این روش، بر هم خوردن مرزی است که بین نمادها و آنچه به عنوان نماد قرار گرفته وجود دارد تا مردم از روی عادت این دو را یکی بپندارند. برای نمونه امپراتور ژاپن نماد وحدت کشور است. در فرهنگ سیاسی ژاپن فاصله بین این شخص و نمادی که نماینده آن است چنان باریک شده است که شخصیت امپراتور عین وحدت ملی است. بر همین اساس است که رفتار ژاپنی‌ها در جریان جنگ جهانی دوم قابل فهم است (همان: ۱۸۲). موقعیت امپراتور در آنجا به گونه‌ای است که اگر مدرسه‌ای آتش بگیرد نجات تصویر امپراتور نخستین وظیفه مسولان مدرسه است.

آتش زدن پرچم یکی دیگر از روش‌های تخفیف و تحقیر دولت دشمن محسوب می‌شود. این اعتراض‌ها به خصوص در جریان برگزاری مراسم عمومی و تظاهرات خود موجب بروز کنش‌های یک درام است (همان: ۱۸۵).



اطلاعات کتابنامه‌ای دو پایان‌نامه دانشجویی دیگر که پرچم موضوع پژوهش آنهاست (و در ابتدای این قسمت از آنها یاد کردیم) به شرح زیر است:

- فرهمند، جمیله. (۱۳۸۲). تاریخچه پرچم در ایران از پیش از اسلام تا جمهوری اسلامی ایران. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.

- شاطری، میترا. (۱۳۷۹). درفش در ایران از ابتدا تا انتهای دوره قاجار. دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات، گروه باستان‌شناسی.

درباره منابع خارجی مرتبط با پرچم باید به چند نکته اشاره کرد. یک‌دسته از این منابع، همان دایره‌المعارف‌ها و فرهنگنامه‌ها هستند؛ این موارد مانند نمونه‌های ایرانی که پیش از این بررسی کردیم، حاوی مدخل پرچم هستند. این مداخل ممکن است مدخل پرچم به شکل کلی باشد و یا اینکه به پرچم یک کشور خاص پردازد. در مباحث نظری که در ادامه خواهد آمد، از برخی از این تعاریف فرهنگنامه‌ای و به‌ویژه نمونه‌های مشهوری مانند بریتانیکا یاد خواهیم کرد.

سایت‌های اینترنتی را می‌توان از دیگر منابع مربوط به پرچم محسوب کرد. این سایت‌ها عمدتاً دربردارنده مطالبی درباره تاریخچه پرچم کشورها و یا رنگ‌ها و نمادهای موجود در آن هستند. در برخی از این سایت‌ها به پاره‌ای ملاحظات اجتماعی یا حقوقی مرتبط با پرچم اشاره شده است. از این جمله می‌توان سایت «[www.ushistory.org](http://www.ushistory.org)» را نام برد که چنانکه پیش‌تر شرحش رفت، قواعدی درباره پرچم ایالات متحده آمریکا از جمله در مورد چگونگی استقرار پرچم این کشور در کنار پرچم ایالت‌ها، نصب پرچم بر روی اتوموبیل‌ها، نصب دو پرچم آمریکا در کنار هم و جز آن را معرفی و تشریح می‌کند.

بعضی از مهم‌ترین نظریات غربی درباره نمادهای ملی و از جمله پرچم در کتاب‌های تئوریک حوزه علوم اجتماعی ارائه شده است. این منابع تلاش کرده‌اند دلایل اهمیت یافتن پرچم در عصر مدرن را در سایه ساختارهای نوین دولت-ملت توضیح دهند. از مهم‌ترین این نویسندگان می‌توان به آندرسون، آنتونی اسمیت و هابزبوم اشاره کرد که در بخش نظری دیدگاه‌های آنان در این باب بررسی خواهد شد.

در عین حال از آنجا که بخشی از فرایند این تحقیق بررسی تطبیقی جایگاه اجتماعی و حقوقی پرچم در ایران و جهان است در بخش مربوطه مطالبی در این مورد خواهد آمد.

### ۱-۵- جمع بندی نوآوری تحقیق

در این بخش به شکل مفصل و جامع به نوشته‌های مربوط به پرچم در ایران پرداختیم. بررسی مفصل و گسترده منابع مربوط به پرچم در ایران از جنبه‌های مختلف به تحقیق ما کمک می‌کند:

- نشان می‌دهد چه نوع رویکردهایی نسبت به پرچم در ایران وجود داشته است. بررسی پیشینه تحقیق

نشان می‌دهد که پرچم بیشتر از منظر اسطوره‌شناسی و تاریخی مورد توجه بوده است و چندان از

زاویه نشانه‌شناختی، جامعه‌شناختی و حتی مردم‌شناختی بررسی نشده است. جالب آنکه بیشتر همین

تحقیقات موجود هم جنبه توصیفی و گزارش گونه دارد و نگاه تحلیلی در آنها غایب است؛

- نشان می‌دهد تلقی‌های کم و بیش متفاوتی از تاریخ پرچم در ایران و جنبه‌های نمادین و

نشانه‌شناختی آن وجود دارد؛

- نگاه به پرچم به عنوان یک نماد ملی و مذهبی در دوره معاصر چندان جدی نبوده است. با توجه به

اینکه در یکی از بخش‌های دیگر این تحقیق باید جایگاه اجتماعی پرچم در تاریخ معاصر را

بررسی کنیم، پیشینه تحقیق که در بالا ارائه شد، ما را در این جهت یاری خواهد کرد زیرا منابع

متعدد فوق و دیدگاه‌های نهفته در آنها به خوبی نگاه‌های مختلف به پرچم را در دهه‌های گذشته

نشان می‌دهد؛

- سرانجام بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد نگاه راهبردی چه در بخش اجتماعی و چه به لحاظ

حقوقی در بحث پرچم وجود نداشته است و جای خالی آن به چشم می‌خورد.

SCCcr.ir

فصل دوم

مبانی نظری

در این بخش ابتدا به اجمال به تعاریفی از پرچم اشاره می‌کنیم. سپس از آنجا که جایگاه پرچم در عصر جدید محصول شکل‌گیری دولت-ملت‌ها و همبسته با مفهوم هویت ملی است به این دو مقوله خواهیم پرداخت و آنگاه جایگاه پرچم را در هر یک از نظریه‌های مربوط به ملیت مشخص خواهیم کرد و آنگاه از رویکردهای مختلف مرتبط با بحث پرچم سخن خواهیم گفت.

اسطوره‌ها، حماسه‌ها و نمادها بخش مهمی از تاریخ فرهنگی هر سرزمینی هستند. آنها نه تنها بیانگر روحیات، آرمان‌ها، رویاها و تنگناهای حیات فرهنگی و اجتماعی مردمان هر سرزمین بوده و هستند، بلکه خود نیز در شکل دادن به زندگی فرهنگی و اجتماعی نقش مهمی ایفاء می‌کنند.

## ۲-۱- تعریف پرچم

پرچم از جمله نمادهایی است که از دیرباز تا کنون اقوام و ملت‌ها تحت لوای آن اتحاد و انسجام خویش را به نمایش گذاشته‌اند؛ چنان‌که امروزه اغلب، پرچم را بر همین اساس به عنوان «تکه‌ای از پارچه با تنوع در اندازه، شکل، رنگ و طرح ... که به عنوان نماد یک ملت، دولت یا سازمان (نهاد) به کار می‌رود» تعریف می‌کنند («دیکشنری راندوم هاوس»<sup>۱</sup>، ۱۹۸۴: ۲۷۲). پرچم واژه‌ای است ترکی یا مغولی که از دوره پهلوی اول در ایران رواج یافت. واژه ایرانی آن، درفش و برابر عربی آن، علم یا لواء است و به ترکی، بیرق هم نامیده می‌شود.

دایره‌المعارف معتبر بریتانیکا در توضیح واژه «Flag» چنین آورده است: واژه‌ای با ریشه ژرمنی که از قرون پانزده و شانزده میلادی برای مشخص کردن تکه‌ای از پارچه یا مواد مشابه که یک لبه آن به میله و ریسمان پرچم ضمیمه شده است، به عنوان نشان رسمی یک اجتماع یا نیروی نظامی به کار می‌رود (چاپ ۱۹۷۹، جلد چهارم: ۱۶۷). تعریف دیگری از آن نیز چنین است: «پرچم قطعه‌ای پارچه منقوش به شکلی خاص است که معمولاً به میله‌ای آویخته می‌شود و به عنوان نماد یک قوم، کشور، آرمان و یا سازمان معینی به کار می‌رود» (دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۳: ۵۸۲).

۱- Random House Dictionary

باید در نظر داشت هدف ما در این تحقیق، نه انجام پژوهشی باستان‌شناسی یا تاریخی بلکه بررسی نقش و جایگاه فعلی پرچم به‌عنوان یکی از نمادهای ملی و ارائه راهکارهایی جهت تقویت آن است. بنابراین در این بخش، بر تدوین چارچوبی نظری برای فهم جایگاه و کارکرد و نقش پرچم در جوامع کنونی و از جمله کشورمان متمرکز خواهیم شد. البته فهم جایگاه و اهمیت پرچم ایران، بدون آشنایی با تاریخ پرچم در ایران و اسلام ممکن نیست. از این رو در بخش بعدی به تاریخ پرچم در ایران و اسلام خواهیم پرداخت، اما در اینجا تلاش می‌کنیم به برخی مباحث نظری بپردازیم که به فهم جایگاه پرچم در عصر و زمانه ما کمک می‌کند.

## ۲-۲- تاثیر شکل‌گیری دولت ملی بر جایگاه نمادهای ملی مانند پرچم

پرچم و همه نمادهای ملی و میهنی دیگر، امروزه نماد و سمبل یک کشور یا یک دولت-ملت هستند. مفهوم دولت مدرن به‌نوعی از دولت اطلاق می‌شود که از قرن شانزدهم رفته رفته زمینه‌های آن در نظام دولت‌های اروپا پدیدار شد. با این همه، انقلاب فرانسه در ۱۷۸۹ و سپس رشته انقلاب‌هایی دیگری در سراسر اروپا بودند که منجر به استقرار و گسترش دولت مدرن در اروپا شدند. این روند در قرن نوزدهم و بیستم در سراسر جهان دنبال شد. دولت ملی را می‌توان نوع جدیدی از دولت دانست که از جنبه‌های مختلف با نمونه‌های پیشین خود تفاوت داشت. این مفهوم بر نوعی نظم قانونی یا نهادی غیرشخصی و ممتاز دلالت می‌کند که توانایی اداره و کنترل یک قلمرو معین را دارد. به بیان دیگر، صورت متمایزی از قدرت عمومی، که در محدوده مرزهای تعریف‌شده و معین، قدرت سیاسی عالی را تشکیل می‌دهد (هلد، ۱۳۸۶: ۳۴).

دولت‌های ملی به‌آرامی در قرن نوزدهم و بیستم در سراسر جهان گسترش یافتند و به واحدهای سیاسی رایج در جهان تبدیل شدند و امروزه ما در جهان با دولت‌ها و حکومت‌هایی روبرویم که به نمایندگی از یک ملت عمل می‌کنند.

## ۲-۳- نظریه‌های کهن‌گرا و تجددگرا درباره ملیت

درباره ملت دو نظریه نظریه وجود دارد. نظریه اول نظریه کهن‌گراست. نظریه کهن‌گرا، ریشه ملیت را در تاریخ و گذشته می‌داند. این دیدگاه بر این باور است که ملت‌ها پدیده‌هایی همیشگی بوده‌اند. در این رویکرد که ایده ملی‌گرایی را به دنبال دارد، تلویحاً دو پیش فرض نهفته است: اول، آدیان در جهان به شکلی طبیعی در قالب ملت‌های مختلف ساختار یافته‌اند؛ دوم، ملت یک اجتماع سیاسی است که مناسب‌ترین و شاید تنها واحد مشروع حکمرانی است. این اعتقاد به ملت در جنبش‌های اجتماعی یکی از عوامل اصلی در شکل‌دهی مجدد نقشه سیاسی جهان بوده است (جلایی‌پور، ۱۳۸۹: ۱۰۷). در مقابل نظریه دیگری که از آن به‌عنوان نوگرا یا برساخت‌گرا یاد می‌شود وجود دارد که می‌توان آن را رویکرد نظری غالب در موضوع ملیت دانست. از جمله این متفکران می‌توان به بندیکت اندرسون، اریک هابسباوم و ارنست گلنر اشاره کرد. این متفکران نقش عوامل سیاسی و قدرت را در پیدایش ملت و ملیت و قومیت، مهم و اساسی ارزیابی می‌کنند (احمدی، ۱۳۸۸: ۹۴). آندرسون در کتاب «اجتماعات تخیلی»<sup>۱</sup> (۱۹۸۴)، ملت‌های مدرن را برساخته‌ای مفهومی به‌شمار می‌آورد که محصول تحولات عصر مدرنیته و سرمایه‌داری هستند. وی در کتاب خود از تمثیلی مشهور برای توصیف ناسیونالیسم استفاده می‌کند که ذکر آن می‌تواند نوع نگاه او به مسئله ملیت و ملی‌گرایی را آشکار سازد. آندرسون بناهای یادبود و آرامگاه‌های سربازان گمنام را نمادی از دولت-ملت‌های مدرن می‌داند. آرامگاه‌هایی که خالی‌اند و یا درون آنها استخوان‌هایی از سرباز یا سربازانی است که کسی از نام آنها اطلاعی ندارد. آندرسون می‌گوید همین ویژگی یعنی گمنام بودن این سربازان، نکته‌ای است که مراسم و آیین‌های ادای احترام به این سربازان را معنادار می‌سازد. از دید او احساسات ملی‌گرایانه مدرن از همین سنخ و توهم‌آمیز و مبتنی بر تخیل و قراردادی هستند (آندرسون، ۱۹۸۴: ۹). به‌نظر آندرسون نابودی دولت‌های مذهبی (امپراتوری-خلافت) و به دنبال آن آغاز شیوه‌های نوین ارتباطات ناشی از فن‌آوری نوین سرمایه‌داری چایی موجب می‌گردد تا وجود اجتماعات مستقل خیالی هم ممکن و هم ضروری بگردد. افرادی که تا کنون از هم بی‌خبر بودند از

---

۱- Imagined Communities

طریق جهان چاپ و مطبوعات می‌توانند یکسان قلمداد شوند و به یک اجتماع خیالی تعلق گیرند (احمدی، ۱۳۸۸: ۹۴). ارنست گلنر نیز رهیافتی مشابه به مسئله ناسیونالیسم دارد. او نیز ناسیونالیسم و احساسات ناسیونالیستی را همچون مفهوم جدید ملت، محصول شرایط اجتماعی عصر جدید می‌داند (گلنر، ۱۳۸۸). اگر چه این نگاه همچنان با انتقاداتی مواجه است (برای نمونه اسمیت، ۱۹۹۸)، اما می‌توان آن را رویکرد غالب در مباحث آکادمیک دانست. در این دیدگاه ملت اساساً پدیده‌ای ارزیابی می‌شود که از دل دولت مدرن متولد شده است و دارای اصالت ذاتی نیست. بحث دربارهٔ عوامل و ریشه‌های شکل‌گیری دولت-ملت‌ها خارج از بحث ماست، اما به هر حال دولت ملی یک اجتماع سیاسی بود و این «اجتماع سیاسی» جدید باید پیوندهایی میان اعضای خود ایجاد می‌کرد که آنها را به‌عنوان یک ملت متحد و همبسته، در کنار هم نگه دارد. این مسئله‌ای اساسی بود که بدون تحقق آن پروسه ملت‌سازی ناکام و ناتمام می‌ماند و در نتیجه دوام و بقای دولت-ملت‌ها ممکن نبود. ایدئولوژی ناسیونالیسم یا وطن‌پرستی، در چنین زمینه‌ای معنا یافت. این ایدئولوژی تلاش می‌کرد تا بر اساس نژاد، زبان و یا فرهنگ و مذهب مشترک، میان شهروندان دولت-ملت‌ها، هویت مشترک ایجاد کند و نوعی آگاهی و احساس نسبت به تعلق به یک سرزمین مشترک میان آنها خلق کند و از این طریق آنها را به هم پیوند دهد (فینلسون، ۲۰۰۵: ۱۲۳). گاه حتی تاریخ یا نژاد مشترکی جعل یا در مورد آن اغراق می‌شد تا این خودآگاهی ملی خلق و تقویت شود. طبعاً دولت-ملت‌هایی که از دل تاریخ و فرهنگ و گذشته مشترک بیرون می‌آمدند، امکان بیشتری برای خلق این هویت ملی داشتند و هویت ملی خویش را بر پایه‌های استوارتری بنا می‌کردند (ادگار و سجدویک، ۲۰۰۸: ۱۲۴).

بنابراین ما با دو نظریه مواجه هستیم که یکی دولت-ملت‌ها و مفهوم ملیت را برساخته‌ای فرهنگی و گاه حتی سیاسی و محصول قرن نوزدهم و بیستم می‌داند و برای آن اصالتی قائل نیست. در این دیدگاه ملت‌ها موجوداتی مجعول هستند که به دلایل سیاسی در قرون اخیر پدیدار شده‌اند. در مقابل، دیدگاه دیگری وجود دارد که ملت‌ها را پدیده‌هایی کهن و ریشه‌دار ارزیابی می‌کند که به شکل طبیعی و از دل تاریخ و فرهنگ مشترک بیرون آمده‌اند.

اکنون در میان نظریه پردازان و محافل علمی در دنیا رویکرد اول که ملت‌ها را پدیده‌ای ساختگی و جعلی و نه طبیعی قلمداد می‌کند و هویت ملی را امری متاخر می‌داند رویکرد غالب است.

## ۲-۴- نگاه نویسندگان ایرانی به هویت ملی

بسیاری از پژوهشگران و محققان و اساتید ایرانی نیز درباره موضوع هویت ملی (هویت ایرانی) به پژوهش و نظریه پردازی پرداخته‌اند. در میان محققان ایرانی هر کدام از دو دیدگاه فوق طرفدارانی دارد، اما برخی از نویسندگان ایرانی نیز بر این باورند که هیچکدام از دو رویکرد فوق، توضیح کاملی از مسئله هویت ملی در ایران ارائه نمی‌کند. به نظر آنها با توجه به پیشینه و فرهنگ و تمدن کهن ایرانیان، هویت ملی در این کشور در گذر قرن‌ها شکل گرفته است و این مسئله با آنچه در بسیاری کشورها که ناگهان در قرن نوزده و بیست موجودیت یافتند، متفاوت است. در این نگاه از یک سو کسانی یافت می‌شوند که اساساً هویت ایرانی را یک امر واقعی و نه یک برساخته فرهنگی - سیاسی معرفی می‌کنند و از سوی دیگر کسانی که اگر چه هویت ایرانی را هم یک برساخته فرهنگی می‌دانند، اما آن را برساخته‌ای می‌دانند که در طول قرن‌ها و سده‌های متمادی و در دل رخدادها و حوادث بی‌شمار شکل گرفته است و بنابراین از اصالت و اهمیت برخوردار است<sup>۱</sup>. هدف ما ورود به جزئیات این بحث نیست اما استفاده از رویکردهای فوق برای پی‌بردن به جایگاه نظری پرچم به عنوان یکی از نمادهای ملی می‌تواند بسیار گره‌گشا باشد. در هر کدام از این رویکردها، با توجه به ریشه‌های تئوریک آنها، نمادهای ملی جایگاه خاصی خواهند داشت.

## ۲-۵- رویکردهای تحلیل پرچم در ایران

اکنون و با توجه به مطالب فوق، می‌توان نمادهای ملی و به‌ویژه پرچم را درون رویکردهای زیر تحلیل کرد.

### ۱- تحلیل پرچم با نظریه‌های هویت ملی (نوگرا و کهن‌گرا)

در رویکردی که ملیت را پدیده‌ای جعلی و متاخر می‌داند، نمادهای ملی از جمله پرچم هم هویت خود را از تبلیغات ملی گرایانه و ایدئولوژی ناسیونالیسم می‌گیرند. در واقع از دید این افراد، پرچم و سرود ملی و

---

۱- برای مروری بر این نظریه و افراد مختلف قائل به آن نگاه کنید به: احمدی، ۱۳۸۸، فصل هشتم.



نظایر آن به شکل ذاتی و واقعی نمایانگر هویت ملی یا مذهبی مردم کشوری مانند ایران نیستند، بلکه برای ایجاد احساس یکپارچگی و اتحاد میان مردم به این نمادها معانی نسبت داده می‌شود که واقعیت ندارد. این دیدگاه اگر چه ممکن است تاریخ پرچم در ایران را انکار نکند، اما معانی و مفاهیم کنونی این نماد ملی در ایران را بی‌ارتباط با گذشته تاریخی و بر ساخته‌ای اجتماعی و فرهنگی تلقی می‌کند. نباید تصور کرد که در این دیدگاه پرچم و نمادهای ملی هیچ اهمیتی ندارند، زیرا این دیدگاه اگر چه اصالتی برای پرچم و نمادهای ملی دیگر قائل نیست اما کارکرد و نقش اجتماعی آن‌را نه تنها ناچیز نمی‌انگارد بلکه در مواردی حتی حیاتی می‌شمرد. برای نمونه می‌توان به نظریه پرداز مشهور ملی‌گرایی و ناسیونالیسم آنتونی اسمیت اشاره کرد. او نمادهای ملی از جمله پرچم را عاملی می‌داند که حس داشتن تاریخ و سرنوشت مشترک را به مردم یک سرزمین القاء می‌کند (اسمیت، ۱۳۸۳: ۱۸). پرچم از طریق معنا سازی و نمادپردازی حس تعلق به سرزمین واحد را در اذهان یک ملت ایجاد می‌کند. اسمیت یادآوری می‌کند که فقدان چنین نمادهایی نشانه‌ای است از ضعف در یکپارچگی ملی. اسمیت تاکید می‌کند که نمادهای ملی محصول ایدئولوژی ناسیونالیسم هستند (همان: ۱۹). وی بر این باور است که برای ملت‌سازی نیاز به فرهنگ سیاسی است و نمادهای ملی مانند پرچم بخشی از این فرهنگ سیاسی هستند (همان: ۵۰). در یک مثال جالب توجه، اسمیت از ایالات متحده آمریکا یاد می‌کند. از نظر او آمریکا جامعه‌ای سرشار از تنوع و تکثر است. به نظر او آنچه آمریکایی‌ها را به رغم این تنوع و تکثر به یک ملت تبدیل می‌کند در کنار زبان و قوانین و بنیانگذاران مشترک، نمادهای سیاسی مانند پرچم است (همان: ۶۲). به هر حال او پرچم را از جمله نمادهای مهمی می‌داند که، به رغم تهی بودن از اصالت تاریخی یا فرهنگی، می‌تواند در فرایند ملت‌سازی به مردمان یک سرزمین هویت ببخشد و به آنها احساس تعلق به یک سرزمین واحد و ملیت یگانه را ببخشد. در ایران این دیدگاه در میان بسیاری از چپ‌گرایان و یا کسانی که به نظریه‌های نوین علوم اجتماعی در باب هویت ملی گرایش دارند، طرفداران زیادی دارد.

اما دو رویکرد دیگر هویت ملی که از آنها یاد کردیم، نگاه نسبتاً متفاوتی دارند. این دو دیدگاه اگر چه اهمیت پرچم و سایر نمادهای ملی را مورد تاکید قرار می‌دهند، اما اعتقاد دارند که پرچم در ایران

دارای تاریخ و قدمت انکارنشدنی است و معناسازی و نمادپردازی درباره آن هم نمی‌تواند بدون توجه به این مسئله صورت بپذیرد و جایگاه پرچم خارج از بافت و زمینه تاریخی- فرهنگی آن قابل فهم نیست. بسیاری از منابعی که در بحث پیشینه تحقیق ذکر کردیم در این دایره می‌گنجند. برای نمونه می‌توان از یک منبع قدیمی، نفیسی (۱۳۲۸) و منبعی جدید، بختورتاش (۱۳۸۲) نام برد.

چنان که می‌بینیم درباره منشأ و قدمت پرچم و دیگر نمادهای ملی دو دیدگاه کلی وجود دارد که متفاوت هستند، اما نکته جالب این است که این هر دو دیدگاه با تمام تفاوت‌هایی که با یکدیگر دارند، در یک نکته اتفاق نظر دارند و آن هم اهمیت نمادهای ملی مانند پرچم است. دیدگاه اول که نمادهای ملی را برساخته‌ای فرهنگی- سیاسی قلمداد می‌کند، در عین حال این نمادها را واجد اهمیتی فراوان در برانگیختن و حفظ احساس تعلق به یک ملت، در مردم یک سرزمین می‌داند. دیدگاه دوم هم که اساساً نمادهای ملی را بخشی از گذشته و تاریخ و هویت ما می‌داند و بنابراین حفظ تقویت هویت ملی و اتحاد ملی را در گرو تقویت این نمادها می‌انگارد. تفاوت این دو دیدگاه در این است که اولی محتوای نمادهای ملی را چندان مهم نمی‌داند بلکه معانی که به این نمادها نسبت داده می‌شود را مهم ارزیابی می‌کند؛ مثلاً در این دیدگاه چندان مهم نیست که رنگ‌ها و علائم پرچم بر پایه زمینه‌های ملی و مذهبی انتخاب شده باشد، بلکه مهم معانی است که به این نمادها نسبت داده می‌شود. در دیدگاه دوم اما اصولاً زمینه‌های ملی و مذهبی است که به نمادها معنا می‌بخشد و برای اینکه نمادهایی مانند پرچم بتوانند جایگاه مناسبی در میان یک ملت پیدا کنند باید از پیشینه فرهنگی و هویتی تغذیه کنند.

### ۱- تحلیل پرچم با رویکردهای اسطوره‌ای و مردم‌شناختی

در پیوند با مطالب گذشته باید از دیدگاه میرچیا الیاده نیز یاد کنیم. الیاده بر این باور است که حتی اگر اساطیر و باورهای اساطیری از ساحت زندگی فردی رخت بر بسته و جای خود را به خرد و عقلانیت سپرده باشند، عرصه زندگی اجتماعی و سیاسی را از جاذبه تفکر اسطوره‌ای گریزی نیست. او سهیم بودن کلیت جوامع در دل‌بستگی به برخی نمادها و نشانه‌ها را گواهی بر نظر خود می‌داند. از قضا نمونه‌ای که الیاده به آن اشاره می‌کند پرچم است: «کوشش شد تا با قلمداد کردن اسطوره به مثابه مهم‌ترین شکل

تفکر جمعی جایی برای آن در تاریخ اندیشه بازکنند و از آنجا که تفکر جمعی در هیچ جامعه‌ای و در هیچ مرحله تکاملی، هرگز به طور کامل منسوخ نمی‌شود، به درستی مشاهده شد که هنوز گونه‌ای از رفتار اسطوره‌ای در جهان نو باقی مانده است؛ برای نمونه سهیم بودن کل جامعه در برخی از نمادها به مثابه ادامه حیات تفکر جمعی تلقی شد. نشان دادن اینکه کارکرد پرچم ملی با تمام تجربه‌های عاطفی همراه با آن به هیچ روی با مشارکت در هر نمادی متعلق به جوامع باستانی تفاوت ندارد...» (الیاده، ۱۳۷۴: ۲۴).

چنان که از نقل قول بالا آشکار است، الیاده جایگاه و اهمیت پرچم در جهان امروز را در امتداد حضور اسطوره‌ها در حیات اجتماعی مدرن قلمداد می‌کند. به زعم او، اسطوره همچنان در ساحت زندگی اجتماعی نقش ایفاء می‌کند و از جمله در نمادهایی مانند پرچم تبلور می‌یابد. بنابراین احساس همدلی مردمان جوامع به پرچم‌هایشان جنبه‌ای اسطوره‌ای دارد.

## ۲- تحلیل نمادگرایانه پرچم

یکی از اهداف نمادگرایی افزایش اهمیت آن چیزهایی است که در جایگاه نماد قرار گرفته‌اند. از این ویژگی برای مقاصد سیاسی استفاده می‌شود و به طور مثال نماد پرچم به عنوان مظهر یک ملت به ایده اهمیت داشتن نماد گره خورده است (معینی علمداری، ۱۳۷۸). این موضوع و نکات پیشین نشان می‌دهد که برای بحث عمیق‌تر راجع به پرچم به عنوان یک نماد ملی باید به موضوع نماد و نشانه و نشانه‌شناسی بپردازیم. سمبل یا نماد مفهومی آشنا با دامنه معنایی نسبتاً وسیع در علوم انسانی است. در یک تعریف خلاصه می‌توان گفت هر نماد از آنجا که بر چیز دیگری دلالت می‌کند، معنایی را با خود حمل می‌نماید و این معنا را به مخاطب منتقل یا تلقین می‌کند. یکی از موثرترین تعاریف درباره معنای نشانه‌ها و نمادها را، که به کار تحقیق ما نیز می‌آید، زبان‌شناس فرانسوی فردیناند دوسوسور ارائه کرده است. فردینان دوسوسور (۱۸۵۷-۱۹۱۳) یکی از نخستین کسانی است که بر اهمیت نشانه‌شناسی تاکید کرده است. شهرت او در نتیجه یک کتاب است که با عنوان درس‌هایی درباره زبان‌شناسی همگانی پس از مرگش به سال ۱۹۱۶ منتشر شد (روبینز، ۱۳۸۲: ۴۱۶). اصطلاح نشانه‌شناسی را دوسوسور بر ساخته است. از نظر دوسوسور، نشانه‌ها و کلمات معنای خود را نه به واسطه ارجاع به جهان بیرون، بلکه از طریق رابطه‌ای که

بین یکدیگر در درون نظام زبانی برقرار می کنند به دست می آورند. سوسور مهره های شطرنج را مثال می زند؛ ارزش هر مهره یا نشانه در درون نظام نشانه شناختی شطرنج، ارتباطی با شکل یا جنس مهره ندارد، بلکه هر مهره ارزش و معنای خود را به واسطه ارتباطی که با مهره های دیگر دارد کسب می کند. مهره ای مانند اسب از آن رو اسب است که فیل، رخ، سرباز و یا هر مهره دیگری نیست. بنابراین زبان، نظام یا ساختاری است متشکل از واحدهایی که با هم مناسبت دارند (احمدی، ۱۳۸۳: ۱۸). هر نظام نشانه شناختی مانند نظام نشانه شناختی شطرنج یا زبان، نظامی است که عناصر آن با هم دیگر رابطه سلبی دارند. در واقع معنای نشانه از آن رو فهمیده می شود که آن نشانه، هیچ نشانه دیگری غیر از خودش نیست (سلطانی، ۱۳۸۴: ۷۱). اگر بخواهیم باز هم ساده تر نظریه دوسوسور را جمع بندی کنیم می توان چنین گفت: سوسور به جای مدل و برداشت قدیمی که در آن تصور می شد یک کلمه به یک چیز یا شی اشاره می کند، مفهوم کلمات به مثابه نشانه ها را ارائه کرد؛ ترکیبی از یک دال (برای مثال کلمه درخت) و یک مدلول (موردی که دال به آن اشاره می کند). نکته مهم در نظریه سوسور، چنان که پیش از این گفتیم، این بود که کلمه درخت معنایش را از پیوند با چیزی، مثلاً درخت به خصوصی، یا حتی انگاره ای از درخت در ذهن، تولید نمی کند. بلکه ما معنای کلمه را با رجوع به نظامی از روابط می فهمیم. این نظام روابط تنها یک قرارداد است و در واقع اختیاری است. یک مثال روشن نظام چراغ های راهنمایی است. در این نظام چراغ قرمز به رانندگان می گوید توقف کنند و چراغ سبز علامت حرکت کردن است. این نشانه ها فقط درون نظام دلالت قابل فهم است. نظامی که رانندگان آموخته اند و در آن قرمز به معنای توقف است. پیوند میان دال و مدلول اختیاری و قراردادی است، چنان که در چین دوره مائو، رنگ قرمز در چراغ راهنمایی نشانه و علامت حرکت بود و نه توقف (رابرتس، ۱۳۸۶: ۸۷).

تلاش های نظری دوسوسور منجر به بنیانگذاری علم نشانه شناسی شد. نشانه شناسی به نظر دوسوسور علم پژوهش نظام های دلالت معنایی است (احمدی، ۱۳۸۳: ۱۲). نشانه شناسی علمی است که به مطالعه نظام های نشانه ای نظیر زبان ها، رمزگان ها، نظام های علامتی و نظایر آن می پردازد. در برخی منابع، نشانه شناسی را اساساً علم مطالعه نظام های نشانه ای غیرزبانی می دانند؛ زیرا زبان را دارای وضعیتی منحصر

به فرد ارزیابی کرده و آنرا متفاوت با سایر نظام‌های نشانه‌شناسی تلقی می‌کنند (گیرو، ۱۳۸۰: ۱۳). به نظر سوسور آدمیان به یاری اشارات اندام‌های بدن، نظام پوشاک، نظام خوراک و نظام‌های نشانه‌ای فرهنگی یعنی ابزاری جدا از نوشتار و گفتار نیز با یکدیگر ارتباط می‌یابند. نشانه‌شناسی علم شناخت این نظام‌های ارتباطی است (احمدی، ۱۳۸۳: ۱۲). چنین است که دوسوسور نشانه‌شناسی را بررسی زندگی نشانه‌ها در دل زندگی اجتماعی می‌داند و آنرا بخشی از روان‌شناسی اجتماعی به حساب می‌آورد (همان: ۱۴). گیرو در کتاب نشانه‌شناسی خود، برخی نشانه‌ها را نشانه‌های هویت نام نهاده است. این نشانه‌ها، از تعلق فرد به یک گروه اجتماعی حکایت می‌کنند و کارکرد آنها این است که سازمان‌بندی جامعه و روابط میان افراد و گروه‌ها را به نمایش بگذارند که پرچم یکی از این نشانه‌هاست (همان: ۱۱۷).

میراث سوسور در زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی به ساخت‌گرایی مشهود شده است. در ساخت‌گرایی سوسور معنای یک واژه بستگی به تمایز آن با واژه دیگر دارد. معنا در مجموع محصول و نتیجه فرایندهای گزینش و ترکیب واژگان محسوب می‌شود. اما دریدا واژه یا نشانه نه تنها به این دلیل که از واژه یا نشانه دیگر متفاوت است، معنا می‌دهد بلکه همواره به تعویق می‌افتد، یعنی هیچگاه کاملاً حاضر و دسترس نیست بلکه همواره هم حاضر است و هم غایب. هر معنایی که برای هر واژه‌ای قائل شویم در واقع به تعویق افتادن معنای آن است و با تدقیق بیشتر تعویق هم بیشتر می‌شود. هر مدلولی به مدلول‌های دیگر اشاره می‌کند و هیچگاه به معنای اصلی نخواهیم رسید. هر مدلولی به دال‌های دیگر تبدیل می‌شود و به مدلول‌های دیگر اشاره می‌کند. تعلیق بی‌پایان دالی به دال دیگر مجال برای افاده معنای مدلول باقی نمی‌گذارد و هر مدلول باز هم به دالی دیگر تبدیل می‌شود. حتی زمینه هم در فهم معنای هر متن نهایتاً تعیین‌کننده نیست، زیرا زمینه‌ها همچون متن‌ها با هم تداخل پیدا می‌کنند (بشیریه، ۱۳۷۹: ۱۳۷). ما بیش از این وارد جزئیات این بحث نمی‌شویم، زیرا هدف ما در اینجا نه توضیح نظریه‌های پست‌مدرن است و نه بحث در باب مجادلات فکری رایج در حوزه نشانه‌شناسی و زبان‌شناسی، بلکه در پی آن هستیم تا زمینه‌ای نظری برای فهم جایگاه و نقش پرچم به‌عنوان یک نماد ملی فراهم کنیم.

### ۳- تحلیل پرچم با رویکردی گفتمانی

اکنون به یکی از نظریه‌های گفتمان می‌پردازیم که از هر دو نظریه فوق تاثیر پذیرفته است و می‌تواند در این بحث به ما کمک کند. واژه گفتمان توسط یکی از مترجمان ایرانی، به عنوان معادلی برای واژه انگلیسی «discourse» پیشنهاد شد. این برابر نهاد پیشنهادی داریوش آشوری بسیار مورد توجه قرار گرفت و به یک واژه همه گیر تبدیل شد. با این همه چنان که اصل واژه فرانسوی و انگلیسی نیز با معانی متعددی همراه است و در متون مختلف به معانی متفاوت به کار می‌رود، واژه گفتمان نیز امروزه در زبان فارسی گستره کاربرد بسیاری یافته است. ما قصد ورود به بحث گفتمان را نداریم اما برای توضیح نظریه گفتمان لا کلا و موفه به توضیحاتی کلی درباره نظریه گفتمان می‌پردازیم. اصطلاح تحلیل گفتمان، نخستین بار در زبان‌شناسی و توسط زلیک هریس به کار رفت (شیفرین، ۱۹۹۴: ۲۴). زلیک هریس تحلیل گفتمان را برای تحلیل متن بالاتر از سطح جمله به کار می‌برد. مطالعه واحدهای کوچک تر از جمله، وظیفه دستور زبان و مطالعه واحدهای بزرگ تر از جمله، وظیفه تحلیل گفتمان است. این رویکرد به زبان همان رویکرد زبان‌شناسی ساخت گراست که در بخشی که به نظریه دوسوسور پرداختیم به آن اشاره کردیم. سارا میلز در کتاب مشهور خود «گفتمان» این رویکردهای زبان‌شناسانه به گفتمان را به شکل روشن تری چنین بیان می‌کند. به گفته میلز در یک رویکرد در زبان‌شناسی «گفتمان، جزء یا قطعه گسترش یافته متن است که واجد شکلی از سازمان درونی، یکپارچگی یا انسجام است» (میلز، ۱۳۸۲: ۱۷). در رویکرد دیگر، «بافتی که پاره گفتارهای خاص در بستر آن به وقوع می‌پیوندد، گفتمان را تعریف می‌کند (گفتمان مذهبی، گفتمان تبلیغات). این بافت‌ها یا زمینه‌های تولید متون، شاکله‌های درونی متون خاص تولید شده را تعیین خواهد کرد» (همان).

چنان که می‌دانیم تحلیل گفتمان در زمانی نه چندان طولانی توسط متفکرانی همچون فوکو و دریدا از عرصه زبان‌شناسی به حوزه مطالعات اجتماعی سیاسی کشیده شد. در این میان آراء و آثار فوکو به شدت فضای فکری غرب را تحت تاثیر قرار داد. نظریات فوکو رشته‌های گوناگون علمی از زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی گرفته تا تاریخ و جامعه‌شناسی و علوم سیاسی را تحت تاثیر خود قرار داد. فوکو در آثار

خود، گفتمان را همیشه در یک معنای مشخص به کار نبرده است. او خود سه معنای گفتمان را از هم متمایز می‌کند: «من فکر می‌کنم که به جای فروکاستن گام به گام معنای کاملاً متلون واژه گفتمان در واقع به معنای آن افزوده‌ام: آنرا گاهی حیطة کلی همه گزاره‌ها یا احکام تلقی کرده‌ام، گاهی به عنوان مجموعه قابل تمایزی از احکام و گاهی به مثابه رویه ضابطه‌مندی که شماری از احکام را توضیح می‌دهد» (به نقل از میلز، ۱۳۸۲: ۱۳). می‌توان در یک تعریف روشن‌تر به نقل از یورگنسن و فیلیپس گفتمان را تثبیت معنایی به‌شمار آورد که رابطه بی‌ثباتی با سایرین دارد. هر گفتمان روشی خاص برای بازنمایی جهان یا بخشی از جهان است (یورگنسن و فیلیپس، ۲۰۰۲: ۱۹).

درون رویکرد تحلیل گفتمان گرایش‌های مختلفی وجود دارد که از جمله می‌توان به خود نظریه فوکو، رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان که چهره‌های شاخصی مانند فرکلاف و ون‌دایک را در بر می‌گیرد<sup>۱</sup> و نظریه گفتمان لاکلا و موفه اشاره کرد که با توجه به اینکه نظریه گفتمان لاکلا و موفه به مسئله نحوه تثبیت معنای نشانه‌ها و دال‌ها توجه بیشتری دارد ما این نظریه را برای بحث درباره پرچم به عنوان یک نماد و نشانه مفیدتر یافتیم.

اگر چه ارنستو لاکلا و شانتال موفه با نگارش کتاب «هژمونی و استراتژی سوسیالیستی» (۱۹۸۵) تحولی در سنت چپ ایجاد کردند، اما در واقع نظریات آنها بسیار فراتر از سنت چپ مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفت و به تدریج به عنوان یک رویکرد تحلیلی در حوزه علوم اجتماعی و ارتباطات و نشانه‌شناسی شناخته شد.

لاکلا و موفه نظریه گفتمان خود را با استفاده از دو سنت نظری مهم ارائه کرده‌اند: مارکسیسم و ساخت‌گرایی. مارکسیسم مبنايي برای تفکر درباره امر اجتماعی برای آنها فراهم می‌کند و ساخت‌گرایی نظریه معنا را در اختیارشان قرار می‌دهد. آنها با در هم آمیختن این دو دیدگاه به نظریه‌ای پساساخت‌گرا دست یافته‌اند. در این نظریه، کل حوزه اجتماعی به مثابه شبکه‌ای از فرایندها تلقی می‌شود که در آن معنی خلق می‌شود (یورگنسن و فیلیپس، ۲۰۰۲: ۲۵).

۱- نگاه کنید به: فرکلاف، ۱۳۷۹ و ون‌دایک، ۱۳۸۲

نظریه معنا در نظریه گفتمان لا کلا و موفه از نظریه زبان‌شناسانه ساخت‌گرای دوسوسور اخذ می‌شود. همانند دوسوسور لا کلا و موفه هم بر این باورند که معنای نمادها و نشانه‌ها و واژه‌ها از ارجاع به جهان بیرونی به دست نمی‌آید. در نگاه آنها نیز معنا حاصل هیچ چیز نیست مگر ارتباط میان نشانه‌ها درون یک نظام نشانه‌شناختی. لا کلا و موفه با بسط این نظریه دوسوسور اظهار می‌کنند که هر مجموعه‌ای از نشانه‌ها و نمادها و کمات و اشیاء و حتی نهادها و غیره وقتی معنای خاص خود را پیدا می‌کنند که در کنار یکدیگر در یک گفتمان قرار گیرند و در نتیجه ارتباط با یکدیگر به یک معنای مشخص دست یابند. پس هویت این نشانه‌ها هویتی ارتباطی است؛ یعنی از ارتباط با سایر نشانه‌ها و در تقابل با مجموعه‌ای دیگر از نشانه‌ها حاصل می‌شود: «برداشتی که لا کلا و موفه از گفتمان دارند، مؤید شخصیت رابطه‌ای هویت است. معنای اجتماعی کلمات، گفتارها، اعمال و نهادها را با توجه به بافت کلی که اینها خود بخشی از آن هستند می‌توان فهمید. هر معنایی را تنها با توجه به گفتمان خاصی باید شناخت» (هوارث، ۱۳۷۷: ۱۶۲).

همینجا می‌توان نظریه گفتمان لا کلا و موفه را تعریف کرد. این نظریه نخستین بار در بخشی از کتاب هژمونی و راهبرد سوسیالیستی مطرح شد و سپس در سایر آثار آنان بسط یافت: ما هر عملی را که برقراری رابطه میان عناصر را به دنبال داشته باشد، به شکلی که این عناصر پس از برقراری این رابطه معنای تازه‌ای بیابند و یا معنای آنان در نتیجه این عمل تعدیل و دگرگون شود، مفصل‌بندی می‌نامیم. کلیت ساختاریافته و منسجم حاصل از عمل مفصل‌بندی، گفتمان نام دارد. آن دسته از موقعیت‌های گفتمانی که درون یک گفتمان معنای آنان تثبیت شده است را «لحظه» می‌نامیم و در مقابل، آن دسته از تفاوت‌هایی را که درون گفتمان مفصل‌بندی نشده‌اند، «عنصر» نام می‌نهم (لا کلا و موفه، ۱۹۸۵: ۱۰۵).

در تعریف فوق به برخی مفاهیم اشاره شده است که می‌توان آنها را چنین صورت‌بندی کرد:

گفتمان: گفتمان کلیتی است که در آن هر کدام از نشانه‌ها به عنوان یک لحظه در نتیجه رابطه‌اش با دیگر نشانه‌ها (مانند تور ماهیگیری) تثبیت شده است. این تثبیت‌شدگی از طریق طرد همه معانی رقیبی که نشانه می‌توانست داشته باشد به دست می‌آید. به این ترتیب شیوه‌های متفاوتی که نشانه‌ها ممکن است با هم ارتباط پیدا کنند نفی می‌شود. بنابراین گفتمان، حالت‌های ممکن را که نشانه‌ها با هم ارتباط می‌یابند



تقلیل می‌دهد (یورگنسن و فیلیپس، ۲۰۰۲: ۲۶). گفتمان در واقع تلاش می‌کند که یک نظام معنایی واحد خلق کند و در آن به نشانه‌ها معنای خاصی را نسبت دهد در حالی که این نشانه‌ها می‌توانند در یک نظام معنایی دیگر با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و معنای دیگری بیابند. در واقع گفتمان، کلیتی است ساختاریافته که از فرایند مفصل‌بندی حاصل می‌شود. گفتمان از این طریق سعی می‌کند که معنای عناصر را تثبیت کند و از این طریق ابهام را کاهش دهد اما همیشه معناهایی که طرد و نادیده شده‌اند، ثابت بودن معنا را تهدید می‌کنند (یورگنسن و فیلیپس، ۲۰۰۲: ۲۹). نکتهٔ اخیر نکتهٔ مهمی است که در بحث از موضوع تحقیق ما به کار می‌آید.

در جمع‌بندی نظریه گفتمان لاکلا و موفه و در ارتباط با مباحث پیشین، می‌توان گفت که گفتمان نوعی از ساختار در همان معنایی است که دوسوسور به کار می‌برد و ساختاری است که معانی را در شبکه‌ای از روابط تثبیت می‌کند، اما برخلاف دیدگاه سوسوری که در آن تمامی نشانه‌ها درون یک ساختار معنای روشن ثابتی دارند، در نظریه گفتمان لاکلا و موفه معنا تثبیت شده و دائمی نیست و معانی رقیبی وجود دارند که ممکن است بتوانند با هم مفصل‌بندی کنند و ساختار نویی از معانی را خلق کنند (یورگنسن و فیلیپس، ۲۰۰۲: ۲۶). این بخش اخیر از نظریه گفتمان لاکلا و موفه یادآور نظریهٔ دریدا است که از سیال بودن و لغزنده بودن معنای دال‌ها و نشانه‌ها حکایت می‌کند.

نظریهٔ گفتمان لاکلا و موفه جزئیات و ظرایفی بیش از این دارد، اما با توجه به موضوع بحث ما سایر اجزای نظریه گفتمان لاکلا و موفه در این بحث کاربردی ندارند و به همین مقدار بسنده می‌کنیم. اما نظریه‌های فوق چگونه می‌توانند به فهم جایگاه پرچم به‌عنوان یک نماد ملی کمک کنند؟ با یک نگاه نشانه‌شناختی و در چارچوب نظریهٔ دوسوسور و دریدا پرچم به‌عنوان یک نماد ملی در ارتباط با سایر نمادها و نشانه‌ها معنا می‌یابد. پرچم یک نماد با معانی تثبیت شده و دائمی نیست بلکه رنگ‌ها و علائم موجود در پرچم به مدلول‌هایی دلالت می‌کنند که به شکل‌های مختلف قابل تعریف است. برداشت‌های رایج از پرچم ایران و پیشینه آن و معانی فرهنگی و ملی و مذهبی علائم موجود در آن (رنگ‌ها، طرح‌ها، نوشته‌ها و ...) به‌خوبی مؤید کارآیی نظریه فوق در بررسی جایگاه پرچم در ایران است. چنان‌که قبلاً در

بخش پیشینه تحقیق آمد و در ادامه نیز در بخش تاریخچه پرچم در ایران به آن اشاره خواهد شد، دیدگاه‌های کم‌وبیش متفاوتی دربارهٔ ریشه‌های تاریخی- فرهنگی پرچم ایران وجود دارد و دلایل مختلفی برای انتخاب رنگ‌ها و طرح‌های پرچم ایران بیان شده و در واقع هر کس از ظن خود به تفسیر آن پرداخته است. محققان و نویسندگان مختلف مباحث متفاوتی در این زمینه طرح کرده‌اند. به‌ویژه اینکه نباید از یاد برد که تا زمان مشروطه که قانون پرچم به قانون اساسی مشروطه راه یافت، پرچم رسمی در ایران وجود نداشت و به جزء برخی دوره‌های کوتاه مدت، در هر زمان پرچم‌های متعددی رایج بود که با هم تفاوت‌هایی داشتند. به این ترتیب این مسئله راه را بر تفسیرها و برداشت‌های مختلف از پرچم می‌گشاید. بنابراین نظریه‌های دوسوسور و دریدا در حوزه نشانه‌شناسی در اینجا به کار می‌آید زیرا باید توجه کنیم که بر اساس نظر دوسوسور پرچم به عنوان یک دال اجتماعی و فرهنگی (در موضوع تحقیق ما) از معنای مستقل و ذاتی برخوردار نیست بلکه در ارتباط با دال‌های دیگر معنا می‌یابد و نیز بر پایهٔ نظریه دریدا معنای این دال هم تثبیت شده نیست و به پرچم و یا رنگ‌ها و طرح‌های موجود در آن می‌توان معانی متفاوتی را نسبت داد. حال این سوال پیش می‌آید که اگر امکان برداشت‌های مختلف و معناسازی‌های مختلف از پرچم و نشانه‌های موجود در آن وجود دارد، چگونه می‌توان جایگاه پرچم را به مثابه یک نماد ملی و مذهبی در جامعه بیش از پیش تقویت کرد؛ زیرا مطابق با قسمت اول مباحث نظری این تحقیق، کارکرد نمادهای ملی تقویت و نمایش همبستگی و وحدت ملی است و قرار است با دیدن نمادهای ملی حس تعلق به سرزمین واحد در افراد یک کشور و یک ملت برانگیخته شود، حال اگر برداشت‌های مختلف و معناسازی‌های مختلف از پرچم و سایر نمادهای ملی امکان‌پذیر باشد، آنگاه در تناقض با هدف اولیه خواهد بود. برای پاسخ به این مسئله می‌توان از نظریهٔ گفتمان لاکلا و موفه الهام گرفت. بر پایه روایتی از این نظریه اگر ما پرچم را به عنوان یک دال در کنار سایر دال‌ها در یک نظام معانی در نظر بگیریم آنگاه با ارائه یک تصویر مناسب از پرچم در کنار سایر دال‌های مربوط به هویت ملی و مذهبی ایرانیان، پرچم معنای تثبیت شده‌ای خواهد داشت و جایگاه اصلی خود را خواهد یافت. برای نیل به این هدف باید با توجه به زمینه اجتماعی- فرهنگی که در آن به سر می‌بریم و با در نظر گرفتن

آنچه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به عنوان میثاق ملی، درباره پرچم گفته شده است تعریفی فراگیر از پرچم به عنوان یک نماد ملی ارائه شود. در این جهت باید مردم در حد امکان با جایگاه تاریخی و فرهنگی پرچم در ایران و جنبه‌های ملی و مذهبی آن و معنای اجمالی رنگ‌ها و طرح‌های به کار رفته در پرچم آشنا شوند و مهم‌تر اینکه در نظام معنایی مردم ایران اسلامی پرچم به عنوان یک نماد ملی- مذهبی معنادار باشد. در واقع باید علاوه بر آنچه در کتب درسی و رسانه‌های عمومی درباره پرچم و پیشینه ملی- مذهبی آن و جنبه‌های ملی و دینی نهفته در رنگ‌ها و طرح‌های آن گفته می‌شود، در زندگی اجتماعی نیز مردم عملاً اهمیت پرچم را در ادارات دولتی و نیز مراسم رسمی ببینند و در نتیجه پرچم به عنوان یک نماد ملی برای آنان جنبه بدیهی و طبیعی بیابد و آنچنان در اذهان آنان جایگاه محکمی بیابد که با دیدن پرچم ایران به شکل ناخودآگاه حس تعلق به سرزمین و مردم و فرهنگ ایران در آنان پدیدار شود. بر اساس آنچه در نظریه گفتمان لاکلا و موفه بر آن تاکید می‌شود، برای اینکه فرایند تثبیت معنا به خوبی انجام شود باید معانی رقیب به حاشیه رانده شوند. در این جهت باید معنا سازی درباره پرچم به شکل جامع و فراگیر انجام شود، به این معنا که جنبه‌های تاریخی و ملی و مذهبی پرچم به شکل فراگیر مورد توجه قرار گیرد و از هیچکدام از این جنبه‌ها غفلت نشود تا امکان به حاشیه رانده شدن برخی معانی منتفی شود و به این ترتیب امکان اینکه دیگران با معنا سازی جدید حول معانی و جنبه‌های نادیده گرفته شده بتوانند روایت‌های تازه‌ای از پرچم ملی ارائه کنند بسیار کم شود. به این ترتیب این بسیار مهم است که جنبه‌های ملی و دینی پرچم کشور به شکل جامع مورد توجه قرار گیرد و سعی شود این مسئله به شکل جدی برای مردم تبیین شود.

## ۶-۲- جمع بندی مباحث نظری

در این بخش ابتدا به نظریه‌های دولت - ملت پرداختیم و دو نظریه مهم در باب دولت‌های ملی را بررسی کردیم. در همه این نظریات پرچم به عنوان یک نماد ملی از جایگاه، اهمیت و کارکرد قابل توجهی برخوردار است. در یک دسته از این نظریه‌ها از آنجا که مفهوم ملت و هویت ملی یک مفهوم ابداعی و

قراردادی است، بنابراین به شکل طبیعی این نتیجه حاصل می‌شود که نمادهای ملی مانند پرچم هم جنبه قراردادی دارند و شکل و رنگ و طرح آنها مهم نیست بلکه مهم این است که این نمادهای ملی و اشکال و رنگ‌ها و طرح‌های موجود در آنها به چه شکل برای مردم تعریف شوند. در این دیدگاه این نمادها و نشانه‌ها در جایگاه نماد ملی قرار می‌گیرند، چون به این شکل برای مردم تعریف می‌شوند و جا می‌افتند. اما جایگاه آنان در جامعه چندان به گذشته و تاریخ و فرهنگ مشترک ربطی ندارد، بلکه مانند خود هویت ملی قراردادی و جعلی است. این دیدگاه در عین حال نقش نمادهای ملی مانند پرچم را انکار نمی‌کند، بلکه اصالت تاریخی و فرهنگی برای آنها قائل نیست. در مقابل، در دیدگاه دیگر بر این نکته تاکید می‌شود که دست کم در کشورهایی مانند ایران به دلیل قدمت تاریخی و فرهنگی، هویت ملی و ملت برخاسته از آن ریشه‌های عمیقی در تاریخ مشترک و گذشته مشترک و فرهنگ مشترک و دین مشترک و غیره دارد و یک امر قراردادی نیست. در این دیدگاه نمادهای ملی مانند پرچم باید از این فرهنگ تغذیه کند و به شکل نمادین یادآور آن باشد تا بتواند در جامعه نقش خود را ایفا کند و جایگاه اصلی خود را بیابد.

بعد از اینکه جایگاه پرچم را به‌عنوان یک نماد ملی از جنبه تئوریک تعریف کردیم، به دومین بحث نظری مرتبط با پرچم پرداختیم. در این قسمت از نظریه‌های دوسور و دریدا بهره گرفتیم تا از یک سو یادآوری کنیم پرچم به‌عنوان یک دال فرهنگی و اجتماعی به تنهایی معنا پیدا نمی‌کند، بلکه در متن اجتماعی- فرهنگی بزرگ‌تر و در ارتباط با سایر دال‌ها و نمادها و مفاهیم معنا می‌یابد و البته معنای این دال‌ها هم قطعی و حتمی نیست. سپس با استفاده از نظریه گفتمان لاکلا و موفه، که دربردارنده هر دو نظریه فوق نیز هست، یادآور شدیم که برای اینکه معنای پرچم به‌عنوان یک نماد ملی نزد مردم تثبیت و تقویت شود باید آن‌را در متن اجتماعی- فرهنگی بزرگ‌تر و در ارتباط با سایر مفاهیم و نمادها و نشانه‌های هویت بخش در قالب یک گفتمان جامع و فراگیر عرضه کرد. در این جهت باید معانی و جنبه‌های ملی و مذهبی و تاریخی و فرهنگی پرچم به شکل جامع از طریق رسانه‌ها و نهادها و غیره برای مردم تبیین شود. مردم باید به این احساس دست یابند که پرچم به‌عنوان یک نماد ملی از یک سو نماد

یکپارچگی و اتحاد و همبستگی و تعلق آنان به سرزمین و سرنوشت آنان است و از سوی دیگر باید جنبه‌های نمادین ملی و مذهبی و فرهنگی پرچم و نشانه‌ها و رنگ‌های موجود در آن به جامعه منتقل شود تا آنان احساس نزدیکی و تعلق بیشتری نسبت به پرچم کشور در خود احساس کنند. در عین حال باید معانی ملی و مذهبی پرچم به شکل جامع در نظر گرفته شود تا معانی به حاشیه رفته آن کاهش یابد.

## ۲-۷- تاریخ پرچم

همه‌روزه در برابر چشمان ما به طرق گوناگون مثلاً در میادین ورزشی، دیدارهای سیاسی، مسافرت‌ها و ... پرچم کشورهای مختلف به چشم می‌آید. پرچم و نشان هر کشور نیز همانند نام آن در شناخت آن کشور مفید و مؤثر است.

پرچم هر کشور چکیده و خلاصه‌ای از طرز تفکر و تلقی یک ملت درباره خود محسوب می‌شود. این نماد ملی در هر کشور از انگیزه‌ها و آرمان‌های یک ملت حکایت می‌کند و تا حدی بیانگر شرایط جغرافیایی، ماهیت فرهنگی و وقایع سرنوشت‌ساز در تاریخ یک ملت است. برای نمونه رنگ سبز را در بیشتر کشورهای اسلامی مانند ایران، اردن، افغانستان، پاکستان، عربستان سعودی می‌توان مشاهده کرد. همچنین رنگ آبی، سالیانی است که نشان کلیسای کاتولیک می‌باشد و نیز نقش‌های مختلف بر روی پرچم را می‌توان بازتاب روحیات و خلیات یک اجتماع دانست.

نظر به اهمیت پرچم، همگان پرچم را عزیز و محترم می‌شمارند و بدان به دیده حرمت و دل‌بستگی می‌نگرند. آنچنان که هر کشوری برای به کار بردن و برافراشتن پرچم مراسمی خاص همراه با تشریفات و ترتیبات معین را در نظر می‌گیرد و به تناسب مکان و زمان و موضوع مورد نظر خویش از پرچم به‌نحو شایسته و بایسته استفاده می‌نماید.

در یک دایره‌المعارف مشهور فارسی در تعریف پرچم آمده است: «پرچم یا بیرق یا درفش تکه‌ای پارچه معمولاً دارای نقوش برای تمییز که به‌عنوان نماد یک ملت یا مملکت یا برای علامت دادن یا تزیین

به کار می‌رود و معمولاً به کناره نیزه یا به ریسمانی متصل است به طوری که عنداللزوم بتوان آن را برافراشت، شکل و اندازه آن متفاوت ولی اغلب به شکل مستطیل یا مربع است» (مصاحب، ج ۱: ۵۳۰).

آدمی از روزگاران بسیار دور و پیش از تاریخ از پیکر و یا چهره جانوران نشانه‌هایی برای خود برمی‌گزیده است. الفباهای نخستین و گوناگون ریشه‌ای از پیکره و اندام گیاهان و جانوران دارد. در اندیشه آن دوره مردمان خویشتن را بازمانده آن توت‌ها می‌پنداشتند و خویشتن را به نام آن می‌خواندند. این نشانه‌ها به تدریج بر روی بیرق‌ها و پرچم‌ها آمده و به گونه‌ای دیگر تصویرگر زندگی اجتماعی آنان بوده است (بختورتاش، ۱۳۸۷: ۱۲).

به کارگیری پرچم - که تکه پارچه‌ای همراه با نقوش تزینی بوده - در میان ملل، ریشه‌ای قدیمی دارد و تاریخ و استفاده و ابداع آن به حدود پنج هزار سال قبل باز می‌گردد. استفاده از پرچم به عنوان نماد در مصر قدیم و آشور و نزد یهودیان معمول بوده و در کتاب مقدس مکرر بدان اشاره شده است (خیراندیش و شایان، ۱۳۷۰: ۲۵۷).

پرچم، درفش و بیرق در روزگار پیشین در میان تیره‌ها و ملت‌های گوناگون رواج داشته و در جنگ‌ها برای برقراری نظم، ایجاد شور و هیجان و پایداری از آن بهره می‌گرفته‌اند. در پهنه کارزار، بیرق به دست بیرقداری ورزیده و نیرومند، همیشه افراشته نگه‌داری می‌شد و مردانی چست و چالاک از آن پاسداری می‌کردند. افراستگی و به حرکت در آمدن بیرق، انگیزه توانمندی و افزایش نیروی روانی رزمندگان و نیز برقراری نظم و سامان و رهبری و فرماندهی شایسته بوده است و واژگونی آن، ناتوانی روانی و فیزیکی جنگندگان و شکست و گریز در پی داشته است، زیرا جنگجویان می‌پنداشتند که فرمانده کشته شده و رشته نظم از هم گسیخته است، در نتیجه پراکندگی پدید می‌آمد (بختورتاش، ۱۳۸۷: ۱۳).

تصویر بیرق یا پرچم بر اشیاء مختلف مخصوصاً در مینیاتورها دیده می‌شود. یونانیان در اوایل قطعه‌ای زره را که بر نیزه‌ای نصب شده بود، به عنوان بیرق به کار می‌بردند. بعدها دولت شهرهای یونانی، هر یک بیرق مخصوص به خود را داشتند. در نزد رومیان نیز استعمال بیرق یا پرچم معمول بود و پس از اینکه قسطنطین به مسیحیت گروید، بیرقی را که عبارت بود از پارچه‌ای ابریشمین به رنگ ارغوانی و نام

عیسی به حروف یونانی بر آن نقش شده بود، معمول ساخت. بیرق‌های اولیه در اروپا جنبه دینی داشته و قدیمی‌ترین آنها پرچم کشور دانمارک است که صلیبی سفید بر آن منقوش می‌باشد (خیراندیش و شایان، ۱۳۷۰: ۲۵۸).

### پرچم در ایران باستان

سابقه دیرینه استفاده از پرچم در ایران زمین را می‌توان در کتاب‌های دینی کهنی همچون مزدیسنا «بهدینی- زرتشتی» جستجو کرد. آیین مزدیسنا اگر چه آیینی است صلح دوست، اما برای نگهبانی کشور و استوار داشتن میهن بر سپاه، درفش و ... تاکید می‌ورزد (هدایت، ۱۳۴۲: ۴۸). در برخی منابع، سابقه پرچم به به امپراتوری هخامنشی نسبت داده می‌شود. نیز باید این نکته را ذکر کرد که در کاوش‌های باستان‌شناسی در شهداد کرمان درفش فلزی با سه هزار سال سابقه به دست آمده است (دایره‌المعارف تشیع، جلد سوم: ۶۱۲).

شاهنامه که تدوین یافته فرهنگ مکتوب و شفاهی دوران باستان است، گزارش‌ها و ستایش‌هایی درباره درفش‌ها و پرچم‌های گوناگون زرد، سرخ و بنفش دارد که بر روی آن پیکرهای ماه، شیر، پلنگ و ... منقش شده است. هر یک از فرماندهان برجسته جنگی و یگان‌های بزرگ درفشی داشته‌اند که نمایانگر آنها و یگان زیرفرمانشان بوده است. در آن روزگار رسم بر این بوده است که درفش فرماندهان را در آیین‌های نظامی و جنگی، چه در وضع پیاده و چه سوار بر اسب، پرچمداری ورزیده و نیرومند از پس او می‌برد و هرگاه فرمانده بر سرآورده خود برای خوردن و خفتن و آرمیدن می‌رفت، درفش را در کنار در سرآورده او می‌افراشتند. به همین ترتیب اگر فرمانده در دژی مستقر بود، درفش بر فراز بلندترین بخش دژ افراشته می‌شد و گویای آن بود که فرمانده خود در دژ یا در سرآورده یا پهنه نبرد است. مورخین و سرداران یونان باستان همچون هرودوت، گتزیاس و گزنفون که به ایران آمده بودند از بیرق‌هایی در دست سپاهیان هخامنشی یاد کرده‌اند. درفش‌های دوران اشکانی نیز در جشن ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی در سال ۱۳۵۱ بازسازی شد (همان: ۱۱۹). در ارتش ساسانی نیز مانند ارتش‌های پیشین و ارتش کشورهای همسایه، درفش یکی از ویژگی‌ها بوده و هر درفش با رنگ و پیکره‌ای در رده‌های گوناگون

ارتش به کار می‌رفته است. امیانوس مارسیلنوس تاریخ‌نگار رومی روایت می‌کند که هنگامی که ایرانیان می‌خواستند به دشمن حمله کنند، بیرقی آتشین بر می‌افراشتند. کریستن سن پژوهشگر دانمارکی در کتاب ایران در زمان ساسانیان دربارهٔ بیرق‌ها و یگان‌های ارتش می‌نویسد: «واحد‌های بزرگ ارتش دورهٔ ساسانی را «گنده» می‌گفتند. تقسیمات کوچک‌تر از آن‌را «درفش» و از آن کوچک‌تر را «وشت» می‌نامیدند. هر درفشی بیرق مخصوص به خود داشت» (کریستن سن، ۱۳۳۱: ۳۰۰).

درفش کاویانی<sup>۱</sup> که درفش رسمی ایرانیان در زمان ساسانیان است، بازتاب فراوانی در متون ادبی و تاریخی دارد و فراوان از آن سخن به میان آمده است. در داستان عاشقانهٔ ویس و رامین هم که در آن آثار و نشانه‌های فرهنگ ایرانی - اسلامی آشکاراست، می‌توان نشانه‌هایی از درفش‌های آن دوران را یافت (بختورتاش، ۱۳۸۷: ۲۷-۷۴).

### پرچم و پرچمداری در تاریخ اسلام

نزد اعراب، داشتن پرچم از یک سو نشانه عزت و شوکت و از سوی دیگر راهنمایی برای جنگجویان جهت شناسایی هم‌زمان و نیروهای خودی و در نهایت رمزی برای حفظ انسجام و وحدت لشکر بود. اعراب چه در عصر جاهلیت و چه در عصر اسلامی، پرچم را رمز و سمبلی برای عزت و شکوه قبیله و قوم خویش می‌دانستند و نسبت به آن اهمیتی خاص قائل بودند. در عصر جاهلیت بر پرچم‌ها، علایم و سمبل‌هایی چون مار، روباه و گرگ ترسیم می‌کردند تا نشانی برای قبیلهٔ آنان باشد (ابن منظور، بی تا: ماده لواء).

عرب‌های پیش از اسلام پرچم‌هایی داشتند و هر قبیله‌ای پرچمی مخصوص به خود داشت. در مکه هم پرچمی به نام عقاب بود که به هنگام جنگ به کار برده می‌شد و این پرچم در اختیار یک خانواده قرار

---

۱ - درفش کاویانی یا اختر کاویان، بیرقی است که کاوه از چرم پاره ساخت و علم فریدون گردید چون کاوه بر ضد ضحاک قیام کرد همان چرم را که آهنگران در هنگام کار پوشیدند بر سر نیزه کرد و به راه افتاد و مردم را به یاری فریدون خواند. آن چرم پاره که به درفش کاویان معروف شد نشانه ی فتح و پیروزی گردید و شاهان ایران آن را به دیبای رومی و زر و گوهر بیاراستند و همواره در جنگ‌ها همراه خویش می‌بردند و هر پادشاهی که در ایران بر تخت می‌نشست گوهری نو بر آن می‌آویخت تا آنجا که به روایت شاهنامه در شب تیره مانند خورشید می‌درخشید. درفش کاویان در جنگ قادسیه بدست اعراب افتاد (مصاحب، ج ۱: ۹۶۹).



می‌گرفت. زمان جنگ رئیس این خانواده باید پرچم را بیرون می‌آورد و به پرچمدار می‌داد (جرجی زیدان، ۱۹۲۲: ۱۳۹). در سیره نبویه ابن کثیر هم چنین می‌خوانیم: «وقتی که قُصی بن کلاب جد پیامبر(ص) بر مکه استیلاء یافت، تمام وظایف و امتیازات قریش از جمله «رفاده و سقاییت و حجابت و پرچمداری و اختیار دارالندوه» به او رسید و او چند پسر به نام‌های عبد مناف و عبد شمس و عبد قُصی و عبدالدار داشت و سه فرزند عبد مناف و عبد شمس و عبد قُصی در زمان حیات پدر به مقام‌هایی رسیده بودند و برای خود شرافت و بزرگی کسب کرده بودند. قصی خواست فرزند دیگرش عبدالدار را که عقب مانده بود به پای آنها برساند، گفت فرزندم تو را به آنها می‌رسانم. از این به بعد هیچ یک از آنها وارد کعبه نمی‌شود، مگر اینکه تو در آن را به روی آنها باز کنی و پرچمی نخواهد بود مگر اینکه تو آن را ببندی ... از این رو ریاست قریش را به عبدالدار سپرد و همین‌طور بود و برادرانش هیچ اعتراضی نمی‌کردند تا همه برادران از دنیا رفتند و فرزندان آنها نزاع کردند. و فرزندان دیگر برادران گفتند: قصی این وظایف را به عبدالدار داده تا به پایه پدران ما برسد و ما به آن سزاوارتر بودیم، چون پدران ما به آن سزاوار بودند اکنون که شما هم‌پایه ما هستید پس آن وظایف را به ما بسپارید. فرزندان عبدالدار گفتند: قصی آنها را به ما سپرده و ما به آنها سزاوارتر هستیم. اختلاف بالا گرفت و آماده جنگ شدند. ولی ریش سفیدان واسطه شدند نگذاشتند جنگ درگیرد و صلح کردند بر این که سقاییت و رفادت به فرزندان عبدمناف سپرده شود و حجاب و پرچم و اختیار دارالندوه هم برای فرزندان عبدالدار باشد. بدین ترتیب پرچمداری در فرزندان عبدالدار باقی ماند. از این رو همواره پرچم قریش در دست بنی عبدالدار بود و آنها آن را حمل می‌کردند» (ابن کثیر، ۱۴۱۷، ج ۱: ۱۰۰). چنانچه ابوسفیان در جنگ احد آنها را مورد خطاب قرار داد و گفت: شما در روز بدر پرچم را نتوانستید نگهدارید و ما شکست خوردیم و اکنون اگر نمی‌توانید به ما بسپارید (ابن هاشم، بی تا، ج ۳: ۶۷). نقل قول‌های طولانی فوق را از آن رو نقل کردیم که اهمیت و ارزش پرچم در میان اعراب را نشان دهیم.

عادت عرب بر این بود که پرچم را بر سرنیزه می‌بستند و این شاید به خاطر آن بود که در موقع لزوم بتوان از آن برای دفاع و جنگ استفاده کرد. در جنگ حنین مردی از هوازن بر شتر سرخ موئی سوار بود

و در دست نیزه‌ای داشت که بر سر آن پرچمی بسته بود که به هر کس می‌زد می‌کشت و جلو می‌آمد و عده‌ای از مسلمانان به دست او کشته شدند. تا اینکه علی (ع) به سوی او شتافت و وی را از پای در آورد (همان: ۹۰۲). رسول خدا (ص) هم غالباً پرچم را بر سر نیزه می‌بست، عرب‌ها در یک جنگ ممکن بود چند پرچم داشته باشند. این به تعداد قبیله‌هایی که در جنگ شرکت می‌کردند بستگی داشت و هر قبیله‌ای پرچم خود را حمل می‌کرد. همان‌طور که در جنگ احد مشرکان سه پرچم داشتند؛ پرچم بنی کنانه را سفیان بن عوف حمل می‌کرد و پرچم احابیش را یک نفر از آنها و پرچم قریش را طلحه بن ابی طلحه می‌برد (ابن هاشم، ج ۳: ۲۰۳).

نقش پرچم در جنگ، برای آنان نقش کلیدی و حیاتی بود و برای حفظ آن و نیز در اهتزاز نگاه داشتن آن، تا پای جان می‌کوشیدند؛ زیرا پرچم باعث تقویت روحیه جنگجویان بود و تا زمانی که افراشته باقی می‌ماند، نیروها می‌جنگیدند (ابن هشام، بی‌تا، ج ۳: ۳۴۲؛ ابن حنبل، ۱۹۴۹، ج ۱: ۳۱). اما به محض سقوط آن، نیروها دچار شکست می‌شدند و به عبارتی شکست آنان اعلام می‌شد (واقعی، ۱۹۸۴، ج ۱: ۲۳۹؛ ابن هشام، بی‌تا، ج ۳: ۱۹؛ طبری، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۲۳۷) و از میدان جنگ باز می‌گشتند. از این رو یک فرمانده هنگامی که لشکر می‌آراست و پرچم به دست پرچمدار می‌داد، او را به حفظ آن تا پای جان سفارش می‌کرد (واقعی، ۱۹۸۴، ج ۱: ۲۲۵؛ طبری، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۲۳۷). ابوسفیان قبل از شروع جنگ احد، طلحه بن ابی طلحه را فراخواند و پس از سپردن پرچم به دست وی، جهت حفظ آن سفارش فراوانی کرد و عظمت و پیروزی سپاه را مرهون حفظ پرچم دانست. او دستور اکید داد به محض کشته شدن پرچمدار سپاه، دیگری پرچم را به دست گیرد (ابن هشام، بی‌تا، ج ۳: ۷۰-۶۸). بنابراین بعد از کشته شدن وی، برادرش عثمان آن را به دست گرفت (واقعی، ۱۹۸۴، ج ۱: ۲۲۶). در این جنگ رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز منتظر از بین بردن پرچم‌دار قریش بود. هرگاه یکی از پرچم‌داران به دست سپاه پیامبر صلی الله علیه و آله کشته می‌شد، بلافاصله دیگری پرچم را به دست می‌گرفت. بدین ترتیب یازده نفر یکی پس از دیگری پرچم را به دست گرفته و کشته شدند در این جنگ مشرکان سه پرچم یا لوا داشتند که در دارالندوه بسته شده بود (واقعی، ۱۹۸۴، ج ۱: ۲۲۶). در این جنگ پس از آنکه تیراندازان، جبل‌العینین را

رها کردند و خالد مسلمانان را از پشت غافلگیر ساخت، ابتدا پرچم‌دار سپاه اسلام، مصعب بن عمیر کشته شد. کشته شدن او و تهاجم دشمن از پشت، به کلی روحیه مسلمانان را دچار آسیب ساخت و نهایتاً به شکست آنان منجر گردید.

با توجه به اهمیت پرچم، همواره پرچم‌داران از بین شجاع‌ترین و قوی‌ترین مردان سپاه یا قبیله انتخاب می‌شدند و معمولاً انتخاب آنان از سوی فرماندهی کل صورت می‌گرفت.

در سیره ابن هشام از ابن اسحاق نقل می‌شود: «آنچه که به ما رسیده این است که اولین پرچم را پیامبر اکرم برای عبیده بن حارث پسر عموی خود بست و او را به سوی دشمن روانه کرد و این را صحیح می‌داند. در مقابل عده‌ای گفتند که اولین پرچم را پیامبر (ص) برای عمویش حمزه بست. ابن هشام این را قبول نمی‌کند و می‌گوید: ممکن است اعزام حضرت حمزه و عبیده در یک زمان بوده و برای مردم مشتبه شده است و اشعاری منسوب به حضرت حمزه است که ابن هشام می‌گوید این اشعار دلالت می‌کند که اولین پرچم مال اوست ولی اهل فن شعر انتساب این اشعار را به حمزه نمی‌پذیرند» (ابن هشام، بی‌تا، ج ۲: ۵۹۵).

دو گونه پرچم در سپاه اسلام مورد استفاده قرار می‌گرفت که یکی را لَوا و دیگری را رایت می‌نامیدند.

## - لَوا

در جنگ‌های عصر اسلامی، پرچمی برای کل سپاه به اهتزاز در می‌آمد که در متون از آن به‌عنوان لَوا یاد شده است. لَوا در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله و اعصار بعدی به تنها علم یا پرچم بزرگ رسمی که متعلق به شخص فرماندهی کل و یا تمامی سپاه بود گفته می‌شد (طریحی، ۱۳۷۰، ج ۱: ۱۹۹). این پرچم نشان اتحاد و یکپارچگی لشکر و انسجام نیروهای تحت فرمان فرماندهی کل بود که آن را پرچم‌دار کنار فرمانده کل به اهتزاز در می‌آورد و یا آن را در میدان جنگ معمولاً در قلب آرایش و سازماندهی سپاه بر سرنیزه کرده و شجاع‌ترین جنگجوی کل لشکر آن را حمل می‌کرد (واقعی، ۱۹۸۴، ج ۱: ۱۲؛ ابن هشام، بی‌تا، ج ۲: ۲۵۱ و ج ۳: ۳۴۲؛ ابن سیدالناس، بی‌تا، ج ۱: ۲۴۶). حاملان لَوا از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله یا خلیفه انتخاب می‌شدند (واقعی، ۱۹۸۴، ج ۱: ۳۸۸ و ج ۴: ۷؛ ابن سعد،

۱۹۵۷، ج ۲: ۴۸-۴۵). آنان در هر غزوه و جنگی تعویض می شدند (واقعی، ۱۹۸۴، ج ۱: ۲۲۱ و ج ۲: ۸۲۲؛ ابن کثیر، ۱۹۶۶، ج ۳: ۲۴۵). امیر مومنان علی (ع) در نهج البلاغه درباره پرچم می فرماید: «و پرچم خود را از جای حرکت نداده و دورش را خالی نکنید که موجب شکست لشکر خواهد شد، چون همه متوجه پرچم می باشند و آن را به دست هر کس ندهید مگر به دلاوران و کسانی که شما را از هر پیشامد بدی مانع می شوند و از آنچه که حفظ و نگهداری آن لازم است دفاع می نمایند (و البته چنین کسانی پرچم را از دست نمی دهند مگر این که ظفر یافته یا کشته شوند) زیرا کسانی که بر بلاها و سختی ها شکبیا هستند آنانند که به اطراف پرچم دور زده آن را از راست و چپ و عقب و جلو نگهداری می نمایند، و از آن عقب نمی افتند که (به دشمن تسلیم کنند) و بر آن پیشی نمی گیرند که آن را تنها گذارند» (امام علی، ۱۳۵۶: ۳۸۲).

علاوه بر لوا، در متون تاریخی به عنوان دیگری هم بر می خوریم که آن رایت است. اگر چه رایت نیز به معنای پرچم است اما نباید این دو را با یکدیگر اشتباه کرد یا به یک معنی دانست. در ادامه درباره رایت بحث خواهیم کرد، اما فعلاً به این نکته اشاره کنیم که لوا پرچم متعلق به کل سپاه بود و در هر جنگ تنها از یک لوا استفاده می شد، اما رایت متعلق به قبایل جزء یا فرماندهان رده ها و یگان ها بود و تعداد فراوانی از آن در سپاه حمل می شد و نیز از لحاظ رنگ و اندازه تفاوت داشت. لوا در اسلام از رایت قدیمی تر بود و تا قبل از فتح خیبر در لشکر اسلامی معمولاً لوا به اهتزاز در می آمد (ابن سعد، ۱۹۵۷، ج ۲: ۷۷) و پرچم دار، آن را به گونه ای حمل می کرد که باد در آن اثر نگذارد. او آن را بر شانه سمت چپ حمل می کرد و گاهی شمشیر یا سپر نیز در دست راست او قرار می گرفت (مسعودی، ۱۹۸۲، ج ۲: ۳۵۹؛ ابن کثیر، ۱۹۶۶، ج ۴: ۲۵).

#### ۱- جنس و رنگ لوا

لوا اغلب از پارچه ای سفید درست می شد. معمولاً لواهایی که پیامبر صلی الله علیه و آله برای فرماندهان سریه ها می بست، سفید بود؛ مانند نخستین لوایی که در سریه ها برای حمزه بن عبدالمطلب بست (ابن جوزی، المنتظم، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۲۸۷) و نیز در سریه عبیده بن حارث، که لوای سفید آن را مقداد بن

عمرو حمل می‌کرد (همان: ۲۸۸) و در سریهٔ سعد بن ابی وقاص به سوی خرار، رنگ همهٔ آنها سفید بود (همان؛ ابن سعد، ۱۹۵۷، ج ۱: ۲۳۳). در جنگ بدر رسول خدا صلی الله علیه و آله لوایی سفید و دو رایت سیاه برافراشت؛ لوا را به دست مصعب بن عمیر سپرد و رایت عقاب را به دست علی بن ابی طالب، از مهاجران داد و رایت دیگر را برای سعد بن معاذ از انصار بست (ابن هشام، بی تا، ج ۲: ۲۵۱). در جنگ احد نیز لوا را به دست مصعب ابن عمیر سپرد و وقتی او شهید شد آن را به علی بن ابی طالب علیه السلام واگذار کرد (همان). در فتح مکه و غزوهٔ موه نیز لوا به رنگ سفید بود (ابن سعد، ۱۹۵۷، ج ۲: ۲۹۶؛ طبری، ۱۴۰۹، ج ۲: ۲۶۱-۲۵۹). در عصر خلفای راشدین و از جمله در فتوحات، لوا به همین رنگ بود. لوای سفیدی در جنگ صفین بردوش محمد بن حنفیه حمل می‌شد و حتی در سپاه معاویه نیز پرچم سفیدی در دستان عمرو بن عاص قرار داشت (واقعی، ۱۹۸۴، ج ۱: ۳۱۲). در دوران بنی‌امیه نیز لوا معمولاً سفید بود، اما وقتی عباسیان به خلافت رسیدند آن را به رنگ سیاه تبدیل کردند. اولین لوای آنان توسط ابراهیم امام، برای ابو مسلم خراسانی بسته شد، که الظل نام داشت (جرجی زیدان، ۱۹۲۲: ۱۸۱). طول این لوا چهارده ذراع بود که بر سر نیزه‌ای به طول ۱۳ ذراع بسته شد. شکل ظاهری لوا نیز معمولاً به صورت مربع بود (ابن حنبل، ۱۹۴۹، ج ۴: ۲۹۷؛ ترمذی، ۱۹۷۸: باب الجهاد).

## ۲- لوا برای قبایل بزرگ

در عصر جاهلیت معمولاً هر یک از قبایل در جنگ، لوایی خاص خود داشتند تا هم از سایر قبایل ممتاز و جدا شوند و هم نیروهای آنان بتوانند در زیر آن انسجام یابند و یا برای حفظ آن و کیان قبیله بجنگند (قلقشندی، صبح الاعشی، ۱۳۸۴: ۱۳۶). معمولاً این لوا در دار الندوه بسته می‌شد. از آن جمله می‌توان به لوای سفیان بن عوف برای بنی کنانه و لوای مدجج برای معاویه و یا لوای قضاعه برای کعب اشاره کرد (طبری، ۱۴۰۹: ۱۳۲۷).

پیامبر صلی الله علیه و آله برای برخی از قبایل بزرگ نیز لوا می‌بستند که به معنای فرماندهی و یا ریاست قبیله و یا نشانهٔ آن قبیله بود. از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: پرچم بنی عبد الدار در جنگ احد که در دست مصعب بن عمیر قرار گرفت (ابن ابی الحدید، ۱۹۵۹: ۱۶۶۰)، پرچم مالک بن

نجار در تبوک (واقعی، ۱۹۸۴، ج ۱: ۴۰۰) و نیز قبیله اوس، که لوای آن معمولاً به دست اسید بن حضیر و لوای خزرج که به دست حباب بن منذر و یا سعد بن عباده سپرده می شد (همان، ج ۱: ۸۳-۸۲). حتی آن حضرت برای هر یک از قبایل اوس و خزرج هم لوا قرار می داد (همان: ۳۶۲). پیامبر در جنگ فتح، چهار لوا برای چهار قبیله بزرگ اوس و خزرج و نیز مهاجران و بنی سلیم بست (ابن سعد، ۱۹۵۷: ۸۲۷). برای مهاجران هم به عنوان یک قبیله، لوا بسته می شد که معمولاً در دست امام علی علیه السلام بود.

امام علی علیه السلام نیز در دوران خلافت خود، برای قبایل بزرگ از جمله بنی همدان، لوا بست و آن قبیله را برای برخورد با شورش مردم حمص، به آن منطقه فرستاد (ابن ابی الحدید، ۱۹۵۹: ۸۲۲). در این خصوص همچنین می توان به لوای قبیله بجیله، در دست جریر بن عبدالله بجلی، لوای کنده به دست اشعث بن قیس (دینوری، ۱۹۶۰: ۴۷) و لوای قبیله طی در دست حابس بن سعد طایبی در جنگ صفین اشاره کرد (همان: ۱۷۱). گاهی نیز به جای لوا از حیوان استفاده می شد، از جمله در جنگ جمل، که لوا یا پرچم سپاه بصری ها، شتر عایشه بود (ابن ابی الحدید، ۱۹۵۹: ۱۱۴).

### ۳- لوا به منزله حکم امارت یا فرماندهی سپاه

گاهی لوا نشانه حکم امارت یا فرماندهی سپاه و یا انجام مأموریت بود که فرمانده کل آن را به این منظور در اختیار فردی قرار می داد و اختیارات خود را به او تفویض می کرد (ابن سعد، همان، ج ۲: ۹۶؛ یعقوبی، بی تا، ج ۲: ۱۳۳؛ ابن اعثم کوفی، ۱۹۸۶، ج ۱: ۸۹). گاهی برای سریه های تبلیغی نیز که در آن جنگی رخ نمی داد لوا بسته می شد، مانند لوایی که پیامبر صلی الله علیه و آله برای مُعَاذ بن جمل بست و او را با گروهی به سوی یمن فرستاد. گاهی به تعداد فرماندهان لشکرها لوا افزایش می یافت. در آغاز جنگ های رده، ابوبکر برای یازده لشکر خویش یازده لوا بست (طبری، ۱۴۰۹: ۳۸۷؛ ابن کثیر، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۳۱۵). یکی از اینها به خالد بن ولید تعلق گرفت و چون خالد در کشتار قبایل بنی یربوع افراط کرد و آنان را به ناحق کشت، ابوقتاده باهلی ضمن گزارش عملکرد او، سوگند خورد هرگز تحت لوای خالد در هیچ جنگی حاضر نشود (ابن ابی الحدید، ۱۹۵۹: ۱۸۶۵). ابوبکر همچنین وقتی برای ابو عبیده بن جراح لوا بست، خالد بن سعید را تحت لوای او یعنی به عنوان معاونت وی اعزام داشت (ابن منظور، ۱۹۸۴: ۱۰۱۴).

خلیفه عمر بن خطاب نیز در فتوحات خود، همین شیوه را اتخاذ کرد و برای فرمانده هر لشکری که به سوی سرزمین‌های مختلف می‌فرستاد، یک لوا قرار می‌داد (ابن اثیر، ۱۹۷۹: ۴۰۹). او در ادامه فتح ایران، برای چند نفر از کوفیان لواهایی فرستاد که از آن جمله می‌توان به لواهایی که برای نعیم بن مقرن جهت سرکوبی شورش مردم همدان، برای عقبه بن فرقد و بکیر بن عبدالله برای فتح آذربایجان و نیز برای عبدالله بن عبیدالله جهت فتح اصفهان فرستاد اشاره کرد (همان). لواهایی نیز برای محمد بن ابی‌عون، جهت بصره، یمامه و بحرین بسته شد (طبری، ۱۴۰۹، ج ۵: ۸۸۱).

در دوران خلافت امام علی علیه السلام نیز از لوا برای انتصاب امارت و حکومت یا اعلام فرماندهی استفاده می‌شد؛ از جمله هنگامی که آن حضرت برای نبرد صفین حرکت می‌کرد سه تن از صحابه از جمله عبدالله بن مسعود، ربیع بن خثیم و عبیده السمعانی از حضور در جنگ عذر خواسته و به تشکیک افتادند. آنان از علی علیه السلام خواستند تا ایشان را به سوی مرزها فرستد و بر امور آنجا ولایت دهد. علی علیه السلام نیز آنان را ولایت ثغور قزوین و ری داد و ربیع بن خثیم را بر آنان ولایت داده و برای او لوا بست. این نخستین لوایی است که در کوفه بسته شد (دینوری، ۱۹۶۰: ۱۶۵). در اعصار بعدی نیز گاهی لوا به همین معنا به کار می‌رفت، چنانکه در عصر عباسی برای امارت بغداد و ولایت مشرق و خراسان، دو لوا و نیز برای امیر الامرا لوایی قرار داده شد (همان: ۱۶۵۷).

#### ۴- لوا برای امان دادن به دشمن

از دیگر کارکردهای لوا، در امان قرار دادن دشمنان بود. به این گونه که در برخی از جنگ‌ها لوایی بر روی زمین نصب می‌شد تا کسانی که می‌خواهند تسلیم شوند در کنار آن مأوا و پناه گیرند. در این خصوص می‌توان به لوایی اشاره نمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز فتح مکه در داخل شهر نصب کرد و اعلام فرمود که هر کس در کنار این پرچم جای گیرد جان او در امان است (ابن اثیر، ۱۹۷۹: ۱۰۳۵) و نیز لوایی که امام علی علیه السلام قبل از جنگ نهروان و پس از اتمام حجت در برابر خوارج، برافراشت و اعلان کرد هر کس در کنار آن جای گیرد جان او در امان است.

## ۵- لوا برای بسیج نیرو

از دیگر کارکردهای لوا، بسیج نیرو در زیر آن بوده است. معمولاً کسانی که برای بسیج نیرو به شهرها و میان قبایل می‌رفتند، لوابی برمی‌افراشتند و مردم را به گرد آمدن در زیر آن فرا می‌خواندند (ابن اثیر، ۱۹۷۹، ج ۲: ۶۹۶).

لوا در دوران پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله از جمله نبردهای رده، پرچم کل سپاه بود و آن را فرماندهان بزرگ همراه خود داشتند.

## ب- رایت

رایت به پرچم‌هایی گفته می‌شد که هر قبیله کوچکی آنها را به عنوان نشانه و علامت قبیله خود حمل می‌کرد و یا هر یگان و ستونی برای خود به اشکال و رنگ‌های مختلف همراه داشت، تا آن‌را از سایر قبایل و ستون‌ها ممتاز سازد. رایت در میان ایرانیان معادل با درفش و در حقیقت همان لباس کاوه آهنگر بود (مسعودی، ۱۹۸۲، ج ۱: ۲۱۸).

در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و پس از آن، معمولاً در هر جنگ یک لوا یا پرچم کل و ده‌ها رایت یا پرچم‌های کوچک برای قبیله‌ها و یگان‌ها و فرماندهان جزء اختصاص می‌یافت که آن‌را معمولاً شجاع‌ترین و قوی‌ترین جنگجو از میان آن یگان و قبیله حمل می‌کرد (طبری، ۱۴۰۹، ج ۳: ۳۸۷؛ ابن کثیر، ۱۴۱۷، ج ۶: ۳۱۵). رایت معمولاً از لوا کوچک‌تر بود و استفاده از آن در اسلام متأخرتر است.

رایت از زمان جنگ خیبر در سپاه اسلام برافراشته شد (ابن سعد، ۱۹۵۷، ج ۲: ۷۷). این پرچم را فرمانده سپاه شخصاً برای قبیله یا یگان و نیز برای فرماندهان می‌بست. نخستین رایت برای عبیده بن حارث در سریه‌ای بسته شد (ابن هشام، بی‌تا، ج ۲: ۵۹۵).

پیامبر در جنگ موته، سه فرمانده برای جنگ تعیین کرد و برای هر فرمانده رایتی برافراشت. پس از شهید شدن زید بن حارثه، جعفر بن ابی طالب رایت را به دست گرفت و پس از شهادت او نیز عبدالله بن



رواحه رایت را برافراشت و به هدایت لشکر پرداخت تا او هم شهید شد و خالد بن ولید رایت را به دست گرفت و جنگ را با عقب‌نشینی نیروها به پایان رساند (ابن سعد، ۱۹۵۷، ج ۱: ۶۶۱).

در جنگ‌های عصر فتوح نیز علاوه بر لوا که در کنار فرمانده کل به اهتزاز در می‌آمد، هر یک از فرماندهان جزء تحت فرمان فرمانده کل و هر یک از قبایل نیز برای خود رایت‌هایی حمل می‌کردند (طبری، ۱۴۰۹: ۸۸۸، ۱۰۵۴، ۱۰۵۷، ۱۰۸۹ و ۱۳۶۰).

در جنگ جمل، غیر از لوایی که به دست ابن حنفیه از سپاه امام علی علیه السلام قرار داشت که به گفته مسعودی همان رایت عقاب، متعلق به پیامبر صلی الله علیه و آله و به رنگ سیاه بود (همان: ۱۸۲ و ۱۴۷) و لوایی که در دست عبدالله بن زبیر از سپاه جمل قرار داشت، رایت‌های زیادی نیز توسط قبایل برافراشته شده بود (دینوری، ۱۹۶۰: ۱۴۸). در جنگ صفین نیز رایت در دست هاشم بن عتبّه بن مرقال بود. در متون تاریخی به صراحت اشاره شده است که در این جنگ لوا و رایت هر دو مورد استفاده بوده است (دینوری، ۱۹۶۰: ۱۴۶).

در عصر بنی‌امیه، هر یک از فرماندهان توابعین، که به خونخواهی امام حسین علیه السلام قیام کرده بودند، رایتی بسته بودند. سلیمان بن صرد خزاعی رهبر این قیام، رایتی در دست داشت. وقتی او شهید شد، مسیب بن نجبه فزاری و پس از او عبدالله بن سعد آن را برافراشت (طبری، ۱۴۰۹: ۱۳۵۷).

#### ۱- جنس و رنگ رایت

جنس رایت معمولاً از پوست حیوانات و یا پارچه‌های متنوع با رنگ‌های گوناگون و اشکال و رموز خاص و مختلف بود. رایت رسول خدا صلی الله علیه و آله معروف به عقاب، قطعه‌ای از بُرد عایشه، همسر او بود (ابن سعد، ۱۹۵۷، ج ۲: ۷۷؛ ابن قتیبه، ۱۹۲۵: ۶۷). گاهی نیز کسانی به ناچار از عمامه خود به عنوان رایت استفاده می‌کردند؛ مانند بریده بن الحصیب که در سال ۶۳ قمری چنین کرد.

رنگ رایت با رنگ لوا تفاوت داشت و معمولاً رایت‌هایی که پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ‌ها می‌بست به رنگ سیاه بود، بر خلاف لوا که همیشه از رنگ سفید انتخاب می‌شد (ابن سعد، ۱۹۵۷: ۹۶؛

طبری، ۱۴۰۹: ۲۶۱-۲۵۹). در غزوه حنین رایت آن حضرت که عقاب نام داشت به رنگ سیاه بود و بر روی آن نوشته شده بود: لا اله الا الله، محمد رسول الله.

در دوران خلفای راشدین باز هم رایت به رنگ سیاه بود و رایت پیامبر صلی الله علیه و آله (عقاب) نیز در جنگ‌های آن عصر به رنگ سیاه حمل می‌شد. از جمله در تهاجم خالد بن ولید به دمشق که پس از بازگشت از عراق در دوران خلافت ابوبکر انجام شد (ابن اثیر، ۱۹۷۹: ۴۰۹؛ بلاذری، بی تا: ۱۳۲).

در جنگ صفین رایات سپاه معاویه به رنگ قرمز بود و وقتی باد آن را بر سر نیزه‌ها به حرکت در می‌آورد چون مرغان شکاری می‌نمود (همان: ۱۷۹). به نظر می‌رسد انتخاب رنگ قرمز در سپاه معاویه نشان از خونخواهی عثمان بوده است، اما در دوران بنی‌امیه رایت سپاه به رنگ سفید در آمد (دینوری، همان: ۲۵۶).

مختار در قیام خود از رایت سبز استفاده کرد و عبدالله بن حارث بن سریق نیز در شورش خود علیه خلافت، از رایت سرخ بهره برد (طبری، ۱۴۰۹: ۳۸۱). این رنگ تا دوران قیام عباسیان تداوم داشت. اما آنان به هنگام دعوت خود به تیمن و تبرک و در تبعیت از رسول خدا صلی الله علیه و آله و بنی‌هاشم که در جنگ‌هایشان رایت سیاه حمل می‌کردند، اقدام به حمل رایت سیاه کردند.

نخستین رایتی که در دعوت عباسیان برافراشته شد السَّحَاب نام داشت (ابن خلدون، العبر، ج ۲: ۱۹۰). به هنگام این دعوت، لشکر عباسی ۷۰ هزار نیروی نظامی داشت که ده‌ها رایت سیاه در آن برافراشته بودند و به همین لحاظ آنان را مسووده می‌خواندند. بعضی گفته‌اند آنان بدان علت رایت سیاه حمل می‌کردند که عامل به آن روایت باشند که در آن آورده شده است که مهدی آخرالزمان برای برپایی قسط و عدالت در جهان با پرچم‌های سیاه ظهور خواهد کرد (ابن ماجه، بی تا، ج ۲: ۱۳۶۶). شاید انتخاب رنگ سیاه به خاطر حدیثی بود که محمد بن علی بن عبدالله بن عباس، از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کرد: «اذا رأیتم الرايات السود مقبله من خراسان فأتوها ولو حبواً علی الثلج» (بی نام، ۱۹۷۱: ۲۰۰) [هنگامی که پرچم‌های سیاه را دیدید که از خراسان به سوی شما می‌آیند در زیر آنها جمع شوید حتی اگر نشسته بر روی برف با سینه حرکت کنید].

عبدالله بن عباس نیز می‌گفت: «اذا كانت سنة ثلاثين و مئة لم يظهر احد بالمشرق برفع راية سوداء الينا الانصر» (همان) [هنگامی که سال ۱۳۰ فرا رسد کسی در مشرق پرچم‌های سیاه را برای ما برنمی‌افزارد مگر پیروز می‌شود].

ابراهیم امام نیز به ابوهاشم سفارش می‌کرد که: «رنگ سیاه رنگ لباس ما و لباس یاران و عزت ما در آن است. پرچم رسول الله سیاه و پرچم علی علیه السلام نیز سیاه بود. پس بر شما باد به رنگ سیاه که لباس شما و پرچم شما باشد. لذا ابوهاشم نیز به داعیان امر کرد که شیعیان او لباس سیاه پوشند و پرچم‌های سیاه به اهتزاز درآورند. وی همچنین اباسلمه را نیز با سه پرچم سیاه به سوی خراسان فرستاد. وقتی ابوهاشم با پرچم‌های سیاه آمد از او پرسیدند چرا رنگ سیاه را انتخاب کردی؟ گفت: عزت این دولت در آن است. تا وقتی لباس سیاه در میان بنی‌هاشم است عزت آن از بین نمی‌رود (همان: ۲۴۵).

در طول دولت عباسی رنگ رایت، سیاه بود. اما در بخشی از حکومت مأمون و پس از آنکه وی امام رضا علیه السلام را به ولیعهدی برگزید، لباس و رایت سیاه را کنار گذاشت و لباس سبز پوشید و سبز را رنگ رسمی خلافت اعلام کرد. چنان‌که می‌دانیم بیعت پیروان عباسیان با ابراهیم بن مهدی و مخالفت با مأمون به خاطر کنار گذاشتن رنگ سیاه بود. پس از شهادت امام رضا علیه السلام، مأمون دوباره لباس سیاه را رنگ رسمی قرار داد و لباس سبز را از تن خود برکنند. به هنگام قیام بابک، سپاهیان او هم رایت‌های قرمز برافراشتند و هم لباس‌های سرخ پوشیدند و بدین سبب به سرخ جامگان معروف شدند.

## ۲- رایت به منزله یگان رزم

گاهی از عنوان رایت به جای یک یگان و مجموعه‌ی نیروی نظامی استفاده می‌شده است که باید منظور از آن، نیروهای تحت آن رایت باشند. از جمله سعد بن ابی وقاص، آنجا که عمر بن معدی کرب و دو تن دیگر از بزرگان و فرماندهان را برای بسیج نیرو اعزام می‌داشت، به آنان چنین می‌گفت:

«شما شعرا، خطبا و شجاعان عرب هستید. «فدوروا فی القبایل والرایات و حرضوا الناس علی القتال»؛

در میان قبایل و پرچم‌ها بگردید و مردم را برای جنگ تشویق کنید. در جاهای دیگر نیز هنگامی که

صحبت از بسیج نیرو و جمع‌آوری نیرو برای جنگ می‌شود و یگان‌ها و قبایل برای جنگ حرکت می‌کنند، از آنان به عنوان رایات یاد می‌شود» (همان: ۱۱۴، ۱۹۷، ۱۳۶ و ۳۴۲).

البته پیامبر اسلام در مواردی، پرچم‌داری را به مسائل اعتقادی گره می‌زدند و صرفاً به توان جنگاوری بسنده نمی‌کردند: «هنگام رفتن به سوی تبوک، پیامبر اکرم (ص) به قبائل انصار و سایر عرب‌ها دستور داد که هر کدام پرچم‌های خود را بردارند و پرچم بنی مالک بن النجار را به عماره بن خرم داده بود. ناگهان زید بن ثابت خدمت پیامبر آمد و حضرت پرچم را به او داد. عماره گفت: ای رسول خدا، آیا از من ناراضی و خشمگین هستید؟ حضرت فرمود: نه به خدا سوگند. ولی قرآن را مقدم دارید و او بیشتر از تو از قرآن بهره دارد و حافظ قرآن مقدم می‌شود، اگر چه غلام سیاه‌بینی بریده باشد. به اوس و خزرج هم دستور داد پرچمشان را کسی بردارد که بیشتر قرآن را از حفظ دارد» (واقعی، ۱۹۸۴، ج ۲: ۱۰۰۳).

رنگ پرچم قریش در جاهلیت معلوم نیست که چگونه بوده است ولی پرچم‌های پیامبر گاه سیاه می‌شد و گاه سفید و آن گونه که از منابع استفاده می‌شود، آن پرچمی را که علی (ع) حمل می‌کرد غالباً سیاه بود که همان پرچم عقاب بود. ابن اسحاق می‌گوید: آن پرچمی که پیامبر به مصعب بن عمیر داد سفید بود (همان، ج ۱: ۶۱۲). پرچم‌های اوس و خزرج در جاهلیت سبز و سرخ بود و هنگامی که پیامبر (ص) به مدینه آمد آنها را همان گونه نگهداشت (مغازی واقعی، ۱۹۸۴، ج ۳: ۶۱۲).

در زمان امویان پرچم به رنگ سرخ شد و در زمان عباسیان رنگ سیاه شعار آنان شده بود از این رو پرچم هم به رنگ سیاه بود و آنها را سیاه‌جامگان می‌خواندند و در زمان مامون که با امام رضا (ع) به ولایت‌عهدی بیعت کرد به خاطر آن حضرت لباس سیاه به لباس سبز تبدیل شد و به تبع آن پرچم هم سبز گشت؛ ولی بعد از شهادت امام رضا (ع) دوباره رنگ سیاه رسمی شد (جرجی زیدان، ۱۹۲۲، ج ۱: ۱۴۰).

پرچم در تاریخ اسلام نیز جایگاه ویژه‌ای به خود اختصاص داده است. در زمان نبی اکرم پرچم را لواء و گاه علم و نیز رایه (صورت فارسی رایت) می‌گفتند ولی لفظ اخیر (رایه) ظاهراً منحصر به بیرق اسلامی نبوده است (رسول خیراندیش و سیاوش شایان، ۱۳۷۰: ۲۵۸).

نبی اکرم پرچمی به نام عقاب داشت که رنگ آن را پاره‌ای سفید و پاره‌ای سیاه نوشته‌اند و روی آن را دانه‌های رنگین می‌پوشانیده است. برخی نیز نوشته‌اند که پیامبر دو بیرق داشت، یکی سیاه به نام عقاب و دیگری سفید از چادر عایشه. پاره‌ای نیز گفته‌اند که بیرق سیاه از چادر عایشه بوده است.<sup>۱</sup>

بنابر مشهور، عمر بن خطاب نیز هر وقت کسی را از امرای خویش به حرب می‌فرستاد، برای او لواء می‌بست و همراه با این کار که عقد لواء [بستن لواء] خوانده می‌شد وی را دعا می‌کرد و به صبر و پایداری اندرز می‌داد. خلفای دیگر نیز در کار عقد لواء و ایراد دعا و وصیت در حق امیر صاحب لواء اهتمام داشتند و حتی برای عمال نیز در موقعی که آنها را به مأموریت می‌فرستاد، لواء می‌بستند (مصاحب، ۱۳۵۴، ج ۲: ۲۵۰۶). مرحوم مجلسی هم در بحار، بابی مخصوص پرچم امیرالمؤمنین قرار داده است (مجلسی، ۱۴۱۶ق، ج ۴۲: ۵۷).

در هر دوره خلفاء و جنبش‌های انقلابی نیز برای خود نشان ویژه‌ای قرار می‌دادند. امویان پرچمی با رنگ سرخ، علویان پرچمی با رنگ سفید، عباسیان پرچمی با رنگ سیاه برگزیده بودند که گاهی آن را به آیه‌ای از آیات قرآن منقش می‌ساختند. ابومسلم خراسانی هنگامی که بر دولت اموی شورید، پرچم سیاه را برای خود انتخاب کرد (بختورتاش، ۱۳۸۷: ۱۶۴).

هنگامی که مأمون حضرت رضا علیه السلام را ولیعهد خود کرد، بیرق‌های سیاه را برانداخت و رنگ سبز را برای علم‌ها و رایت‌ها برگزید.

در پایان سده چهارم هجری هر خلیفه و یا هر پادشاهی دو بیرق داشت. یکی را که سیاه رنگ بود رایت می‌خواندند، دیگری را که به رنگ سفید بود لواء می‌گفتند و بر روی آنها آیه‌هایی از قرآن می‌نوشتند.

ناصر خسرو درباره خلیفه فاطمی المستنصر بالله می‌گوید:

رایت شاهان را صورت شیر است و پلنگ بر سر رایت او صورت فتح است و ظفر

۱- ر.ک به کتب مجمل التواریخ، سیره حلبیه و شرف النبی

رایت و لواء فرمانروایان اسلامی بسیار بلند، بزرگ و سنگین بود و گاهی نیز علامت‌هایی به کار می‌بردند. بازمانده این گونه بیرق‌ها و علامت‌ها را که بیشتر به رنگ سبز و یا سیاه است هنوز هم در گوشه و کنار کشور در آیین‌های سوگواری و جشن‌های دینی دیده می‌شود. خلفا کم‌کم افزودنی بیرق‌ها و بلندی و سنگینی آن‌را نشانه نیرومندی و بزرگی خود دانستند. از این رو بر بلندی و نیز بر شمار عَلم‌های خود می‌افزودند و هنگامی که فرمانروایی به کشوری گسیل می‌داشتند، برای او علم ویژه‌ای درست می‌کردند (همان: ۱۶۵). هنگامی که العزیز بالله فاطمی رهسپار فتح شام شد پانصد عَلم و پانصد بوق همراه داشت و بر علم‌ها و رایات نام خلیفه یا سلطان یا شخص را که به فرماندهی سپاه انتخاب می‌شد می‌نوشتند. خلیفه‌های فاطمی مصر سازمان ویژه‌ای برای ساختن و پرداختن بیرق‌ها و نگاهداری آنها داشتند. افزون بر رایت و لواء جنگ‌افزارهای گوناگون، زین و برگ‌های زرنگار و نقره‌کاری شده در انبار این سازمان انباشته شده بود. هزینه نگاهداری این سازمان، سالیانه هشتاد هزار دینار بود و سرانجام این سازمان با انبارهایش در آتش سوخت و بیش از هشت میلیون دینار جنگ ابزار و زین و برگ نابود گردید (جرجی زیدان، ۱۴۱۶: ۵۶).

خلفای اسلامی برای کشورهای زیر فرمان خود نامه‌ای که به منشور خلیفه معروف بود با هدایاء لواء و خلعت می‌فرستاد. این رسم در دربار شاهان ترک مغول و دولت عثمانی پابرجا بوده است (نفیسی، ۱۳۲۸: ۵۵).

پس از ناتوانی خلیفگان عباسی و از میان رفتن تمرکز در فرمانروایی (که آغازش از زمان هارون و مأمون است) هیچکدام از خاندان‌های ایرانی که چندی بر بخش‌هایی از کشور پهناور ایران فرمانروایی می‌کردند، نتوانستند حکومت یکپارچه بر ایران شکل بخشند و هرکدام نشان ویژه‌ای را برای خویش فراهم آورده بودند. چنان‌که می‌دانیم دوره اموی شاهد شورش‌های ایرانیان علیه ستم خلفا بود که هر کدام پرچم اعتراض خود را به رنگی خاص برافراشتند: سیاه‌جامگان، سپیدجامگان و سرخ‌علمان. این خود گواهی است بر اینکه جایگاه و پایگاه نمادین پرچم تا چه اندازه مهم بوده است.

## جایگاه پرچم در ایران شیعی

پرچم در جهان تشیع معنا و اهمیت خاص خود را داشته است. قبل از آنکه وارد بحث پرچم در ایران شیعی شویم به دو مورد اشاره می‌کنیم که نشان‌دهنده اهمیت پرچم در فرهنگ شیعی است و پس از آن به بحث پرچم در ایران پس از عصر صفویه می‌پردازیم.

در فرهنگ شیعی دو علم و بیرق زبانزد است. اولین آن مربوط به جریان عاشورا می‌شود. روز عاشورا امام حسین علیه‌السلام یاران اندک خود را به سه جناح چپ و راست و قلب تقسیم کرد و برای هر یک فرماندهی برگزید و پرچم را به دست برادرش عباس علیه‌السلام داد (مجلسی، ۱۴۱۶، ج ۴۵: ۵ و ۳۹). روز عاشورا نیز چون عباس علیه‌السلام خدمت امام آمد و از او اذن طلب کرد، امام گریست و فرمود: «انت صاحب لوائی و اذا مضیت تفرقت عسکری» (معانی السطین، ۱۴۰۹، ج ۱: ۴۴۱) [تو پرچمدار هستی و اگر چیزی برای تو رخ دهد سپاهم از هم می‌گسلد].

از این رو در عزاداری این پرچم به اشکال مختلف ظاهر شده است و گاه برای تفاوت هیات‌های مذهبی نشان ویژه‌ای برای آن قرار می‌دادند و در تعزیه‌خوانی نیز در پیشاپیش دسته‌ها استفاده می‌شده است (محدثی، ۱۳۷۴: ۳۲۰).

دیگری لواء حمد است که در قیامت به دست امیرالمؤمنین علیه‌السلام سپرده می‌شود و آدمیان را به سوی بهشت رهنمون می‌سازد (قمی، ۱۴۱۹، سفینه البحار، ج ۷: ۶۱۸).

در زمان صفویان به جز دوره شاه اسماعیل (۹۰۶-۹۳۰)، شاهان صفوی بر روی بیرق و سکه‌های خود نقش شیر و خورشید را حک نمودند. ژان شاردن فرانسوی که از ۱۰۷۴ تا ۱۰۸۸ هجری ق دو بار به کشور ایران آمده است، بیرق شیر و خورشید و علم‌های دیگر صفویه را چنین گزارش می‌کند: «درفش ایرانیان مانند درفش نظامی ما به شکل نوک تیز برش یافته و از انواع رنگ‌ها و انواع پارچه‌های گران ساخته شده است. این درفش خواه برای سواره نظام و خواه برای پیاده نظام یکسان است. به جای پند و شعار، عبارت شهادتین یا عباراتی از قرآن و یا شمشیر دو سر علی علیه‌السلام با یک شیر یا خورشیدی که بر پشت آن ایستاده است بر روی درفش نقش می‌کنند. یکی از سمت‌های مهم نظامی ایران نگهداری درفش بزرگ

است که به وی علمدارباشی می گویند» (شاردن، ۱۳۳۵، ج ۸: ۲۲۲). در جای دیگر می نویسد: «من گفته‌ام که شیر علامت پادشاهان ایران است. آنرا با خورشید در حال طلوع نقش می کنند که پهلوی آن است و سه چهارم قرص آن پیدا است. این نقش در روی بیرق‌ها و سکه‌های مس و هزار جای دیگر دیده می شود. از قدیم گفته‌اند که ایرانیان چون می خواستند خورشید را رسم کنند آن را با چهره شیر می کشیدند زیرا که چون خورشید در برج شیر باشد، از برج‌های دیگر بیشتر نیرو دارد (نفیسی، ۱۳۲۸: ۶۶).

بر پایه سفرنامه‌های اروپائینی که در زمان صفویان به ایران سفر کرده‌اند و نیز آثار ارزنده‌ای که درباره ایران آن روز در دسترس است، انواع درفش‌های روزگار صفویه را می توان به شرح زیر بر شمرد:

۱- بیرق با آیه‌هایی از قرآن مجید که معمولاً دارای نقش گل و بوته و یا زردوزی بوده است؛

۲- بیرق با نقش ذوالفقار امام علی علیه السلام؛

۳- پرچم سفیدرنگ دو زبانه با پیکره شیر و خورشید؛

۴- در زمان صفویه به کار بردن علم در ماه محرم نیز معمول بوده و در جنگ‌ها هم از این علم‌ها که جنبه دینی داشته است برای تهییج سپاه استفاده می کرده‌اند (بختورتاش، ۱۳۸۷: ۲۲۶).

از طرفی سلاطین صفوی، احتمالاً در رقابت با سلاطین عثمانی، با در نظر گرفتن سوابق موجود در

تاریخ‌های کهن بر آن شدند که به تقلید از دولت عثمانی پردازند که ماه و ستاره را نشان رسمی خود قرار داده بود. آنها با ملاحظه این ابیات فردوسی:

پس آن‌گه چنین گفت کای بخردان      من ایدون شنیدستم از موبدان

که چون ماه ترکان بر آید بلند      ز خورشید ایرانش آید گزند

به این امر گرایش یافتند که خورشید را در نیرومندترین وضع خود یعنی دوره عظمت و اعتلای آن

در آسمان نمایش دهند و لذا خورشید را در برج اسد علامت خود قرار دادند تا بر ترکان- بنا به گفته و

پیشگویی‌های قدما- برتری یابند (نیرنوری، ۱۳۴۴: ۱۱۱). البته توجه به نماد شیر و خورشید قبل از صفویان

هم بوده است ولی اولین بار توسط آنان بر روی پرچم تصویرگری شد. سرجان ملکم می نویسد: سلاطین

ایران هم از قرن‌ها پیش صورت شیر و خورشید را از مخصوصات خود شمرده‌اند. سبب این درست معلوم



نیست و لیکن نباید این رسم زیاد هم کهن باشد. این نقش در سکه یکی از سلاطین سلاجقه قونیه دیده می‌شود (بختورتاش، ۱۳۸۷: ۲۴۹).

در دوره نادرشاه افشار هم اگرچه بیرق‌های متنوعی رایج بوده ولی باز بیرقی نیز با پیکره شیر و خورشید به کار گرفته می‌شده است (بختورتاش، ۱۳۸۷: ۲۳۵).

در دوران بعد هم از زندیه گرفته تا قاجار و پهلوی در کنار پرچم‌های دیگر، پرچمی با نماد شیر و خورشید را می‌توان مشاهده کرد. در دوران قاجار نمادهای دینی هم گاهی اضافه شده است. به‌طور مثال در قسمت بالای پرچم‌های سرخ رنگ فتحعلی شاه قاجار که بر آن نقش شیر و خورشید بود، دست‌نقش‌های قرار داده می‌شد که نشانگر دست علی علیه السلام بود (نفیسی، ۱۳۲۸: ۷۶) و یا در زمان محمدشاه بر سر برخی بیرق‌ها شمشیر دوسر ذوالفقار علی علیه السلام نصب شده بود (بختورتاش، ۱۳۸۷: ۲۵). استفاده از نماد شیر و خورشید در عصرهای بعد از صفویه محدود به پرچم نمی‌شد و در سکه‌ها، نشان‌ها و حتی اولین تمبرهای دوره ناصرالدین شاه خود را نشان می‌دهد.

نکته جالبی که در مورد نقش پرچم در دوره قاجار می‌توان اشاره کرد آنست که تا زمان فتحعلی شاه کشور ایران دو بیرق داشت که بر روی یکی از آنها شیر و خورشید و بر روی دیگری شمشیر ذوالفقار بود. در دوران پادشاهی محمدشاه برای آنکه ایران دارای یک نشان رسمی باشد شیر را که تا آن زمان گاهی خوابیده و گاه نیم‌خفته بود، به‌پا داشتند و شمشیر را به چنگ او سپردند تا برنگی، مردانگی، روشنایی و افروزدگی در خدمت نیرومندی و دلیری قرار گیرد. پس از جنگ هرات محمدشاه این نقش را برگزید تا عدم خستگی خود را از جنگ نشان دهد (سپهر کاشانی، ۱۳۳۷: ۹۰-۹۲).

در دوره اربعه هم با تغییرات اندکی در این نماد، می‌توان نشانه‌های تغییر سیاست در نحوه نزاع با دشمنان را مشاهده کرد. به نحوی که گاه شیر نشسته با خورشید و گاه بدون شمشیر بوده است. گاهی نیز شیر خوابیده بدون شمشیر و با برگ زیتون به کار رفته است. گاه شیر ایستاده همراه با خورشید در چهره انسان و تاج و برگ زیتون بر روی بیرق‌ها کاربرد داشته و گاه خورشید به گونه پرتوهای با شمشیر همراه

بوده است. برخی هنگام شمشیر در دست چپ و گاه در دست راست شیر نهاده شده بود. رنگ‌ها هم تا زمان مظفرالدین شاه و آغاز مشروطه به شکل واحدی نبوده است.

در دوره ناصری بنا بر نامه باقیمانده از میزا محمدعلی خان وزیر امور خارجه وقت ایران، نشان اصلی مملکت در این دوره شیر و خورشید است. او توصیه می‌کند که برای کشتی‌ها از پرچم اژدها استفاده گردد (کسروی، ۱۳۳۵: ۳۰).

صاحب ناسخ التواریخ هم در جلد سوم دوره قاجار می‌نگارد: بیرق شیر و خورشید با قبه زرناب که نشان دولت ایران است ... (سپهر کاشانی، ۱۳۳۷: ۱۸۶). این نشان در این دوره در آثار هنری، معماری‌ها، تزئین اسلحه‌ها، روزنامه‌ها و ... نقش می‌پذیرد. در این دوره (دوره ناصری) تقریباً یازده نوع پرچم و علم به کار می‌رفته است. به طور مثال بیرقی خاص عزاداری‌ها بوده است (بختورتاش، ۱۳۸۷: ۲۸۱-۲۸۳). نیز در این دوره نشان شیر و خورشید برای هدیه به نمایندگان سیاسی، ارتشیان و ... برحسب مراتب و مدارج آیین‌نامه‌هایی در سال ۱۲۷۷-۱۳۱۱ تنظیم گردید (شیبانی، ۱۳۵۸: ۲۸۷).

پرچم ایران تا قبل از مظفرالدین شاه و عصر مشروطه به شکل واحدی نبوده است. اگر چه بنا بر نقل سعید نفیسی از زمان شاهنشاه کشورگشا نادرشاه افشار پرچم لشگر را دور قرمز و پرچم کشور را دور سبز قرار داده‌اند اما در اندازه، نقش و رنگ یکسانی دیده نمی‌شود (نفیسی، ۱۳۲۸: ۸۱).

پس از انقلاب مشروطه رفته‌رفته از بی‌سامانی‌ها کاسته شد و با آنکه نگرش ویژه‌ای به این نماد ملی پدیدار گردید، باز هم کم و بیش تا آغاز پادشاهی پهلوی ناهنجاری‌هایی دیده می‌شود.

انقلاب مشروطه و صدور فرمان مشروطیت در سال ۱۳۲۴ ه.ق و تنظیم قانون اساسی و متمم آن مورخ ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ قمری، امور فراوانی از جمله پرچم را دگرگون نمود. به موجب اصل پنجم متمم قانون اساسی، الوان رسمی بیرق ایران سبز و سفید و علامت شیر و خورشید است. ترتیب رنگ‌ها در پرچم تعیین گردیده است. اگر چه قانون اساسی ایران با توجه به کشور بلژیک نگاشته شده است، اما رنگ‌های پرچم ایران برگرفته از اروپاییان نیست بلکه سه رنگ سبز، سفید و سرخ از روزگار هخامنشیان به گونه‌ای که در سنگ نگاره شاهین بال گشوده به چشم می‌خورد، رواج داشته است (نفیسی، ۱۳۲۸: ۸۹).

رنگ سبز در آیین‌های کهن ایرانی که بازمانده‌های آن هنوز در گوشه و کنار ایران زمین دیده می‌شود، نماد زندگی، خوشبختی، سرسبزی، جوان گشتن، رویدن و بالیدن و دوباره رویدن و زیستن است. سبزه، برگ سبز، شاخه مو، شمشاد و شاخه در بیشتر آیین‌ها به کار برده می‌شود. هنوز در آیین اروسی میان زرتشتیان در یزد و کرمان و در برخی روستاهای دیگر پارچه سبز رنگ تقدس دارد. پیراهن عروس و کلاه داماد را از پارچه سبز می‌دوزند و در برگزاری آیین زناشویی می‌پوشند (نفیسی، ۱۳۲۸: ۱۲۲).

روایت دیگری وجود دارد که مطابق آن، پیش از مشروطه بیشتر رنگ سبز و سفید در بیرق‌ها، علم‌ها و رایت‌ها دیده می‌شده و از زمان انقلاب مشروطیت برای یادآوری خون فداکاران و جانبازان راه آزادی که در این راه جان باختند، رنگ سرخ را که یک رنگ انقلابی است برگزیده و به رنگ‌های دوگانه افزوده‌اند و ترتیب آن را به ملاحظاتی چنین قرار داده‌اند که سبز در بالا، سفید در میانه و قرمز در پایین باشد (نیرنوری، ۱۳۴۴: ۱۱۸).

از همین دوره میان بیرق ملی و بیرق دولتی جدایی گذاشتند و بر بیرق‌های دولتی شیر و خورشید نقش کردند و بیرق‌های ملی بدون شیر و خورشید بود (نیرنوری، ۱۳۴۴: ۱۲۴).

بر روی نظام‌نامه داخلی مجلس شورای ملی که در سنه ۱۳۲۸ ه.ق. سه سال پس از تصویب قانون اساسی مشروطه در مطبوعه مجلس به چاپ رسیده است، نقش شیر و خورشید دیده می‌شود. در اطراف شیر که شمشیر به دست راست دارد، برگ زیتون و خرما نقش شده و خورشید نیز دارای چشم و ابرو است و تاج نیز بر فراز پرتو خورشید قرار گرفته و از پشت تاج پرتوهای دیگری دیده می‌شود (نفیسی، ۱۳۲۸: ۱۲۸).  
بنابر تحقیقات بختورتاش پس از تصویب قانون اساسی مشروطه برای سامان‌دهی وضعیت پرچم از جهت اندازه و ... بیرقی در کرمانشاه دوخته شد و با هواپیما در سال ۱۳۳۴، ده سال پس از فرمان مشروطه، به تهران انتقال داده شد (بختورتاش، ۱۳۸۷: ۴۲۵).

با این همه به علت فقدان آیین‌نامه‌ای شفاف در این مورد، باز تفاوت‌هایی در نقش‌های پرچم‌ها دیده می‌شد. برای نمونه تا مدت‌ها گاهی شمشیر در دست چپ شیر و گاه در دست راست دیده می‌شود، ولی

رفته‌رفته برای همیشه شمشیر به دست راست شیر سپرده شده و سه شیر به سوی چوب درفش قرار گرفت و رنگ شیر و خورشید زرد طلایی گردید (همان).

در زمان رضاشاه پهلوی به موجب بخشنامه‌ای به همه وزارت‌خانه‌ها دستور داده شد که از گذاردن چشم و ابرو برای خورشید خودداری و خورشید را یک نیم‌دایره ساده با پرتو بنگارند و نیز به موجب دستور فرهنگستان به جای نام بیرق واژه مغولی- ترکی پرچم برگزیده شد و شمشیر نیز به دست راست شیر نقش گردید. در این هنگام سرود درفش کاویان که در ستایش پرچم ایران و زبان رنگ‌ها و نقش شیر و خورشید است در دبستان‌ها و دبیرستان‌ها خوانده می‌شد و سرود رسمی پيشاهنگی ایران بود:

ای درفش ظفر بخش کاویان      مایه افتخار کشور کیان  
رایت نصرت و آیت شکوه ما      پیشاهنگان با عزم و همت ایران جوان  
مملکت ز سبزی سبز و خرم است      وز سپیدیت سپیدساحت جم است  
سرخی نشانه‌ای ز خون گرم ماست      پشت ملک و ملت از شیر و خورشید تو گرم و محکم است  
پرچم‌های این دوره به سه گروه تقسیم می‌گشت:

۱- پرچم ملی؛

۲- پرچم دولتی؛

۳- پرچم نظامی.

منظور از پرچم ملی قرار گرفتن رنگ‌های سه گانه درفش به ترتیب پیش‌بینی شده در قانون اساسی مشروطه است. بدون پیکر شیر و خورشید، در ازای چوب پرچم سه برابر پهنای پرچم و رنگ چوب و ریسمان مربوطه سفید خواهد بود. این همان پرچمی است که در جشن‌های ملی و دینی و در چراغانی‌ها، مغازه‌داران و یا دیگر مردم برای آرایش مغازه و خانه و ساختمان‌های خود از آن بهره می‌جویند و به کار می‌برند.

پرچم دولتی همان پرچم ملی است که در وسط رنگ سفید آن شیر و خورشید به رنگ زرد نقش

شده است.

پرچم نظامی همان پرچم دولتی است که در بالای خورشید روی بخش سبز یک تاج پهلوی نقش شده و دایره‌ای از برگ خرما، شیر و خورشید را فرا گرفته است.

پرچم‌های نظامی ویژه ساختمان‌های نظامی مانند ستاد سپاه، لشکر و تیپ، دانشکده‌ها و دبیرستان‌های نظامی، ادارات ارتش، مراکز پادگان‌ها، سپاه‌ها، لشگرها و تیپ‌های مستقل و پاسگاه‌های مرزی است.

در این دوره برای شکل و اندازه پرچم‌های نظامی و یکنواخت کردن آنها قوانینی وضع شد که در بحث قوانین پرچم به آن پرداخته می‌شود. همچنین درفش ویژه‌ای با شکل و شمایل خاص برای خاندان سلطنتی شاه و همسر پادشاه و ولیعهد در نظر گرفته شد (بختورتاش، ۱۳۸۷: ۴۴۳-۴۴۵).

در آغاز انقلاب به‌ویژه در سال ۱۳۵۸ خورشیدی گفتگو از دگرگون کردن پرچم و نقش شیر و خورشید بود. گروهی با تغییر پرده سه رنگ پرچم مخالف و آن را نمی‌پسندیدند. چند نوشتار هم در روزنامه‌ها به چاپ رسید که بر پیشینه پرچم سه رنگ و اینکه در جامعه جهانی شناخته شده و رسمیت یافته است، تاکید می‌کردند و نتیجه می‌گرفتند که تغییر آن ضرورتی ندارد و به مصلحت نیست. سرانجام ویژگی‌های پرچم به گونه‌ای مشابه با قانون اساسی مشروطه تعیین شد و پذیرفته شد که رنگ‌ها و طرز قرار گرفتن آنها با درازا و پهنای برابر برجا و برقرار بماند، ولی نقش شیر و خورشید و شمشیر کنار گذارده شد و به جای آن نماد جمهوری اسلامی به شکل « (الله) » تعیین گردید.

این امر در قانون اساسی هم بازتاب یافت. اصل هجدهم قانون اساسی سال ۱۳۵۸ می‌گوید: «پرچم رسمی ایران به رنگ‌های سبز، سفید و سرخ با علامت مخصوص جمهوری اسلامی و شعار الله اکبر است».

از آنجا که پس از انقلاب اسلامی در ایران دگرگونی در پرچم روی داد و نشان‌واره شیر و خورشید کنار گذارده شد، بر این پایه در بنیاد نیکوکاری ایران که پیکره شیر و خورشید نشان آن بود از سال ۱۳۵۸ خورشیدی هلال سرخ را بر جای شیر و خورشید نهادند و اکنون کشور ایران مانند بیشتر کشورهای اسلامی در بنیاد نیکوکاری خود هلال سرخ را بر روی پرده سفید به کار می‌برد (بختورتاش، ۱۳۸۷: ۴۶۰).

در انتها باید گفت علاوه بر توجه به پرچم در حافظه ملی ایرانیان، پرچم و بیرق در حافظه قدسی و دینی مردمان ایران حضور دیگری نیز دارد. وجود پرچم در اماکن زیارتی، ایام وفات و عزاهای جمعی را می توان از این زمره دانست.

## ۸-۲- جمع بندی مباحث تاریخی پرچم

در مباحث تاریخی پرچم می توان نکات زیر را مهم تلقی کرد:

- ایرانیان از اولین مردمانی بوده اند که از نمادها و نشان هایی مشابه با پرچم های کنونی بهره برده اند؛
- در تاریخ اسلام، پرچم رواج داشته است که نمونه های فراوانی را می توان از تاریخ اسلام و تاریخ تشیع ذکر کرد؛
- پس از به قدرت رسیدن صفویه و گسترش تشیع در ایران، پرچم هایی در ایران رواج یافته است که نمادها و نشانه های موجود در آنها توأمان به فرهنگ شیعی و فرهنگ ایرانی نسبت داده شده است و رنگ های موجود در این پرچم ها و پرچم های عصر نادر شاه شباهت هایی با پرچم فعلی ایران داشته است.
- در عصر جدید تاریخ ایران، این فتحعلی شاه بود که به تقلید از لژیون دونور فرانسه، نشان شیر و خورشید ایرانی را در ۱۲۲۵-۱۲۲۲ پدید آورد تا به دیپلمات ها و مقامات فرانسوی و انگلیسی اعطا کند و به این ترتیب ایران دارای پرچم رسمی با نشان شیر و خورشید شد؛
- پس از انقلاب مشروطیت، پرچم سه رنگ و شیر و خورشید نشان ایران با جلب نظر موافق روحانیون به اصلی از قانون اساسی تبدیل شد. در اصل پنجم متمم قانون اساسی مشروطه آمده بود: «الوان رسمی بیرق ایران، سبز و سفید و سرخ و علامت شیر و خورشید است». در تفسیر این اصل گفته می شد رنگ سبز نماد اسلام و رنگ سفید نماد صلح و مسالمت جویی و قرمز نشان پاسداشت مشروطیت ایران و خون های ریخته شده به پای درخت آزادی و استقلال کشور است و البته این رنگ به حادثه خونین کربلا نیز اشاره می کرد. شیر و خورشید نیز به عنوان نماد حضرت علی (اسدالله)

و نیز شجاعت و پایداری و البته پیروزی انقلاب مشروطیت ایران تعبیر شد. بنابراین در عصر مشروطه

نیز پرچم کشور به عنوان نمادی که حاوی نشانه‌های مذهبی و ملی است تلقی می‌شد؛

- پس از انقلاب نیز چنان‌که پیشتر گفتیم اصل ۱۸ قانون اساسی، ویژگی‌های پرچم جمهوری

اسلامی را بیان می‌کند و در برخی منابع از این اصل به عنوان اصل پرچم یاد می‌شود.

## ۹-۲- جایگاه اجتماعی پرچم در ایران

از مطالب بالا می‌توان نتیجه گرفت پرچم به عنوان نمادی که حامل معانی ملی و دینی است، در تاریخ ایران جایگاه و اهمیت ویژه‌ای داشته است. ایرانیان قبل از اسلام از نمادها و نشانه‌هایی شبیه به پرچم استفاده می‌کرده‌اند و بعد از اسلام نیز این نمادها با باورهای مذهبی آنان در هم آمیخته است. پس از گسترش مذهب تشیع در ایران، نمادهای مربوط به تشیع در پرچم‌های موجود رایج شد و تفسیرهای مذهبی از نمادها و نشانه‌ها و رنگ‌های رایج در پرچم‌ها در کنار جنبه‌های ملی آن نشست. به این ترتیب اگر چه اشکال نسبتاً متنوعی از پرچم وجود داشت، اما به آنان به چشم نمادهای ملی و مذهبی نگاه می‌شد. این وضعیت تا عصر قاجار ادامه داشت. در این دوره یک عامل دیگر هم اضافه شد و آنهم مسئله مواجهه با غرب بود. از آنجا که برخی کشورهای غربی که با ایرانیان ارتباط دیپلماتیک داشتند، از پرچم رسمی استفاده می‌کردند شاهان قاجار و به شکل خاص محمدشاه به فکر افتادند تا آنها نیز پرچمی رسمی برای کشور تدارک ببینند. سپس در قانون اساسی مشروطه پرچم جنبه حقوقی یافت. در انتخاب رنگ‌ها و طرح‌های پرچم بر وجهه ملی و شیعی آنها تاکید شد. سپس در عصر پهلوی و آنگاه پس از پیروزی انقلاب، تغییراتی در رنگ‌ها و طرح‌های پرچم ایجاد شد. نکته مهم این است که به هر حال همه دولت‌های مدرن به نمادهای ملی نیاز دارند. اگر چه در همه قرون و اعصار نمادها و نشانه‌هایی رایج بوده (از جمله در تاریخ ایران و اسلام) اما در دولت-ملت‌های مدرن این نمادهای ملی جایگاه خاصی می‌یابند. نگاهی به مباحث مطرح شده درباره پرچم در دهه‌های اخیر در ایران که در بخش پیشینه تحقیق و بخش نظری به آن اشاره کردیم، نشان می‌دهد که بیشتر از

زوایای تاریخی و مردم‌شناختی به پرچم نگریسته شده است. درباره‌ی جایگاه پرچم ملی در ایران امروز نمی‌توان با قاطعیت ابراز عقیده کرد؛ زیرا در هیچ‌کدام از افکارسنجی‌های موجود، در این مورد تحقیق نشده است و نیز هیچ پژوهش تجربی و میدانی در این باب وجود ندارد. این امر به شکل منطقی می‌تواند حاصل یکی از دو گزینه زیر باشد: یا اینکه اساساً آنقدر مسئله پرچم و سایر نمادهای ملی بی‌اهمیت تلقی می‌شود که نه تنها هیچ تحقیق میدانی در این باب صورت نگرفته است، بلکه در هیچ‌کدام از افکارسنجی‌های معتبر حتی یک سنجه هم به آن اختصاص نیافته است و یا برعکس آنقدر جایگاه آن نزد افکار عمومی بدیهی و طبیعی است که نیازی به چنین پژوهش‌هایی احساس نمی‌شده است. برخی شواهد از جمله نوشته‌ها و پژوهش‌های کم‌تعداد درباره‌ی نقش اجتماعی پرچم ایران، عدم وجود قوانین کارآمد درباره‌ی نحوه استفاده از پرچم در موقعیت‌های مختلف و تجارب و مشاهدات روزمره همه‌ما، ضرورت تقویت جایگاه پرچم در کشور را یادآوری می‌کند که در بخش‌های بعدی به آن اشاره خواهد شد.



SCCcr.ir

فصل سوم

روش تحقیق

روش غالب تحقیق ما در این پژوهش روش اسنادی است، اما از روش تحلیل متن نیز استفاده شده است. ابتدا سندهای کلان و بالادستی کشور به ویژه قانون اساسی از زاویه مسئله پرچم بررسی شده‌اند. سپس چکیده‌ای از تاریخ پرچم در ایران ارائه شده است. آنگاه پس از بررسی رویکردهای نظری، تاریخ پرچم در ایران را در متن فرهنگی اجتماعی آن تحلیل کرده‌ایم.

گام بعدی ارائه تحلیلی از موقعیت پرچم نقش اجتماعی و فرهنگی و سیاسی آن در ایران معاصر است. پس از آن جایگاه و موقعیت فعلی پرچم را از جنبه حقوقی و فرهنگی بررسی شده است. از جنبه حقوقی همه قوانین مربوط به پرچم بررسی و در بخش دوم پژوهش آن را با موارد مشابه احتمالی در دنیا مقایسه کرده‌ایم.

از جنبه فرهنگی اجتماعی نیز جایگاه پرچم در فرهنگ عمومی و در میان عامه مردم بررسی شده است. در عین حال، جایگاه اجتماعی - حقوقی پرچم در زمینه‌ای تطبیقی و مقایسه‌ای با برخی کشورهای دیگر تحلیل شده است. در موارد فوق، در کنار ارائه نوعی آسیب‌شناسی از موقعیت کنونی، راهکارهایی را جهت ارتقاء جایگاه پرچم در افکار عمومی پیشنهاد کرده‌ایم. در موارد اخیر، به شکل کتبی و شفاهی از کارشناسان نظرخواهی شده است.

چنان‌که ملاحظه می‌شود این تحقیق جنبه‌ها و مسائل مختلفی را در بر می‌گیرد. از یک سو قرار است تاریخ پرچم در ایران مورد بازخوانی قرار گیرد؛ طبعاً این بخش از تحقیق با روش اسنادی انجام خواهد شد. در بخش دیگری از تحقیق قرار است جایگاه اجتماعی پرچم در ایران نیز بررسی شود که در کنار تحلیل تاریخی به تحلیل اجتماعی و فرهنگی روی می‌آوریم. در بخش‌های دیگری از تحقیق از روش‌های تطبیقی - مقایسه‌ای نیز بهره خواهیم برد.

فصل چهارم

بررسی تطبیقی قوانین و جایگاه اجتماعی پرچم

در ایران با چند کشور جهان

یکی از نکات مهم درباره نمادهای ملی، جایگاه قانونی آنهاست. جایگاه این نمادها در قوانین کشور از یک سو نشان می‌دهد این نمادها تا چه حد مهم تلقی شده‌اند و از دیگر سو به تقویت جایگاه آنها کمک می‌کند. بدیهی است اگر مثلاً خلاء یا ابهام قانونی در مورد شیوه استفاده گروه‌ها و سازمان‌های مختلف از پرچم ملی کشور وجود داشته باشد به تضعیف جایگاه آن خواهد انجامید.

#### ۴-۱- پرچم در قانون اساسی

در مهم‌ترین متن قانونی ایران یعنی قانون اساسی، بسان بسیاری دیگر از کشورها، درباره پرچم و نشانه‌های دیگر جمهوری اسلامی ایران سخن به میان آمده است. در اصل هجدهم قانون اساسی آمده است: «پرچم رسمی ایران به رنگ‌های سبز و سفید و سرخ با علامت مخصوص جمهوری اسلامی و شعار «الله اکبر» است» (قانون اساسی، ۱۳۸۸: ۲۸). شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران در جلسه مورخ ۱۵/۴/۵۹ تصویب نمودند که پرچم رسمی ایران بر طبق اصل هجدهم قانون اساسی به رنگ‌های سبز و سفید و سرخ با علامت مخصوص جمهوری اسلامی ایران و شعار «الله اکبر» به مشخصات زیر باشد:

- علامت مخصوص جمهوری اسلامی ایران به رنگ سرخ در وسط پرچم قرار می‌گیرد؛
- شعار الله اکبر به رنگ سفید و با خط کوفی بنایی (یعنی همان خطی که شعار الله اکبر را بر مناره های مساجد اسلامی نقش می‌کند) تکرار می‌شود؛
- شعار الله اکبر به نشانه بیست و دوم بهمن روز پیروزی انقلاب، بیست و دو بار به صورت حاشیه در مرز رنگ سبز و سفید و سرخ و سفید تکرار می‌گردد (یازده بار در رنگ سبز و یازده بار در رنگ سرخ)؛
- مشخصات هندسی و فنی دقیق پرچم و علامت مخصوص جمهوری اسلامی ایران مطابق استانداردهای مصوب مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران است (بختورتاش، ۱۳۸۷: ۴۳۴).

هر چند به‌طور پراکنده در متون قانونی می‌توان مواردی را یافت که از پرچم یاد شده است، اما با این حال آنچنان که باید به آن توجه نشده است. بیشتر مواردی که در قوانین از پرچم سخن به میان آمده، درباره روابط حقوقی بین دولت‌ها در حوزه کشتیرانی است که البته مطابق عرف جهانی این یک مسئله بین‌المللی است و این قوانین ناشی از الزامات حقوق بین‌الملل در آب‌های بین‌المللی است. در نهادهای نظامی هم مانند همه‌جای دنیا مراسمی مانند مراسم پرچم و قواعدی برای آن وجود دارد که چون کل جامعه را در بر نمی‌گیرد، خارج از بحث ما قرار می‌گیرد؛ اگر چه در جای خود اهمیت دارد.

در عین حال در برخی قوانین کشور از پرچم یاد شده است که به آنها اشاره می‌کنیم. برای نمونه در یکی از این قوانین مصوب مجلس چنین آمده است: «در جهت اجراء اصل یک‌صد و بیست و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران درباره قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب جلسه مورخ ۱۳۸۶/۸/۷ کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی نمی‌توان عین یا تقلید نشان نظامی، پرچم یا سایر نشان‌های مملکتی یا نام یا نام اختصاری یا حروف اول یک نام یا نشان رسمی متعلق به کشور، سازمان‌های بین‌الدولی یا سازمان‌هایی که تحت کنوانسیون‌های بین‌المللی تأسیس شده‌اند را در ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مورد استفاده قرار داد، مگر آنکه توسط مقام صلاحیت‌دار کشور مربوط یا سازمان ذی‌ربط اجازه استفاده از آن صادر شود» (قانون ثبت علائم و اختراعات به نقل از تارنمای دانشگاه فردوسی مشهد).

هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۶۷/۲/۷ بنا به پیشنهاد شماره ۱۵۰۸۴۶ مورخ ۱۳۶۶/۳/۳۱ کمیسیون

فرهنگی هیأت دولت، آیین‌نامه استفاده از آرم جمهوری اسلامی ایران را به شرح زیر تصویب نمودند:

۱- نظر به وجوب احترام به آرم جمهوری اسلامی ایران که بر اساس نظر امام امت مدظله‌العالی لفظ

جلاله می‌باشد استفاده از آرم مزبور صرفاً در پرچم جمهوری اسلامی ایران، تابلوهای

وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و مراکز و نیز سربرگ اسناد رسمی، احکام و مکاتبات رسمی ادارات و

گواهینامه‌ها و موارد مشابه مجاز می‌باشد؛

۲- استفاده از آرم مزبور در اوراق یادداشت‌های غیررسمی و پاکت‌ها و موارد مشابه مجاز نبوده و دستگاه‌ها موظفند از کاغذهای بدون آرم برای یادداشت و پیش‌نویس و موارد مشابه استفاده نمایند؛

۳- شورای ارزشیابی و تعیین علائم مؤسسات نهادها و مراکز دولتی موضوع بخشنامه ۳۴۵۶ مورخ ۱۳۶۶/۲/۸ باید ترتیبی اتخاذ نماید که در علائم اختصاصی مورد استفاده مراکز دولتی آرم جمهوری اسلامی ایران و آیات قرآن حتی الامکان استفاده نشود.

میرحسین موسوی - نخست‌وزیر

(آیین نامه استفاده از آرم جمهوری اسلامی ایران به نقل از تارنمای مرکز پژوهش‌های مجلس).

مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، شرایطی برای پرچم ایران برشمرده است که به جنس و اندازه و مواردی از این دست اشاره می‌کند. استانداردهای مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران به شکل پیوست به این تحقیق اضافه شده است. در برخی موارد بسیار جزئی دیگر از پرچم نام برده شده است که فاقد اهمیت برای ذکر در این تحقیق است، زیرا حاوی دستور العمل یا قانون خاصی نیست. در جمع‌بندی قوانین پرچم در ایران این نکته قابل اشاره است که درباره پرچم نمی‌توان قوانین مدون و روشنی یافت.

#### ۴-۲- مقایسه جایگاه پرچم در ایران با چند کشور دیگر

پیشتر درباره جایگاه اجتماعی و قوانین پرچم در ایران نکاتی ارائه شد، اکنون به مقایسه شرایط کشور ما در این حوزه با چند کشور دیگر می‌پردازیم. به‌طور کلی زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی و سیاسی در هر کشور بر نظام حقوقی و سیستم قانونگذاری یک کشور موثر است. در مورد پرچم نیز چنین بوده و در واقع تحولات تاریخی و گفتمان‌های سیاسی- اجتماعی موثر و ارتباطی که پرچم ملی کشورها با این گفتمان‌های مختلف یافته است، منزلت اجتماعی پرچم را (در کنار سایر نمادهای ملی) در هر کشور تعیین می‌کند. در بخش نظری به طرح این موضوع پرداختیم که در جریان شکل‌گیری دولت مدرن، پرچم و

سایر نمادهای ملی نقشی تازه و مهم یافتند. گرچه شیوه تاسیس و استقرار دولت مدرن در کشورهای مختلف دارای شباهتهایی بوده است، اما طبعاً با توجه به عوامل متعدد مانند پیشینه و سابقه تاریخی، بافت فرهنگی، ساخت اجتماعی (تعداد اقلیت‌های قومی و نژادی و زبانی و مذهبی و ...) و رخدادهای تاریخی، مقطع شکل‌گیری دولت ملی، میان تجربه‌های مختلف تشکیل دولت‌های ملی تفاوت‌هایی هم وجود دارد. طبیعی است که گذشته از نقش و کارکرد اجتماعی و فرهنگی پرچم، میزان و نوع قوانین مربوط به پرچم تابعی از نظام حقوقی حاکم بر کشورهاست. کشورهایی که قانون اساسی مدونی ندارند و دستگاه قضایی آنها عمدتاً بر اساس عرف عمل می‌کند، طبعاً در مورد پرچم هم، چنین رویه‌ای دارند و شیوه استفاده بیش از کشورهای دیگر تابعی از عرف اجتماعی و سیاسی است. در میان این کشورها می‌توان از بریتانیا نام برد که به‌رغم پیشینه طولانی در جهان سیاست و اداره یک امپراتوری بر پایه مستعمرات فراوان، قوانین مصوب چندانی درباره شیوه استفاده از پرچم ندارد و این عرف اجتماعی - سیاسی است که بر نحوه استفاده از پرچم این کشور سایه افکنده است. این به معنای ناچیز انگاشته شدن پرچم ملی در چنین کشورهایی نیست، بلکه بدان معناست که قوانین پرچم در این کشورها در مقایسه با کشورهای دیگر انعطاف‌پذیر است گرچه به هر حال آنها نیز از قوانین خاص خودشان برخوردارند.

برای بررسی تطبیقی، جایگاه اجتماعی - تاریخی و قوانین پرچم در کشورهای فراوانی ملاحظه شد که به چند نمونه زیر اشاره می‌کنیم: آمریکا، انگلستان، ژاپن، و کشور مسلمان و همسایه ما ترکیه. کشور آمریکا در واقع بر اساس قراردادی میان مهاجران به این سرزمین بنیان نهاده شد. شاید یکی از جامع‌ترین آیین‌نامه‌های حقوقی مربوط به پرچم متعلق به آمریکا باشد که حتی درباره چگونگی استفاده از پرچم در جزئیات هم سخن گفته شد است. در مجموعه قوانین ایالات متحده آمریکا (آیین‌نامه حقوقی آمریکا)<sup>۱</sup>

---

۱- United States Code

می توان موارد متعددی در باب پرچم یافت<sup>۱</sup>. در این آیین نامه به موارد متعددی اشاره شده است که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد<sup>۲</sup>:

- چگونگی قسم یاد کردن به پرچم آمریکا؛
  - ایامی که پرچم این کشور باید برافراشته شود؛
  - شیوه بالا بردن و پایین آوردن پرچم؛
  - مکان دقیق استقرار پرچم آمریکا در میان پرچم های ایالات مختلف این کشور؛
  - جهت پرچم و نحوه آویزان شدن آن در وسط یک خیابان؛
  - محل نمایش پرچم هنگام سخنرانی مقامات.
- شاید ضرورتی به ذکر موارد دیگر وجود نداشته باشد، فقط باید اشاره کنیم که در این آیین نامه حتی برای نابود کردن پرچم هایی که دارای مشکل هستند (مثلاً پاره یا سوراخ شده اند) هم ضوابطی تعیین شده است.
- در مجموع در میان این کشورها، آمریکا قوانین و قواعد گسترده تری درباره پرچم دارد. این مسئله حاصل تاریخ و چگونگی تشکیل این کشور است. آمریکا چنان که پیشتر اشاره کردیم به نوعی بر پایه «قرارداد اجتماعی» بنا شده است و بنابراین نیاز مبرم به نمادها و نشان هایی داشته و دارد که این مجموعه متنوع از اقوام و نژادها و ادیان و مذاهب را متحد و منسجم در کنار هم نگاه دارد و شاید از همین روست که نمادهایی مانند پرچم تا این حد در آمریکا مهم تلقی می شود، زیرا پرچم در کنار سایر نمادهای ملی بخشی از رویکرد اجتماعی- فرهنگی کلانی هستند که هدف آن تقویت انسجام ملی و همبستگی گروهی است؛ انسجامی و همبستگی که نه در پیشینه و سرنوشت مشترک صدها ساله بلکه در قراردادها و پیمان های اجتماعی ریشه دارد که با مظاهر و نمادهایی مانند پرچم حمایت می شوند.

---

۱- این آیین نامه در سایت های مختلف از جمله در سایت زیر در دسترس است: Ross Homepage Resources

۲- این موارد تنها بخشی است از آنچه در این آیین نامه آمده می باشد و برای آشنایی با فضای کلی آن ذکر گردیده اند.



گفتیم که سیستم قضایی در انگلستان به جای قانون اساسی مدون و مشخص، به عرف و روال معمول قضایی وابسته است، اما این مانع از آن نشده است که درباره پرچم قوانین و مقررات مشخصی تدوین شود. در این کشور ایامی از سال به عنوان «روز پرچم»<sup>۱</sup> شناخته می شود که بر اساس قوانین موجود، پرچم این کشور باید در اماکن و سازمان های دولتی به احتراز درآید. در وبسایت پارلمان انگلستان می توان قوانین مربوط به پرچم در بریتانیا را یافت<sup>۲</sup>؛ قواعدی که برخی از آنها در حد توصیه هستند. در عین حال در این کشور برای اشخاص و موسسات خصوصی قوانین الزام آوری درباره شیوه استفاده از پرچم وجود ندارد.

در کشورهای دیگر نیز بافت اجتماعی و فرهنگی از اهمیت خاص خود برخوردار است. در ژاپن چنان که می دانیم روحیه ناسیونالیستی و ایدئولوژی ملی گرایی نفوذ و اهمیت زیادی دارد. پرچم ملی ژاپن مظهری از این گرایش ناسیونالیستی است که در برخی گروه های اجتماعی در ژاپن به چشم می خورد و گاه حتی به افراط می گراید. ژاپنی ها هم کم و بیش در این زمینه قوانینی تصویب کرده اند، چنان که در مدارس این کشور معلمان ملزم هستند در مراسم و آیین های مختلف پرچم ملی این کشور را برافراشند و سرود ملی این کشور را بخوانند و به این نمادهای ملی احترام بگذارند و عدم پایبندی به این امر منجر به اخراج آنان خواهد شد که البته در مواردی، اخراج معلمان به دلیل بی اعتنائی به پرچم ملی در عمل اجرا شده و مورد توجه رسانه های بین المللی قرار گرفته است<sup>۳</sup>.

در ترکیه هم پرچم در جریان شکل گیری این کشور پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی با ایدئولوژی ناسیونالیسم گره خورده است و به عنوان نمادی از ترکیه جدید جایگاه خاص خود را یافته است. اگر به قوانین ترکیه رجوع کنیم با بندهایی را در رابطه با پرچم خواهیم یافت. یکی از محققان برجسته مسائل ترکیه بر این نکته تاکید می کند که در گفتمان کمالیستی که از ابتدای تشکیل ترکیه جدید

۱- Flag day

۲- <http://www.parliament.uk/documents/commons/lib/research/briefings/snpc-۰۴۴۷۴.pdf>.

۳- جزئیات یکی از این موارد را می توانید در آدرس زیر بیابید:

[http://articles.cnn.com/۲۰۰۴-۰۵-۰۳/world/japan.patriot\\_۱](http://articles.cnn.com/۲۰۰۴-۰۵-۰۳/world/japan.patriot_۱)

تحت اقدامات کمال مصطفی (آتاتورک) در عرصه اجتماعی- سیاسی ترکیه نقش ایفاء کرده است، همه شهروندان ترکیه، هم به لحاظ قومی و هم ملی، ترک و دارای پیشینه و فرهنگ و تاریخ یکسان تلقی می شوند. حکومت برای خلق این ملت موهوم از ابزارهای مختلف، از راه اقناع یا اجبار، سود جسته است (یاووز، ۱۳۸۹: ۴۳۶). پرچم ملی ترکیه یکی از نمادهای کمالیسم در ترکیه بوده است و در چنین متن و زمینه اجتماعی و سیاسی می توان آنرا درک کرد. در ترکیه هم قوانینی درباره پرچم تعبیه شده است که شامل ضوابطی درباره استفاده از پرچم و متقابلاً محدودیت‌ها و ممنوعیت‌هایی در این مورد است. یکی از این ممنوعیت‌ها در بند هفت این قانون بازتاب یافته است جایی که استفاده احزاب سیاسی، سازمان‌ها، اجتماعات، باشگاه‌ها و جز آن در نمادها و مظاهر و پرچم‌هایشان از پرچم ملی ترکیه ممنوع شده است (تارنمای «پرچم‌های جهان»<sup>۱</sup>).

جدول زیر نشان می دهد که در هر کدام از کشورهای فوق، کدام زمینه اجتماعی- تاریخی و کدام گفتمان سیاسی یا فرهنگی بیشترین تاثیر را بر پرچم ملی داشته است.

جدول ۱- زمینه تاریخی موثر بر پرچم

نام کشور	زمینه تاریخی یا گفتمانی پرچم
آمریکا	تاسیس آمریکا بر پایه نوعی قرارداد اجتماعی
انگلستان	بریتانیا به عنوان یک امپراتوری بزرگ سیستم حقوقی مبتنی بر عرف
ژاپن	ناسیونالیسم تاریخی و سنتی ژاپنی
ترکیه	کمالیسم روای احیای عظمت امپراتوری عثمانی

نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد اصطلاح حقوقی «بی حرمتی به پرچم»<sup>۲</sup> است. این اصطلاح حقوقی که هم در حقوق بین الملل و هم در حقوق داخلی کشورها به کار می رود، به معنای بی احترامی به

۱- Flags Of The World

۲- Flag Desecration

پرچم ملی است که موارد رایج آن آتش زدن یا لگدکوب کردن پرچم یک کشور است. البته در روابط بین‌الملل اگر چه این اصطلاح بسیار رایج است، اما در عمل مکانیسم خاص و قوانین مشخصی برای مجازات خاطیان وجود ندارد و این عمل، یعنی بی‌احترامی مردم یک کشور به پرچم کشور دیگر بیشتر واجد پیام سیاسی است و بارها شاهد بوده‌ایم که گروهی از مردم یک کشور در اعتراض به رفتار کشور دیگری پرچم آن را آتش زده‌اند و با مسئله حقوقی هم مواجه نشده‌اند. حتی اگر در یک کشور ثالث این اتفاق رخ دهد هم معمولاً همین شرایط صادق است. مثلاً اگر اتباع خارجی در یک کشور، پرچم یک کشور ثالث را آتش بزنند باز هم بیشتر معنای سیاسی دارد تا بار حقوقی. اما در داخل مرزهای ملی، پرچم هر کشور از حرمت خاص خود برخوردار است و بی‌احترامی به آن با تبعات خاصی روبرو می‌شود. کشورهای مانند آمریکا و ترکیه و ژاپن در این زمینه قوانین نسبتاً شفاف و محکمی دارند و به آن عمل می‌کنند.

گذشته از موارد فوق مسائل مربوط به پرچم در کشورهای دیگری نیز از نظر گذرانده شد. در مجموع و در یک نگاه مقایسه‌ای و تطبیقی می‌توان به شکل زیر درباره وضعیت پرچم در کشور ما در مقایسه با کشورهای دیگر سخن گفت:

۱- جایگاه اجتماعی پرچم در کشور ما در مقایسه با کشورهای فوق نازل‌تر است. البته از آنجا که هیچ تحقیق قابل استنادی در کشورمان انجام نشده است، شاید اثبات این ادعا به آسانی ممکن نباشد، اما نگاهی به مراسم و آیین‌های دولتی و سینما و تلویزیون کشور نشان می‌دهد حتی در سطوح رسمی هم اهمیتی در خور پرچم کشورمان به این نماد ملی داده نمی‌شود. در عین حال در مراسم و آیین‌های غیررسمی و غیردولتی که عمدتاً خبری از پرچم کشور نیست. می‌توان دلایل مختلفی برای این مسئله بر شمرد که مهم‌ترین آن، عدم آشنایی مردم با پرچم کشور و معانی ملی و مذهبی سمبل‌های به کار رفته در آن است. در چنین شرایطی حتی اگر از پرچم ایران به شکل منظم و به حد کافی در مراسم رسمی کشور استفاده شود باز هم در جایگاه

اجتماعی آن تغییر اساسی ایجاد نخواهد شد، زیرا پرچم باید در جایگاه یک نماد ملی و میهنی فراگیر که باورها و سنت‌های آنها را بازتاب می‌دهد نزد افکار عمومی پذیرفته شود.

نگاهی به کتب درسی نشان می‌دهد که پرچم ایران در این کتاب‌ها به درستی معرفی نشده است. البته به ندرت در برخی کتاب‌های درسی پرچم ایران در حد اصل هجدهم قانون اساسی و با اشاره‌ای بسیار مختصر به رنگ‌ها و نمادهای موجود در آن معرفی شده است، اما جای آن هست که این موضوع به شکل جدی‌تر و البته جذاب‌تری به دانش‌آموزان معرفی شود. کتب درسی شامل بخش‌هایی هستند که به عنوان اطلاعات عمومی ارائه شده و در امتحان سئوالی از آن طرح نمی‌شود. می‌توان در این بخش (یا جاهای دیگر) به شکلی جذاب و با روایتی شیرین پرچم ایران و تاریخچه‌ای از آن و تفسیری جامع و مناسب از رنگ‌ها و طرح‌ها و نمادهای موجود در آن ارائه کرد به شکلی که برای دانش‌آموزان جذاب باشد و به این ترتیب در ذهن آنان نقش ببندد. برای این کار، طبعاً باید تفسیری جامع از رنگ‌ها و طرح‌ها و نمادهای موجود در پرچم ایران ارائه کرد که وجوه مختلف تاریخی و فرهنگی و مذهبی و میهنی آن را در بر گیرد.

۲- بخشی از قوانین مربوط به پرچم به شکل طبیعی در همه کشورها مصوب شده است؛ مثلاً رنگ و طرح و شکل پرچم که در کشور ما در اصل هجدهم قانون اساسی ذکر شده است. در موارد دیگری هم استفاده از پرچم در همه‌جای جهان از جمله در کشور ما معمول است؛ مثلاً در نیروهای نظامی در همه‌جای جهان اغلب پرچم ملی محور برخی از آیین‌هاست که کشور ما هم از این قاعده مستثنی نیست.

در برخی مناسبات بین‌المللی، قواعد بین‌المللی استفاده از پرچم کشور را ضروری می‌سازد که طبعاً کشور ما هم از این قواعد پیروی می‌کند؛ برای نمونه برای حرکت کشتی‌ها در آب‌های بین‌المللی قواعدی از جمله به احتراز در آوردن پرچم کشور متبوع وجود دارد. در مواردی هم استفاده از پرچم امری چنان بدیهی است که شاید نیاز به یادآوری هم نداشته باشد. مسابقات ورزشی بین‌المللی از آن جمله است. هر کشوری در مسابقات جهانی و المپیک و سایر

رقابت‌های بین‌المللی با هدف برافراشته‌شدن پرچم ملی خود شرکت می‌کند و بخشی از آیین‌های افتتاحیه، اختتامیه و توزیع مدال و غیره با محوریت پرچم ملی کشورها صورت می‌گیرد.

مطالب بالا ممکن است بسیار بدیهی و بنابراین ذکر آن غیر ضروری به نظر آید، اما این نکات را از آن رو بیان کردیم که به اختصار به روشن شدن این مطلب کمک کنیم که استفاده از پرچم کشور ما در برخی مراسم و رخدادها بیانگر منزلت اجتماعی پرچم ایران و یا مهم بودن آن برای مردم و مسئولین نیست، بلکه تنها از قوانین و یا عرف بین‌المللی تاثیر می‌پذیرد و بنابراین چنین مواردی را نمی‌توان و نباید به منزله منزلت اجتماعی پرچم در کشور ما به‌شمار آورد.

### مقایسه قوانین پرچم در ایران با چند کشور دیگر

اما اکنون باید به طرح این سؤال بپردازیم که قوانین پرچم در ایران با کشورهای دیگر چه تفاوتی دارد؟ اولین نکته‌ای که می‌توان به آن اشاره کرد عدم اشاره به «روزهای پرچم»<sup>۱</sup> در قوانین کشور است. در بسیاری از کشورها روزهای پرچم مشخص است و نهادهای دولتی و حکومتی موظف به برافراشتن پرچم طی مراسم رسمی هستند. با آنکه در کشور ما چنین قانونی وجود ندارد، با این همه، در عمل در بیشتر مراسم و آیین‌ها از پرچم کشور استفاده می‌شود. شاید در این بخش، مشکل در استفاده نامنظم و نداشتن وحدت رویه باشد.

ضوابط تعیین‌شده برای مشخصات فیزیکی پرچم در ایران هم با کشورهای دیگر سهل‌گیرانه‌تر است. البته مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران در زمینه جنس و اندازه و سایر ویژگی‌های فیزیکی پرچم ایران، استانداردهایی را تعیین کرده است که تا حدی مشابه کشورهای دیگر است و فقط شاید بتوان گفت که در کشورهای دیگر این قواعد با جزئیات بیشتری بیان شده است و شامل حوزه‌های

---

۱- روزهای مهم و خاصی از سال که مراسم و مناسک ویژه‌ای در آن روزها برگزار می‌شود و افراشته‌شدن پرچم ملی الزامی است

وسیع‌تری می‌شود؛ مثلاً نحوه بالا بردن و پایین آوردن پرچم و یا چگونگی امحای پرچم‌های آسیب‌دیده و جز آن. با این همه به نظر می‌آید در این زمینه با خلاء قانونی عمده‌ای روبرو نیستیم و تنها رعایت ضوابط و وحدت رویه در مراسم رسمی ضروری است.

یکی از تفاوت‌های دیگر در این است که در ایران، برخلاف بعضی کشورهای دیگر، جرمی به نام بی‌حرمتی به پرچم تعریف نشده است. خوشبختانه تاکنون شاهد بی‌احترامی به پرچم ایران در داخل کشور نبوده‌ایم و حتی گروه‌های معارض تجزیه‌طلب و نظایر آن نیز به چنین اعمالی روی نیاورده‌اند و بدین ترتیب شاید مجازات‌های مشخص در این بخش همانند برخی کشورهای دیگر ضرورتی نداشته باشد و حتی وضع مجازات علیه جرمی که تاکنون زمینه‌ای برای انجام آن وجود نداشته است، تحریک‌آمیز و دردسر ساز جلوه کند.

مهم‌ترین نکته در بحث قوانین پرچم در ایران عدم ممنوعیت و محدودیت برای استفاده احزاب، باشگاه‌ها و انجمن‌ها از پرچم به عنوان نماد آنهاست. در یکی از قوانین مصوب مجلس که پیشتر به آن اشاره شد آمده است که: «نمی‌توان عین یا تقلید نشان نظامی، پرچم، یا سایر نشان‌های مملکتی ... را در ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مورد استفاده قرار داد، مگر آنکه توسط مقام صلاحیت‌دار کشور مربوط یا سازمان ذی‌ربط اجازه استفاده از آن صادر شود». این قانون گذشته از مشروط بودن آن، مسئله پیش‌گفته را حل نمی‌کند. استفاده احزاب و انجمن‌ها از پرچم کشور امری شایسته است، اما اگر مثلاً طرفداران یک تیم ورزشی پرچم ایران را به عنوان نماد خود به ورزشگاه بیاورند و آن‌را در متن منازعه با تیم‌های رقیب به کار گیرند، آیا این به شأن پرچم کشور ضربه نمی‌زند؟ آیا این رفتار، در طرفداران تیم‌های رقیب واکنش ایجاد نمی‌کند؟ در عرصه سیاست، این مسئله بیشتر بحث‌برانگیز است و تبعات بیشتری به دنبال دارد. باز هم باید تکرار کنیم که استفاده از پرچم کشور از سوی احزاب سیاسی در مجالس و محافل آنها امری طبیعی و مثبت است، اما کاربرد آن به عنوان نماد یک حزب یا جریان سیاسی قابل قبول نیست؛ زیرا پرچم را که باید نمادی فراگیر برای همه ملت باشد وارد منازعه سیاسی مقطعی می‌کند و خواسته یا ناخواسته از اعتبار آن می‌کاهد. این مسئله‌ای انتزاعی یا صرفاً

منطقی و تحلیلی نیست بلکه در سال‌های اخیر در کشورمان نمونه‌هایی از آن مشاهده شده است. بنابراین بیراه نیست اگر پیشنهاد شود که در عین تاکید بر لزوم توجه احزاب و انجمن‌ها و باشگاه‌ها به پرچم ایران، این نهادها از استفاده از پرچم به عنوان نماد و نشانه خاص خود خودداری کنند و به‌ویژه پرچم ایران را که باید نماد همبستگی همه ملت ایران باشد وارد منازعات سیاسی نکنند. به نظر می‌رسد در این زمینه به شکل جدی نیاز به قانونگذاری و وضع محدودیت‌هایی است که مانع از استفاده گروه‌ها و احزاب از پرچم ایران به عنوان نمادشان شود.

#### ۴-۳- جایگاه پرچم در ایران از منظر برخی کارشناسان

در این تحقیق مطابق طرح اولیه تحقیق، به نظرخواهی از محققان، کارشناسان و اساتید در حوزه‌های مرتبط پرداختیم تا در تحلیل نهایی از آراء آنان استفاده کنیم. حدود ۲۰ نفر از کارشناسان فوق به سئوالات ما به شکل کتبی و یا شفاهی پاسخ دادند که آراء آنان می‌تواند در محورهای زیر جمع‌بندی و ارائه کرد:

- تقریباً همه مصاحبه‌شوندگان بر اهمیت پرچم به عنوان نماد ملی توافق داشتند و کارکردهایی مانند انسجام بخشی، تقویت حس هویت ملی و تعلق به میهن، پوشش دادن هویت‌های متکثر درون جامعه برای این نماد ملی قائل بودند؛
- در پاسخ به این سؤال که پرچم ایران تا چه حد توانسته است برآورده‌کننده اهداف فوق باشد، پاسخگویان چندان خوشبین نبودند. به نظر بیشتر پاسخگویان، پرچم ایران در جایگاه واقعی یک نماد ملی قرار ندارد و نمی‌تواند کارکردهای مورد نظر را به‌خوبی انجام داده و انتظارات را برآورده کند. در تحلیل علت این امر، کارشناسان فوق مواردی را برشمرده‌اند؛ یکی از مهم‌ترین نکاتی که به آن اشاره شده است عدم ارائه تصویری جامع و فراگیر از پرچم ایران است. پرچم کشور قرار است برای همه ملت ایران از اقوام و زبان‌ها و مذاهب و مناطق گوناگون به عنوان یک نماد ملی معنادار و خاطره برانگیز باشد. لازمه این امر آن است که تفسیر و قرائتی چنان فراگیر و

همه جانبه و وحدت آفرین از پرچم ارائه شود که آحاد ملت ایران آن را به عنوان نماد و سمبل خود تلقی کنند. برای این کار باید هر دو وجه ملی و مذهبی پرچم ایران مورد تاکید قرار گیرد و به مردم معرفی شود؛

- نکته دیگری که مورد اجماع پاسخگویان بود، پرهیز از سیاسی کردن پرچم کشور است. گرچه در یک معنای کلی پرچم هر کشور به عنوان نماد یک ملت به هر حال جنبه سیاسی دارد، اما نباید با استفاده از پرچم کشور به عنوان نماد یک حزب یا گروه یا تفکر، از شمول و عمومیت آن کاست؛

- در پاسخ به این سؤال که احساس شخصی شما در مواجهه با پرچم ایران چیست؟ برخی از پاسخگویان اظهار بی تفاوتی کردند و برخی تا حدی احساس تعلق خاطر به پرچم ایران می کردند. پاسخ های ارائه شده نشان می دهد که پرچم کشور حتی در میان کسانی که خود به اهمیت و کارکرد نمادهای ملی از جمله پرچم واقف هستند نیز جایگاه شایسته و بایسته را ندارد؛

- پاسخگویان جملگی شیوه استفاده از پرچم در نهادها و سازمان های دولتی را آشفته و نامنظم و توأم با بی احترامی می دانستند؛

- پاسخگویان اعتقاد داشتند تقویت جایگاه پرچم در ایران یک ضرورت است و باید با روش های مناسب و دقیق برای دستیابی به این هدف تلاش کرد؛

- به نظر کارشناسان فوق، نظام آموزشی می تواند نقش اساسی در این امر داشته باشد، اما این کار را باید به شکل جامع و هدفمند و با تاکید بر همه ابعاد نمادهای ملی انجام دهد و از تفاسیر یک سوئی و تنگ نظرانه پرهیز کند؛

- بیشتر پاسخگویان ضرورتی برای قانونگذاری درباره پرچم نمی دیدند و حتی آن را نقض غرض تلقی می کردند که حتی ممکن است به تضعیف جایگاه پرچم بینجامد؛

- تنها حوزه ای که برخی کارشناسان اظهار کرده اند که قانونگذاری در آن مورد ممکن است تبعات مثبتی داشته باشد، مسئله حفظ حرمت پرچم ایران است.



#### ۴-۴- جمع بندی

با مقایسه جایگاه اجتماعی پرچم در ایران با چند کشور دیگر به این نتیجه رسیدیم که گرچه درباره جایگاه و نقش اجتماعی پرچم در کشورمان تحقیق یا نظرسنجی قابل استنادی انجام نشده است، اما از مجموعه شواهد و قرائن و نیز با توجه به پاسخ‌های کارشناسان می‌توان به این نتیجه رسید که جایگاه اجتماعی پرچم در ایران نه تنها مطلوب نیست بلکه فاصله زیادی با سطح مورد انتظار دارد.

استفاده از پرچم در نهادهای دلتی تا حدی با آنچه در جهان انجام می‌شود مشابهت دارد با این تفاوت که در کشور ما در استفاده از پرچم در مراسم مختلف هیچ قاعده و نظمی وجود ندارد و در بیشتر مواقع، استفاده از پرچم با ناهماهنگی و آشفتگی و بی‌نظمی همراه است و این شکل از استفاده نه تنها در شأن این نماد ملی نیست بلکه به تضعیف آن هم می‌انجامد.

در مباحث حقوقی پرچم، چند نکته اساسی وجود داشت. اول اینکه در قانون اساسی و قوانین عادی چندین بار از پرچم یاد شده است. اصل هجدهم قانون اساسی به پرچم اختصاص یافته است و مشخصات پرچم در آن آمده است. در برخی موارد دیگر، الزامات حقوق بین‌الملل تصویب قوانینی برای پرچم را ضروری می‌کرده است؛ مانند کشتیرانی در آب‌های بین‌المللی.

مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران بر اساس وظیفه‌ای که بر عهده داشته، مشخصات هندسی و فنی پرچم جمهوری اسلامی ایران را ذکر کرده است و بنابراین همچون سایر نقاط دنیا، ویژگی‌های فنی و هندسی پرچم ایران روشن است؛ اگر چه شاید در مواردی رعایت نمی‌شود.

در غیر این موارد، مهم‌ترین قانونی که در ارتباط با پرچم در ایران وجود دارد، یکی از قوانین مصوب مجلس است که مطابق آن نمی‌توان عین یا تقلید نشان پرچم را در ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مورد استفاده قرار داد.

در مجموع، به نظر می‌رسد که مهم‌ترین اولویتی که می‌تواند در قانونگذاری برای پرچم مورد نظر باشد (و مورد اشاره کارشناسان هم بود) حفظ حرمت پرچم است. در کشور ما، با در نظر گرفتن همه

جوانب، وضع محدودیت‌هایی برای استفاده احزاب و گروه‌های سیاسی و حتی غیرسیاسی از پرچم کشور به عنوان نماد این گروه‌ها ضروری به نظر می‌رسد. این ممنوعیت یا محدودیت باید با این هدف انجام شود که استفاده یک گروه از پرچم به عنوان نماد خاص این گروه در رقابت با گروه رقیب (حالا چه این رقابت سیاسی باشد و چه مثلاً ورزشی) پرچم کشور را در معرض رقابت‌ها و چالش‌ها و تنش‌های معمول چنین رقابت‌هایی قرار ندهد.

در نهایت، می‌توان پیشنهادات زیر را برای تثبیت جایگاه اجتماعی و حقوقی پرچم ایران ارائه کرد:

- تلاش شود تا رسانه‌های رسمی کشور به شکل مناسبی برای پرچم ایران تبلیغ کنند؛
- در هر گونه تبلیغ یا بحث از پرچم ایران بر هر دو وجه ملی و مذهبی مستتر در پرچم ایران تاکید شود تا از هر گونه نگاه تک‌بعدی که جایگاه پرچم کشور را تضعیف می‌کند اجتناب شود؛
- سیستم آموزشی کشور نقش بسیار مهمی در تثبیت جایگاه نمادها و نشانه‌های ملی و انتقال ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی دارد. یکی از ابزارهای سیستم آموزشی در این جهت کتاب‌های درسی است که باید به شکل سنجیده و دقیق، به طرح موضوع پرچم پردازند. آنچه اکنون در کتاب‌های درسی وجود دارد نمی‌تواند به همدلی و همراهی دانش‌آموزان بینجامد. باید با ارائه جذاب و دلنشین تاریخچه پرچم در ایران و جهان و ذکر اهمیت آن و ریشه‌های فرهنگی و تاریخی و دینی و ملی پرچم ایران این موضوع را در ذهن و ضمیر دانش‌آموزان جا انداخت. امروزه در همه منابع آموزش و پرورش تاکید می‌شود که قالب و فرم ارائه مطلب به اندازه محتوای آن مهم است، بنابراین در مسئله پرچم هم قالب و شیوه ارائه مطلب اهمیت خاص خود را دارد که البته این موضوع قابلیت پرداخت جذاب را هم دارد مثلاً می‌توان از تصاویر و نقش‌های قدیمی و جدید و عبارات و اشعار مربوط به پرچم در متون قدیمی و ... بهره برد.
- در آثار هنری به‌ویژه در سینما و تلویزیون باید به شکل هنرمندانه و غیرمستقیم برای پرچم ایران تبلیغ شود. طبعاً نمی‌توان تهیه‌کنندگان و کارگردانان را ملزم به استفاده از پرچم ایران در آثارشان کرد و در ضمن استفاده مکرر و بی‌مورد در فیلم‌ها و سریال‌ها و برنامه‌های تلویزیونی

به دلزدگی تماشاگر منجر خواهد شد، اما آنجایی که زمینه لازم وجود دارد می‌توان با استفاده هنرمندانه و تبلیغ سنجیده (به‌ویژه تبلیغ غیرمستقیم) بر افکار عمومی تاثیر گذاشت. این موضوعی است که در آثار خارجی، نمونه‌های مشابه یادی دارد؛

- برگزاری مسابقات هنری با موضوع پرچم ایران می‌تواند گام موثر دیگری باشد که توجه و حساسیت افکار عمومی نسبت به پرچم ایران را برانگیزد. مثلاً اگر برای نمایشگاه عکسی با موضوع پرچم ایران یا موضوعی محدودتر و مشخص‌تر (مثلاً پرچم در عرصه عمومی جامعه ایران) فراخوان سراسری (یا دانشجویی) داده شود و آنگاه آثار برگزیده از رسانه‌های عمومی به مردم معرفی شوند، می‌تواند بسیار تاثیرگذار باشد؛

- یکی از اقدامات مفیدی که می‌توان برای سنجش جایگاه پرچم در میان مردم ایران انجام داد این است که در پیمایش‌های سراسری که در دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی یا مراکز دیگر انجام می‌شود گویه‌هایی در ارتباط با پرچم گنجانده شود تا بتوان به ارزیابی دقیق‌تری از جایگاه پرچم در میان مردم دست یافت؛

- تدوین آیین‌نامه‌ای که مقررات و ضوابط استفاده از پرچم در ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی را به شکل دقیق بیان کند، پیشنهاد دیگری است که می‌توان برای ارتقاء جایگاه پرچم ارائه کرد. در شرایط فعلی استفاده نهادهای دولتی از پرچم توأم با بی‌نظمی، آشفتگی و حتی بی‌توجهی است. تدوین چنین آیین‌نامه‌ای ضمن آنکه به این وضع خاتمه می‌دهد، نوعی یکدستی و هماهنگی در نحوه استفاده از پرچم میان نهادهای گوناگون ایجاد می‌کند؛

- مهم‌ترین مسئله‌ای که در حوزه قانونگذاری شایسته توجه است، دور نگاه داشتن پرچم از عرصه‌هایی است که این نماد ملی را موضوع مناقشه قرار می‌دهد. برای برآورده ساختن این هدف به قوانینی نیاز داریم که مانع از استفاده از پرچم کشور به‌عنوان نماد ویژه یک گروه مشخص در رقابت با گروه‌های دیگر (در حوزه‌های مختلف اعم از ورزشی و سیاسی و غیره) شود.

SCCcr.ir

SCCcr.ir

فصل پنجم

نتیجه گیری و ارائه راهکارها

پرچم به عنوان یک نماد ملی در جهان امروز از اهمیت خاص خود برخوردار است، اگر چه نمادهایی مانند پرچم در همه تاریخ نقش ایفاء می کرده‌اند اما در عصر جدید و به واسطه تشکیل دولت-ملت‌ها آنها جایگاه و کارکردی جدید و اهمیتی مضاعف یافته‌اند.

بیشتر نوشته‌های مربوط به پرچم در ایران، این نماد ملی را از زاویه‌ای تاریخی بررسی کرده‌اند، از جمله نویسندگان مشهوری مانند سعید نفیسی، مجتبی مینوی، ذبیح‌الله صفا، آرتور کریستین سن و احمد کسروی. در سال‌های اخیر که دایره‌المعارف نویسی در ایران رونق یافته است، مدخل پرچم هم در این دایره‌المعارف‌ها جایی یافته است و از قضا مباحث مربوط به پرچم در این دایره‌المعارف‌ها در مقایسه با آثار پیشین از کیفیت نسبتاً خوبی برخوردار است. در مجموع می‌توان گفت که پرچم در ایران و اسلام جایگاه خاصی داشته است. در ایران پیش از اسلام، اشکال مختلفی از پرچم، به ویژه در جنگ‌ها، به کار می‌رفته است که رنگ‌ها و طرح‌های موجود در آنها بازتاب‌دهنده اسطوره‌ها و نمادهای رایج در آن دوره بوده است. در ایران دوره اسلامی، رنگ‌ها و طرح‌هایی با معانی دینی و مذهبی به پرچم‌ها افزوده شده و یا اینکه از همان رنگ‌ها و طرح‌های موجود، تعبیر دینی شده است. پرچم در صدر اسلام هم اهمیت خاص خود را داشت و در بسیاری از غزوات و حوادث صدر اسلام به کار می‌رفت و کارکردهای مختلفی از منسجم کردن سپاه تا امان دادن به دشمنان را انجام می‌داد.

از جنبه نظری، پرچم در عصر جدید و در زمانه ما به مفهوم دولت ملی گره خورده است. دو نظریه رایج در باب دولت - ملت وجود دارد: نظریه‌های کهن گرا و نظریه‌های کهن گرا و نظریه‌های نوگرا. در هر دو نظریه می‌توان جایگاه و اهمیت پرچم را انکارناپذیر تلقی کرد اما به ویژه در نظریه نوگرا که امروزه نظریه غالب است و دولت-ملت‌ها را برساخته‌هایی تاریخی و نه دارای ریشه‌های کهن می‌داند، نمادهای ملی از جمله پرچم کارکرد انسجام‌بخشی و هویت‌آفرینی و خلق معناها را مشترک و تاکید بر گذشته یکسان را بر عهده می‌گیرند یعنی همان اموری که برای دولت-ملت‌ها سخت چالش‌برانگیز و دردسرساز است.

موفقیت نمادهای ملی البته ضروری و قطعی نیست. عوامل مختلفی بر اثرگذاری این نمادها موثر است. در مورد پرچم این اثرگذاری وقتی حاصل می‌شود که پرچم هر کشور با پیشینه تاریخی و فرهنگی مردمان آن سرزمین بیشترین سازگاری را داشته باشد و مهم‌تر از آن تفسیری موسع و فراگیر از رنگ‌ها و طرح‌های موجود در آن ارائه شود به گونه‌ای که همه مردمان یک سرزمین از اقوام و مذاهب و نژادها و مناطق گوناگون با آن احساس همدلی کنند. این نکته درباره پرچم ایران صادق است و این پرچم و رنگ‌ها و طرح‌های موجود در آن با بافت تاریخی و زمینه فرهنگی ایرانیان به نسبت زیادی سازگار است، اما این به تنهایی کافی نیست، مهم آن است که این پرچم در متن یک گفتمان جامع به مردم معرفی شود و بر وجوه مختلف تاریخی و فرهنگی و ملی و دینی نهفته در آن تاکید شود تا با بیشترین اقبال از سوی افکار عمومی مواجه شود و به بهترین شکل کارکردهای انسجام بخشی و هویت آفرینی را محقق و احساس تعلق به تاریخ و فرهنگ و سرنوشت مشترک را در میان بیشترین تعداد از مردم برانگیزد.

پرچم ایران هم از جنبه اجتماعی و هم به لحاظ حقوقی با چند کشور دیگر مقایسه شد. این مقایسه نشان داد که از هر دو جنبه اندکی بی‌توجهی به پرچم به چشم می‌خورد. البته نباید کارکردهای اغراق آمیز و غیرواقعی از پرچم انتظار داشت. مقایسه ما با آمریکا، انگلستان، ژاپن و ترکیه نشان داد که: اولاً جایگاه اجتماعی و قوانین پرچم در کشورهای یاد شده بر حسب زمینه تاریخی و فرهنگی و سیستم حقوقی خاص آنها تفاوت دارد و ثانیاً چه از جنبه حقوقی و چه از جنبه جایگاه اجتماعی پرچم در کشورهای یاد شده در وضعیت بهتری نسبت به کشور ما قرار دارد.

قوانین جدی مربوط به پرچم در کشور ما به اصل هجدهم قانون اساسی و یک قانون مصوب مجلس محدود می‌شود. مهمترین خلا قانونی که در کشور ما وجود دارد سکوت قانون در برابر استفاده یک گروه از پرچم کشور به عنوان نماد خاص آنها در رقابت داخلی با گروه‌های دیگر در کشور است؛ حال چه این رقابت سیاسی باشد و یک حزب از پرچم ایران به عنوان نماد خود در رقابت با احزاب دیگر استفاده کند و چه این مساله ورزشی باشد و یک تیم ورزشی چنین عملی انجام دهد، در هر کدام از این حالت‌ها ورود پرچم به رقابت میان بخش‌هایی از جامعه سخت چالش برانگیز خواهد بود. طبعاً این با

استفاده گروه‌های اجتماعی مختلف از پرچم کشور در مراسم و مجالس و آیین‌هایشان که امری شایسته و ضروری است، تفاوت دارد. آنچه که قابل قبول نیست ورود پرچم به عنوان نماد یک گروه از مردم در رقابت با گروهی دیگر از مردم کشورمان است. جالب آنکه مطابق یکی از مصوبات مجلس، حتی تقلید از پرچم ایران در علائم تجاری و ثبت شرکت‌ها و ... ممنوع است، اما در عمل محدودیتی برای استفاده از خود پرچم در عرصه‌های سیاسی ورزشی و ... به عنوان نماد یک گروه وجود نداشته است!

همچنین در ارتباط با قوانین و مقررات مربوط به پرچم تشکیل یک هیات یا کمیته متشکل از صاحب نظران متخصص در رشته‌های علوم انسانی از جمله حوزه‌های سیاست، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، تاریخ، جغرافیا، باستان‌شناسی، زبان‌شناسی، هنر، علمای دین، حقوق و سایر حوزه‌هایی که به نحوی به موضوع پرچم مرتبط هستند جهت تدوین یک قانون جامع و مناسب برای طراحی و تدوین نحوه استفاده، تعیین روزهای خاص، جرایم سوء استفاده و اهانت به پرچم و ... به منظور ارائه به هیات دولت برای طی روند قانونی و تصویب آن، ضروری به نظر می‌رسد.

نکته دیگر در مورد پرچم ایران، استفاده بی‌نظم و ترتیب و دلخواهانه نهادهای دولتی از آن است که تصویب آیین‌نامه‌ای ساده و معمولی می‌تواند به این موضوع خاتمه دهد.

با مقایسه جایگاه اجتماعی پرچم در ایران با چند کشور دیگر به این نتیجه رسیدیم که گرچه درباره جایگاه و نقش اجتماعی پرچم در کشورمان تحقیق یا نظرسنجی قابل استنادی انجام نشده است اما از مجموعه شواهد و قرائن و نیز با توجه به پاسخ‌های کارشناسان می‌توان به این نتیجه رسید که جایگاه اجتماعی پرچم در ایران نه تنها مطلوب نیست بلکه فاصله زیادی با سطح مورد انتظار دارد.

استفاده از پرچم در نهادهای دلتی تا حدی با آنچه در جهان انجام می‌شود مشابهت دارد با این تفاوت که در کشور ما در استفاده از پرچم در مراسم مختلف هیچ قاعده و نظمی وجود ندارد و در بیشتر مواقع، استفاده از پرچم با ناهماهنگی و آشفتگی و بی‌نظمی همراه است و این شکل از استفاده نه تنها در شان این نماد ملی نیست بلکه به تضعیف آن هم می‌انجامد.



در مباحث حقوقی پرچم، چند نکته اساسی وجود داشت. اول اینکه در قانون اساسی و قوانین عادی چندین بار از پرچم یاد شده است. اصل هجدهم قانون اساسی به پرچم اختصاص یافته است و مشخصات پرچم در آن آمده است. در برخی موارد دیگر، الزامات حقوق بین‌الملل تصویب قوانینی برای پرچم را ضروری می‌کرده است مانند کشتیرانی در آب‌های بین‌المللی.

مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران بر اساس وظیفه‌ای که بر عهده داشته، مشخصات هندسی و فنی پرچم جمهوری اسلامی ایران را ذکر کرده است و بنابراین همچون سایر نقاط دنیا، ویژگی‌های فنی و هندسی پرچم ایران روشن است اگر چه شاید در مواردی رعایت نمی‌شود.

در غیر این موارد، مهمترین قانونی که در ارتباط با پرچم در ایران وجود دارد، یکی از قوانین مصوب مجلس است که مطابق آن نمی‌توان عین یا تقلید نشان پرچم را در ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مورد استفاده قرار داد.

در مجموع، به نظر می‌رسد که مهم‌ترین اولویتی که می‌تواند در قانونگذاری برای پرچم مورد نظر باشد (و مورد اشاره کارشناسان هم بود) حفظ حرمت پرچم است. در کشور ما، با در نظر گرفتن همه جوانب، وضع محدودیت‌هایی برای استفاده احزاب و گروه‌های سیاسی و حتی غیر سیاسی از پرچم کشور به‌عنوان نماد این گروه‌ها ضروری به نظر می‌رسد. این ممنوعیت یا محدودیت باید با این هدف انجام شود که استفاده یک گروه از پرچم به‌عنوان نماد خاص این گروه در رقابت با گروه رقیب (حالا چه این رقابت سیاسی باشد و چه مثلاً ورزشی) پرچم کشور را در معرض رقابت‌ها و چالش‌ها و تنش‌های معمول چنین رقابت‌هایی قرار ندهد.

در نهایت، می‌توان راهکارها و پیشنهادات زیر را برای تثبیت جایگاه اجتماعی و حقوقی پرچم ایران

ارائه کرد:

- تلاش شود تا رسانه‌های رسمی کشور به شکل مناسبی برای پرچم ایران تبلیغ کنند (نهادهایی

مانند صدا و سیما و رسانه‌های دولتی دیگر می‌توانند مخاطب این پیشنهاد باشند).

- در هر گونه تبلیغ یا بحث از پرچم ایران بر هر دو وجه ملی و مذهبی مستتر در پرچم ایران تاکید شود تا از هر گونه نگاه تک بعدی که جایگاه پرچم کشور را تضعیف می کند اجتناب شود (این موضوع باید مورد توجه همه از رسانه ها بویژه رسانه های رسمی گرفته تا آموزش و پرورش و سازمان تبلیغات و سایر نهادهای مربوطه باشد).

- سیستم آموزشی کشور نقش بسیار مهمی در تثبیت جایگاه نمادها و نشانه های ملی و انتقال ارزش ها و هنجارهای اجتماعی دارد. یکی از ابزارهای سیستم آموزشی در این جهت کتاب های درسی است که باید به شکل سنجیده و دقیق، به طرح موضوع پرچم پردازند. آنچه اکنون در کتاب های درسی وجود دارد نمی تواند به همدلی و همراهی دانش آموزان بینجامد. باید با ارائه جذاب و دلنشین تاریخچه پرچم در ایران و جهان و ذکر اهمیت آن و ریشه های فرهنگی و تاریخی و دینی و ملی پرچم ایران این موضوع را در ذهن و ضمیر دانش آموزان جا انداخت. امروزه در همه منابع آموزش و پرورش تاکید می شود که قالب و فرم ارائه مطلب به اندازه محتوای آن مهم است، بنابراین در مساله پرچم هم قالب و شیوه ارائه مطلب اهمیت خاص خود را دارد که البته این موضوع قابلیت پرداخت جذاب را هم دارد مثلاً می توان از تصاویر و نقش های قدیمی و جدید و عبارات و اشعار مربوط به پرچم در متون قدیمی و ... بهره برد (مخاطب این بخش بیشتر وزارت آموزش و پرورش و به نسبت کمتری وزارت علوم، فن آوری و تحقیقات است).

- در آثار هنری به ویژه در سینما و تلویزیون باید به شکل هنرمندانه و غیرمستقیم برای پرچم ایران تبلیغ شود. طبعاً نمی توان تهیه کنندگان و کارگردانان را ملزم به استفاده از پرچم ایران در آثارشان کرد و در ضمن استفاده مکرر و بی مورد در فیلم ها و سریال ها و برنامه های تلویزیونی به دلزدگی تماشاگر منجر خواهد شد، اما آنجایی که زمینه لازم وجود دارد می توان با استفاده هنرمندانه و تبلیغ سنجیده (به ویژه تبلیغ غیرمستقیم) بر افکار عمومی تاثیر گذاشت. این موضوعی است که در آثار خارجی، نمونه های مشابه زیادی دارد (این پیشنهاد می تواند مورد استفاده صدا و سیما و سایر

نهادهای فرهنگی از جمله وزارت ارشاد باشد و نهادهای زیر نظر آن مثلاً بنیاد سینمایی فارابی باشد).

- برگزاری مسابقات هنری با موضوع پرچم ایران می‌تواند گام موثر دیگری باشد که توجه و حساسیت افکار عمومی نسبت به پرچم ایران را برانگیزد. مثلاً اگر برای نمایگاه عکسی با موضوع پرچم ایران یا موضوعی محدودتر و مشخص‌تر (مثلاً پرچم در عرصه عمومی جامعه ایران) فراخوان سراسری (یا دانشجویی) داده شود و آنگاه آثار برگزیده از رسانه‌های عمومی به مردم معرفی شوند می‌تواند بسیار تاثیرگذار باشد (این پیشنهاد می‌تواند مخاطبان زیادی داشته باشد و به نوعی همه نهادهای فرهنگی و آموزشی از وزارتخانه‌های علوم و آموزش و پرورش و ارشاد تا صدا و سیما و سازمان تبلیغات و سایر موسسات فرهنگی دولتی را شامل شود).

- یکی از اقدامات مفیدی که می‌توان برای سنجش جایگاه پرچم در میان مردم ایران انجام داد این است که در پیمایش‌های سراسری که در دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی یا مراکز دیگر انجام می‌شود گویه‌هایی در ارتباط با پرچم گنجانده شود تا بتوان به ارزیابی دقیق‌تری از جایگاه پرچم در میان مردم دست یافت.

- تدوین آیین‌نامه‌ای که مقررات و ضوابط استفاده از پرچم در ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی را به شکل دقیق بیان کند، پیشنهاد دیگری است که می‌توان برای ارتقاء جایگاه پرچم ارائه کرد. در شرایط فعلی استفاده نهادهای دولتی از پرچم توأم با بی‌نظمی آشفتگی و حتی بی‌توجهی است. تدوین چنین آیین‌نامه‌ای ضمن آنکه به این وضع خاتمه می‌دهد نوعی یکدستی و هماهنگی در نحوه استفاده از پرچم میان نهادهای گوناگون ایجاد می‌کند (چنین آیین‌نامه‌ای با توجه به دامنه آن علی‌القاعده باید در دولت و احیاناً مجلس تصویب شود).

- علاوه بر موارد فوق انجام پژوهش‌های کمی (ملی) و کیفی از گروه‌های ویژه (مثل نخبگان، اقوام و ...) به منظور تعیین وضعیت فعلی و جایگاه پرچم در نگرش ایرانیان و در وهله بعد ارائه

بررسی نقش و جایگاه پرچم به عنوان یک نماد ملی و راهکارهایی برای تقویت آن

راهکارهای برگرفته از پیمایش ها و پژوهش های یاد شده جهت سیاستگذاری و برنامه ریزی

اجرائی به منظور ارتقاء جایگاه پرچم به عنوان نماد ملی کشور نیز ضروری به نظر می رسد.

پیشنهادات ارائه شده به تفکیک سازمانی در به شرح جدول ذیل است:

پیشنهاد	وزارت خانه / سازمان متولی
۱ انجام پژوهش های کمی و کیفی از گروه های ویژه (مثل نخبگان، اقوام و ...) به منظور تعیین وضعیت فعلی و جایگاه پرچم در نگرش ایرانیان	شورای انقلاب فرهنگی
۲ استفاده مناسب و سنجیده از رسانه های گروهی برای تبلیغ پرچم	صدا و سیما / وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۳ توجه بیشتر نظام آموزشی به نمادهای ملی و به ویژه پرچم از جمله در کتاب های درسی	وزارت آموزش و پرورش
۴ تاکید بر همه وجوه مستتر در پرچم ایران و پرهیز از نگاه تک بعدی به آن	کلیه سازمان ها
۵ استفاده از مدیوم های هنری مختلف	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۶ برگزاری جشنواره های هنری (عکس و فیلم و ...) برای دانش آموزان و دانشجویان و سایر مردم با موضوع پرچم	وزارت آموزش و پرورش / وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
۷ تصویب آیین نامه یا آیین نامه هایی در مورد عدم استفاده بی نظم و ترتیب و دلخواهانه نهادهای دولتی از پرچم	مجلس شورای اسلامی
۸ تشکیل یک هیات یا کمیته متشکل از صاحب نظران متخصص در رشته های علوم انسانی از جمله حوزه های سیاست، جامعه شناسی، انسان شناسی، تاریخ، جغرافیا، باستان شناسی، زبان شناسی، هنر، علمای دین، حقوق و سایر حوزه هایی که به نحوی به موضوع پرچم مرتبط هستند جهت تدوین یک قانون جامع و مناسب برای طراحی و تدوین نحوه استفاده، تعیین روزهای خاص، جرایم سوء استفاده و اهانت به پرچم و ...	مجلس شورای اسلامی

SCCcr.ir

منابع و مأخذ

## الف- منابع فارسی

- (۱۳۶۷). آیین نامه استفاده از آرم جمهوری اسلامی. در تارنمای مرکز پژوهش‌های مجلس. (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۱/۱۲/۴). واقع در: <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/۱۱۰۷۸۲>
- (۱۳۸۶). قانون ثبت علائم و اختراعات. در تارنمای دانشگاه فردوسی مشهد. (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۱/۱۲/۴). در: [http://vcr.um.ac.ir/parameters/vcr/filemanager/vcr\\_rules/۴f۱۰۸.htm](http://vcr.um.ac.ir/parameters/vcr/filemanager/vcr_rules/۴f۱۰۸.htm)
- آشتیانی، میرزا ابراهیم. (۱۳۵۸). **منتخب التواریخ**. تهران: انتشارات علمی.
- احمدی، بابک. (۱۳۸۳). **ساختار و تأویل متن**. تهران: نشر مرکز.
- احمدی، حمید. (۱۳۸۸). **بنیادهای هویت ملی در ایران**. تهران: پژوهشگاه مطالعات اجتماعی و فرهنگی وزارت علوم.
- ارجح، اکرم. (۱۳۷۹). «پرچم» در: **دانشنامه جهان اسلام**. جلد پنجم. تهران: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی.
- اسمیت، دی. آنتونی. (۱۳۸۳). **ناسیونالیسم: نظریه، ایدئولوژی، تاریخ**. مترجم منصور انصاری. تهران: موسسه مطالعات ملی و تمدن ایرانی.
- اصغرزاده، مجید. (۱۳۸۶). **تاریخچه پرچم ایران از باستان تا امروز**. تهران: اسما.
- الیاده، میرچیا. (۱۳۷۴). **اسطوره، روایا، راز**. تهران: انتشارات فکر روز.
- اوزکریملی، اوموت. (۱۳۸۳). **نظریه‌های ناسیونالیسم**. مترجم محمدعلی قاسمی. تهران: مطالعات ملی و تمدن ایرانی.
- بشیریه، حسین. (۱۳۷۹). **نظریه‌های فرهنگ در قرن بیستم**. تهران: موسسه فرهنگی آینده پویان.

- خیراندیش، رسول و شایان، سیاوش. (۱۳۷۰). **ریشه‌یابی نام و پرچم کشورها**. تهران: نشر کویر.
- ذکاء، یحیی. (۱۳۳۲). **درفش شاهنشاهان هخامنشی**. **نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان**. شماره ۳، دوره اول.
- رابرتس، آدام. (۱۳۸۶). **فردریک جیمسن**. ترجمه وحید لی‌زاده، تهران: نشر نی.
- رویینز، آر. اچ. (۱۳۸۲). **تاریخ مختصر باستان‌شناسی**. ترجمه علی‌محمد حق‌شناس. تهران: کتاب‌ماد.
- سپهر کاشانی، میرزا محمدتقی. (۱۳۳۷). **ناسخ التواریخ**. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سلطانی، علی اصغر. (۱۳۸۴). **قدرت گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی**. تهران: نشر نی.
- سیدی، محمد. (۱۳۸۳). «پرچم» در: **دایره‌المعارف بزرگ اسلامی**. جلد ۱۳. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- شاردن، ژان. (۱۳۳۵). **سفرنامه شاردن**. ترجمه محمد عباسی. تهران: امیرکبیر.
- شاطری، میترا. (۱۳۷۹). **درفش در ایران از ابتدا تا انتهای دوره قاجار**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات، گروه باستان‌شناسی.
- شهردان، رشید. (۱۳۵۴). **درفش کاویانی پرچم شاهنشاهی ایران باستان**. ضمیمه مجله بررسی‌های تاریخی، سال دهم، شماره ۱.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۲۶). **درفش کاویان**، وزارت فرهنگ، سالنامه کشور ایران، سال دوم.
- صفی‌زاده، فاروق. (۱۳۸۲). **شیر و خورشید نشان باستانی و مقدس پرچم آریاییان از آغاز تا به امروز**. تهران: خوشه.
- فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). **تحلیل انتقادی گفتمان**. ترجمه محمد جواد غلامرضا کاشی و دیگران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

- فرهمند، جمیله. (۱۳۸۲). **تاریخچه پرچم در ایران از پیش از اسلام تا جمهوری اسلامی ایران**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- قائدان، اصغر. (۱۳۸۳). پوشش و پرچم در جنگ‌های عصر اسلامی. فصلنامه **تاریخ اسلام**، سال پنجم، شماره ۱۷، بهار ۱۳۸۳.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸) انتشارات اندیشه عصر.
- کریستن سن، آرتور. (۱۳۸۷). **کاوه آهنگر و درفش کاویانی**. ترجمه منیژه احدزادگان. تهران: طهوری.
- کریستن سن، آرتور. (۱۳۳۱). **ایران در زمان ساسانیان**. ترجمه رشید یاسمی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کسروی، احمد. (۱۳۲۳). **تاریخچه شیر و خورشید**. تهران: پیمان.
- گلنر، ارنست. (۱۳۸۸). **ناسیونالیسم**. ترجمه محمدعلی نقوی. تهران: نشر مرکز.
- گیرو، پی‌یر. (۱۳۸۰). **نشانه‌شناسی**. ترجمه محمد نبوی. تهران: نشر آگه.
- متین، پیمان. (۱۳۸۸). **درفش ایرانیان**. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- معینی علمداری، جهانگیر. (۱۳۷۸). **سیاست نشانه‌ها: نشانه‌شناسی و بازسازی نظریه سیاسی**. پایان‌نامه دکتری. دانشگاه حقوق و علوم سیاسی تهران.
- موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران. (۱۳۷۱). **پرچم جمهوری اسلامی ایران**. تهران: انتشارات موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران
- مینوی تهرانی، مجتبی. (۱۳۵۸). **منشاء نقش شیر و خورشید**. بمبئی: بنیاد دینشاه جی جی بهای ایرانی.
- نفیسی، سعید. (۱۳۲۶). **تاریخ شیر و خورشید ایران**. وزارت فرهنگ، سالنامه کشور ایران، سال دوم.



- نفیسی، سعید. (۱۳۲۸). **درفش ایران و شیر و خورشید**. بی جا.
- نیرنوری، حمید. (۱۳۴۴). **تاریخچه بیرق ایران و شیر و خورشید**. تهران: انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- ورجاوند، پرویز. (۱۳۸۳). «پرچم» در: **دایرةالمعارف تشیع**. زیر نظر احمد صدر حاج سیدجوادی، کامران فانی و بهالدین خرمشاهی. جلد ۳. تهران: نشر شهید سعید محبی.
- ون دایک، تئون ای. (۱۳۸۲). **مطالعاتی در تحلیل گفتمان**. ترجمه محمد جواد غلامرضا کاشی و دیگران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- هدایت، صادق. (۱۳۴۲). **زند و هومن یسن**. تهران: امیرکبیر.
- هلد، دیوید. (۱۳۸۶). **شکل گیری دولت مدرن**. ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر آگه.
- هوارث، دیوید. (۱۳۷۷). «نظریه گفتمان». ترجمه سید علی اصغر سلطانی. فصلنامه **علوم سیاسی**، ش ۲، ۱۳۷۷.
- یاووز، هاگان م. (۱۳۸۹). **سکولاریسم و دموکراسی اسلامی در ترکیه**. ترجمه احمد عزیزی. تهران: نشر نی.

#### ب- منابع عربی:

- ابراهیم حسن. (۱۹۶۴). **تاریخ الاسلام السياسي**. چاپ هفتم. قاهره: مکتبه النهضة المصریه.
- ابن ابی الحدید. (۱۳۸۴ق). شرح نهج البلاغه، به کوشش ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن اثیر، عزالدین احمد بن ابی المکارم. (۱۹۷۹) **الکامل فی التاریخ**. بیروت: دار صادر.
- ابن جوزی. (۱۴۱۲ق). **المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم**. تحقیق عبدالقادر عطاء. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن حنبل، احمد بن محمد. (۱۹۴۹). **المسند**. جلد دوم، چاپ سوم مصر: دارالمعارف.

- ابن سعد، محمد بن سعد بن منيع. (١٩٥٧). **الطبقات الكبرى**. بيروت: دار صادر.
- ابن سيد الناس، فتح الدين ابو الفتح محمد بن محمد بن عبد الله. (بى تا). **عيون الاثر فى فنون المغازى والشمال والسير**. جلد دوم. بيروت: دار الفكر.
- ابن طقطقى، محمد بن على بن طباطبا. (١٩٦٦). **الفخرى فى الآداب السلطانية والدول الاسلامية**. بيروت: دار بيروت للطباعة و النشر.
- ابن عبد ربه، محمد. (١٩٨٧). **تحقيق عبدالمجيد استرچينى**. جلد اول. چاپ سوم. قاهره: دارالكتب العلمية.
- ابن عبد ربه، محمد. (١٩٨٧). **العقد الفريد**. تحقيق احمد امين. قاهره: دارالكتب العلمية.
- ابن قتيبه دينورى، ابو محمد عبدالله بن مسلم. (١٤١٨هـ.ق.). **عيون الاخبار**. تحقيق محمد اسكندرانى. چاپ سوم. بيروت: دارالكتاب العربى.
- ابن كثير، عماد الدين ابوالفداء اسماعيل. (١٩٦٦). **البدایة والنهاية فى التاريخ**. جلد دوم. بيروت: دارالفكر.
- ابن ماجه، ابو عبدالله محمد بن يزيد القزوينى. (بى تا). **سنن ابن ماجه (سنن المصطفى)**. تحقيق محمد فؤاد عبدالباقي. جلد دوم. بيروت: المكتبة العلمية.
- ابن منظور، محمد بن مكرم بن على. (بى تا). **لسان العرب**. جلد چهارم. بيروت: دار صادر.
- ابن هشام، ابو محمد عبدالملك بن هشام. (بى تا). **السيره النبويه (ص)**. جلد دوم و سوم. بيروت: دارالجيل.
- انصارى، ابو يوسف يعقوب بن ابراهيم. (١٣٩٦هـ.ق.). **الخروج**. چاپ پنجم. قاهره: دارالمعارف للمطبوعات.
- بلاذرى، احمد بن يحيى بن جابر. (بى تا). **فتوح البلدان**. تحقيق صلاح الدين المنجد. قاهره: مطبعة البيان العربى.

- ترمذى، محمد بن عيسى بن سوره. (١٢٩٨ ه.ق.). **سنن الترمذى**. تحقيق عبدالوهاب عبداللطيف. جلد اول. چاپ سوم. قاهره: مطبعة دارالكتاب.
- ثابت، نعمان. (١٩٣٩). **الجندية فى الدولة العباسية**. وقف على طبعه و راجعه عبدالستار القرغولى و ابراهيم الزهاوى. بغداد: مطبعة بغداد.
- جاحظ، ابو عثمان عمرو بن بحر. (بى تا). **رسائل الجاحظ**. تحقيق عبدالسلام هارون. جلد اول و دوم. قاهره: مطبعة دارالكتاب.
- خطيب، عبدالله مهدي. (١٩٧٥). **الحكم الاموى فى خراسان**. بيروت: مطبعة مؤسسة الاعلمى.
- دينورى، احمد بن داود. (١٩٦٠). **الاخبار الطوال**. تحقيق عبدالمنعم عامر و جمال الدين الشيال. بغداد: عيسى البابى الحلبى و شركاء.
- زيدان، جرجى. (١٩٢٢). **تاريخ التمدن الاسلامى**. چاپ سوم. مصر: مطبعة الهلال.
- سلومى، عبدالعزيز عبدالله. (١٩٨٦). **ديوان جند: نشأته و تطوره فى الدولة الاسلامية حتى عصر المأمون**. مكة المكرمة: مكتبة الطالب الجامعى العزيزيه.
- صابى، هلال بن المحسن. (١٩٦٤). **رسوم دار الخلافة**. تحقيق ميخائيل عواد. بغداد: المطبعة البانى.
- طبرى، محمد بن جرير. (بى تا). **تاريخ الرسل و الملوك**. جلد دوم و سوم و پنجم. بيروت: دار احياء التراث العربى.
- عباسى، حسن بن عبدالله بن محمد بن عمر بن محاسن بن عبدالكريم. (١٢٩٥ ه.ق.). **آثار الاول فى ترتيب الدول**. قاهره: مطبعة بولاق.
- فرج، محمد. (١٩٥٨). **العبقريه العسكرية فى غزوات الرسول**. بيروت: دارالفكر العربى.
- كوفى، ابو محمد احمد بن اعثم. (بى تا). **الفتوح**. جلد دوم. بيروت: دارالكتب العلميه.

- مسعودی، علی بن الحسین. (۱۹۸۲). **مروج الذهب و معادن الجواهر**. تحقیق محی الدین عبدالحمید. جلد اول. بیروت: دارالمعرفه.
- المنقري، نصر بن مزاحم. (۱۹۶۲). **وقعة صفین**. چاپ دوم. قاهره: مطبعة المدنی.
- نامعلوم. (۱۹۷۱). **اخبار الدولة العباسية و فيه اخبار العباس و ولده**. تحقیق عبدالعزیز الدورى و عبدالجبار المطلبی. بیروت: دارالطبعة.
- نویری، شهاب الدین احمد بن عبدالوهاب. (۱۹۳۳). **نهاية الارب في فنون الادب**، جلد اول و سوم. قاهره: دارالکتب المصریه.
- واقدی، محمد بن عمر. (۱۹۸۴). **رسول الله صلى الله عليه و آله**. تحقیق مارسون جونس. چاپ دوم. بیروت: دارالطبعة.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب. (بی تا). **تاریخ یعقوبی**. بیروت: دار صادر.

#### ج - منابع انگلیسی:

- Anderson, B. (۱۹۸۴). *Imagined Communities*. London: Verso.
- Edgar, A. and Sedgwick, S. (۲۰۰۸). *Cultural Theory*. London: Routledge.
- -. (۱۹۸۹). *Encyclopaedia of Britannica*. IV. London: Encyclopedia Britannica Inc.
- Finlayson, J. (۲۰۰۵). *Habermas*. Oxford: Oxford University Press.
- Flags Of The World. (۲۰۰۲). *Turkey: Law on theFlag*. In: <http://www.uptravel.com/flag/flags/tr-law.html>
- Jorgensen, M. & Phillips, L. (۲۰۰۲). *Discourse Analysis as Theory and Method*. London: Sage Publications.
- Laclau, E. & Mouffe, C. (۱۹۸۵). *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics*. London: Verso.
- Schiffrin, D. (۱۹۹۴). *Approaches to Discourse*. Oxford and Cambridge: Blackwell.
- Smith, A. (۱۹۹۸). *Nationalism And Modernism*. London and New York: Routledge.
- -. (۱۹۸۴). *The Random House Dictionary*. Second edition. New York: Random House Reference.

SCCcr.ir

پیوست‌ها

## پیوست یک- ویژگی‌های پرچم جمهوری اسلامی ایران

مؤسسه استاندارد ایران و تحقیقات صنعتی ایران ویژگی‌هایی برای پرچم تعیین کرده است که به شرح ذیل است:

استاندارد ویژگی‌های پرچم جمهوری اسلامی ایران که طرح کلی آن به تأیید امام امت و تصویب مراکز قانونی رسیده است به استناد ماده یک قانون مواد الحاقی تأسیس مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران مصوب آذر ماه سال ۱۳۴۹ به‌عنوان استاندارد رسمی ایران منتشر می‌گردد. این استاندارد با همکاری صاحب‌نظران و کارشناسان مؤسسه در کمیسیون فنی پرچم رسمی جمهوری اسلامی ایران تهیه و در بیست و سومین جلسه کمیته ملی صنایع نساجی مورخ ۱۳۵۹/۶/۳۱ به تصویب رسید. بدیهی است در صورت لزوم پیشنهادهایی که برای اصلاح یا تکمیل این استاندارد به مؤسسه برسد، مورد توجه قرار خواهد گرفت و در تجدیدنظر بعدی مراعات خواهد شد. پس از تجدیدنظر در هر استاندارد جزوه سابق لغو و به‌جای آن جزوه تجدیدنظرشده رسمیت می‌یابد.

## استاندارد ویژگی‌های پرچم جمهوری اسلامی ایران

سرانجام نهال خون شهیدان «الله اکبر» به گل نشست و ایران لاله‌زار شد، تا به سپاس تو ای شهید، لاله خونت لاله‌الاله شود و بر پرچم امت پیاخته امام زمان و نایب امام خمینی بنشیند؛ یعنی که پاسداری ثمره خون تو ای شهید پاسداری لاله‌الاله و محمد رسول الله است.

### ۱- هدف

این استاندارد دربردارنده ویژگی‌های پرچم جمهوری اسلامی ایران (جنس، علامت مخصوص رنگ، اندازه، دوخت) می‌باشد.

### ۲- واژه‌ها و اصطلاحات

۲-۱- پارتی: به کالایی گفته می‌شود که هم‌جنس و هم‌نوع و دارای یک نمره نخ بوده و در یک مرحله تولید شده باشد.

۲-۲- مردود (معیوب): هر گاه ویژگی‌های نمونه و یا دسته‌ای از نمونه‌های مورد آزمون از یک کالا با ویژگی‌های این استاندارد مطابقت نداشته باشد، آن کالا مردود شناخته می‌شود.

### ۳- ویژگی‌های پرچم

#### ۳-۱- طرح

پرچم جمهوری اسلامی ایران بر طبق اصل هیجدهم قانون اساسی به رنگ‌های سبز و سفید و سرخ با علامت مخصوص جمهوری اسلامی ایران و شعار «الله اکبر» به مشخصات زیر می‌باشد:

۳-۱-۱- علامت مخصوص جمهوری اسلامی ایران به رنگ سرخ در وسط پرچم قرار می‌گیرد؛

۳-۱-۲- شعار «الله اکبر» به رنگ سفید و یا خط بنائی (یعنی همان خطی که شعار الله اکبر را بر مناره‌های مساجد اسلامی نقش می‌کند) تکرار می‌شود؛

۳-۱-۳- شعار «الله اکبر» به نشانه بیست و دوم بهمن (یازدهمین ماه سال) یازده بار در رنگ سبز و یازده بار در رنگ سرخ یعنی بیست و دو بار به صورت حاشیه در مرز رنگ سرخ و سبز با رنگ سفید تکرار می‌گردد.

#### ۳-۲- جنس و بافت

پارچه پرچم باید از نخ پنبه‌ای خالص سفید و مرسریزه شده و یا مخلوط پنبه- پلی‌استر و ویسکوز- پلی‌استر (معمولاً به نسبت ۶۵-۳۵ درصد) تهیه شود در ضمن از ابریشم و پشم نیز می‌توان استفاده نمود، ولی پارچه پرچم نباید از ویسکوز خالص باشد. بافت پارچه مورد استفاده برای پرچم ساده و از نوع تار و پودی است.

۳-۲-۱- ویژگی‌های فنی: پارچه پرچم از هر جنس که باشد بایستی ویژگی‌های عمومی جدول شماره یک و شش را داشته باشد.

جدول ۱- ویژگی‌های عمومی پارچه پرچم

درصد رطوبت مجاز (بازیافتی)	ارزش «PH»	جمع شدگی بر حسب درصد (حداکثر)	ثبات رنگ در برابر آب دریا، شستشو و باران (حداقل)	ثبات رنگ در برابر نور (حداقل)	نوع پرچم	ردیف
(۰,۴) (۱۱-۸,۵)	۷,۵-۶,۵	۴	۴	۶	مخلوط پلی استر با (پنبه-ویسکوز)	۱
۸,۵	۷,۵-۶,۵	۴	۴	۶	پنبه	۲
۱۳,۶	۷,۵-۶,۵	۳	۴	۶	پشم	۳
۱۲	۷,۵-۶,۵	۲,۵	۴	۶	ابریشم	۴

یادآوری الف: در مورد رطوبت مجاز پارچه‌های مخلوط می‌باید نسبت اختلاط در نظر گرفته شود.

یادآوری ب: چنانچه از جنس دیگری برای پرچم استفاده شود، بایستی رطوبت مجاز طبق استانداردهای ملی ایران محاسبه شود.

۱-۲-۳-۱- چنانچه برای پرچم از پارچه پنبه‌ای استفاده شود باید مشخصات آن مطابق جدول شماره دو باشد.

جدول ۲- ویژگی‌های پارچه‌های پنبه‌ای مورد استفاده برای پرچم

بار پارگی بر حسب نیوتن (حداقل)		وزن بر حسب گرم بر سانتی متر مربع	تراکم در سانتی متر		نمره نخ
پود	تار		پود	تار	
۳۸۰	۴۰۰	۲۰۵	۱۷	۱۸	۳۰ دولا تکس یا ۳۳ دولا متریک
۴۵۰	۵۵۰	۱۴۰	۲۶	۲۸	۱۵ تکس یا ۶۸ متریک

حد رواداری برای نمره نخ و تراکم و وزن « $\pm 4$ » درصد می‌باشد.

۲-۱-۲-۳- چنانچه برای پرچم از پارچه پشمی استفاده شود، باید مشخصات آن مطابق جدول شماره سه باشد.



جدول ۳- ویژگی‌های پارچه‌های پشمی مورد استفاده برای پرچم

بار پارگی بر حسب نیوتن (حداقل)		وزن بر حسب گرم بر سانتی‌متر مربع	تراکم در سانتی‌متر		نمره نخ	
پود	تار		پود	تار	پود	تار
۵۹۰	۶۴۰	۲۳۰	۹	۱۰	۶۷ دولا تکس یا ۱۵ دولا متریک	۴۵ دولا تکس یا ۲۲ دولا متریک

حد رواداری برای نمره نخ و تراکم و وزن « $\pm 4$ » درصد می‌باشد.

۳-۲-۱-۳- چنان‌که برای پرچم از پارچه ابریشمی استفاده شود، باید مشخصات آن مطابق جدول شماره چهار باشد.

جدول ۴- ویژگی‌های پارچه‌های ابریشمی مورد استفاده برای پرچم

بار پارگی بر حسب نیوتن (حداقل)		وزن بر حسب گرم بر سانتی‌متر مربع	تراکم در سانتی‌متر		نمره نخ	
پود	تار		پود	تار	پود	تار
۶۰۰	۴۵۰	۶۸	۴۲	۵۰	۸,۴ تکس ۷۵ دنیر	۵,۶ تکس ۵۰ دنیر

حد رواداری برای نمره نخ و تراکم و وزن « $\pm 4$ » درصد می‌باشد.

۳-۲-۱-۴- ویژگی‌های پارچه‌های مخلوط، پلی‌استر و ویسکوز بایستی با جدول شماره پنج مطابقت داشته باشد.

جدول ۴- ویژگی‌های پارچه‌های مخلوط، پلی‌استر و ویسکوز (۶۵-۳۵ درصد) مورد استفاده برای پرچم

بار پارگی بر حسب نیوتن (حداقل)		وزن بر حسب گرم بر سانتی‌متر مربع	تراکم در سانتی‌متر		نمره نخ	
پود	تار		پود	تار	پود	تار
۸۵۰	۱۱۵	$190 \pm 5$	۱۷	۲۷	۲۰ دولا	۴۰

حد رواداری برای نمره نخ و تراکم و وزن « $\pm 4$ » درصد می‌باشد.

بررسی نقش و جایگاه پرچم به عنوان یک نماد ملی و راهکارهایی برای تقویت آن

۳-۲-۱-۵- ویژگی‌های سایر پارچه‌های مجاز مخلوط، بایستی با جدول شماره شش مطابقت داشته باشد.

جدول ۶- ویژگی‌های سایر پارچه‌های مجاز مورد استفاده برای پرچم

نمره نخ تاروپود	وزن بر حسب گرم بر سانتی‌متر مربع	بار پارگی بر حسب نیوتن (حداقل)
۱۵ تکس یا ۶۸ متریک	۱۴۰	۴۵۰

حد رواداری برای نمره نخ و تراکم و وزن « $\pm 4$ » درصد می‌باشد.

### ۳-۳- اندازه‌ها

پرچم جمهوری اسلامی ایران دارای دوازده اندازه است که به نسبت «چهار به هفت» بوده و بر اساس

جدول شماره هفت تعیین می‌شود.

جدول ۷- اندازه‌های پرچم (بر حسب میلی‌متر)

اندازه	درازای	پهنا	دوخت	
			لبه	لیفه
۱	۲۶۲	۱۵۰	-	۱۵
۲	۸۴۰	۴۸۰	۱۵	۲۰
۳	۱۰۵۰	۶۰۰	۱۵	۲۰
۴	۱۲۲۵	۷۰۰	۱۵	۲۰
۵	۱۴۰۰	۸۰۰	۱۰	۲۰
۶	۱۵۷۵	۹۰۰	۱۵	۴۰
۷	۱۷۵۰	۱۰۰۰	۱۵	۴۰
۸	۲۱۰۰	۱۲۰۰	۱۵	۴۰
۹	۲۴۵۰	۱۴۰۰	۱۵	۴۰
۱۰	۲۸۰۰	۱۶۰۰	۱۵	۵۰
۱۱	۳۱۵۰	۱۸۰۰	۱۵	۵۰
۱۲	۳۵۰۰	۲۰۰۰	۱۵	۵۰

یادآوری یک: در مورد پرچم‌هایی که بنا بر ضرورت با ابعاد بزرگ‌تر تهیه می‌شود، باید نسبت «چهار به هفت» و سایر ویژگی‌های مربوط به دوخت رعایت شود.

یادآوری دو: حد رواداری برای درازا و پهنا « $\pm 2$ » درصد و برای دوخت لبه و لیفه « $\pm 4$ » درصد می‌باشد.

### ۳-۴- دوخت

۳-۴-۱- تمام پرچم‌ها یک‌لا می‌باشد، به استثنای پرچم‌های رومیزی و پرچم‌هایی که بر روی وسایل نقلیه (زمینی - هوایی - دریایی) نصب می‌شود- این پرچم‌ها می‌توانند دولا تهیه شوند.

۳-۴-۱-۲- تمام پرچم‌ها باید یک‌تکه باشد به استثنای پرچم‌هایی که پهنای آنها بالاتر از ۱۴۰ سانتی‌متر می‌باشد؛ در این صورت درز باید در متن سفید واقع شده و روی نوشته و علامت قرار نگیرد و حداقل فاصله درز از نوشته و علامت سه سانتی‌متر است و تعداد بخیه در ده سانتی‌متر  $3 \pm 45$  می‌باشد.

۳-۴-۱-۳- لبه بیرونی دو طرف کلیه پرچم‌ها باید دودرزه دوخته شود.

۳-۴-۱-۴- مقاومت نخ مورد استفاده برای دوخت پرچم باید حداقل مطابق مقاومت مندرج در استاندارد شماره ۵۹ باشد، رنگ آن به‌طور معمول نارنجی بوده و یا می‌تواند برای هر قسمت، از نخ هم‌رنگ استفاده شود.

### ۳-۴-۲- ساخت

۳-۴-۲-۱- لیفه پرچم دارای اندازه‌هایی مطابق با جدول شماره هفت می‌باشد. لیفه پرچم‌هایی که پهنای آنها بالاتر از صد سانتی‌متر است، باید از برزنت و یا پارچه مشابه یا بافت ساده طبق مشخصات جدول شماره هشت استفاده شود.

جدول ۸- ویژگی‌های پارچه مورد استفاده برای لیفه

بار پارگی بر حسب نیوتن		وزن بر حسب گرم بر متر مربع	تراکم در دسی‌متر	
پود	تار		پود	تار
۴۳۰	۴۸۰	$35 \pm 355$	$12 \pm 134$	$4 \pm 158$

۳-۲-۴- قطر میله پرچم دو تا چهار سانتی متر و درازای آن سه برابر عرض پرچم می باشد. در انتهای میله بلافاصله بعد از پرچم گویی قرار دارد که نسبت قطر آن به قطر میله پرچم، برابر سه به دو می باشد. یادآوری: در میادینی که از لوله های ثابت فلزی استفاده می شود، ارتفاع میله بر حسب وسعت میدان متغیر بوده و رنگ آن باید حتی الامکان اکلیل نقره ای باشد.

۳-۲-۴-۳- طناب مورد استفاده برای پرچم بایستی نایلون به قطر حداقل یک سانتی متر باشد.

### ۳-۵- عیوب

مهم ترین عیوب چشمی پرچم به شرح زیر می باشد، ولی حد رواداری آن طبق جدول شماره ده می باشد:

- سوراخ و دررفتگی نخ تار و پود؛

- رگه رگه بودن؛

- قیچی خوردگی؛

- آثار لکه روغن و زردی و بریدگی و سوختگی و یا ضایعات دیگر؛

- جمع شدگی و یا کشیدگی محل دوخت و یا جاافتادگی بخیه ها؛

- دورنگ بودن برای هر رنگ؛

- عدم تطبیق با ابعاد داده شده؛

- پخش شدن رنگ در محل علامت؛

- چاپ علامت روی درزها و یا انحراف آن از وسط.

### ۳-۶- علامت

علامت مخصوص جمهوری اسلامی ایران تجسمی از کلمه توحید (لااله الااله) در قالب کلمه الله است که به رنگ سرخ بوده و در قسمتی میان رنگ سفید پرچم چاپ می شود و شعار «الله اکبر» به تعداد ۲۲ بار می باشد که ۱۱ بار در حاشیه وسطی رنگ سبز و ۱۱ بار در حاشیه وسطی رنگ سرخ قرار می گیرد.

رنگ کلمات «الله اکبر» سفید بوده و هیچ مرزی با رنگ سفید پرچم ندارد و لابلای نوشته‌ها در نواره بالا با رنگ سبز و در نواره پائین با رنگ سرخ پرچم پر می‌شود.

- نمونه پرچم جمهوری اسلامی ایران با مشخصات فنی و رنگ‌های مورد قبول استاندارد ایران در متن استاندارد پیوست شده است.

یادآوری: جهت اطلاع بیشتر از ویژگی‌های هندسی و طرز ترسیم علامت مخصوص و پرچم جمهوری اسلامی به پیوست سه مراجعه شود.

### ۳-۷- نشانه‌گذاری روی پرچم

پرچم‌های تهیه شده باید دارای مشخصات زیر باشد که به نحوی روشن و خوانا در گوشه انتهایی لیفه نوشته می‌شود:

- نمره پرچم (اندازه)؛
- درازا و پهنای پرچم به میلی‌متر؛
- نام و نشان سازنده؛
- سال ساخت؛
- هر گونه اطلاعات اضافی که مورد نیاز خریدار باشد.

### ۳-۸- بسته‌بندی

پرچم‌ها بر اساس موافقت خریدار و فروشنده بسته‌بندی می‌شوند.

### ۹- تطبیق با استاندارد

#### ۹-۱- نمونه برداری

به غیر از مواردی که توافق خاصی بین خریدار و فروشنده شده باشد، نمونه‌برداری از کالا بر اساس جدول شماره ده و به‌طور تصادفی انجام می‌شود.

جدول ۱۰- معیارهای نمونه برداری

تعداد نمونه‌های معیوب مجاز		تعداد پرچم‌های انتخاب شده	تعداد پرچم در هر پارتی
آزمون‌های فنی	آزمون‌های چشمی		
۰	۰	۳	تا ۲۵ بسته
۰	۰	۵	۲۵ تا ۵۰
۰	۰	۸	۵۱-۱۰۰
۱	۰	۱۳	۱۰۱-۱۵۰
۲	۱	۲۰	۱۵۱-۳۰۰
۲	۱	۳۲	۳۰۱-۵۰۰
۳	۲	۵۰	۵۰۱-۱۰۰۰
۴	۳	۸۰	۱۰۰۱-۳۰۰۰
۶	۵	۱۲۵	۳۰۰۱ به بالا

یادآوری: آزمون‌های چشمی باید در محل کارگاه تولید یا انبار، انجام گیرد.

#### ۹-۲- شرایط آزمون

نمونه‌های آزمونی را قبل از آزمون حداقل ۲۴ ساعت در معرض رطوبت نسبی  $2 \pm 65$  درصد و دمای  $2 \pm 20$  درجه سانتی‌گراد (مطابق استاندارد شماره ۴۸ ایران) قرار داده، سپس آزمون‌های لازم را در همان محیط انجام دهید.

#### ۹-۳- روش‌های آزمون

۹-۳-۱- آزمون تعیین جنس، طبق استانداردهای شماره ۵۶۷، ۵۷۳، ۶۸۴ و ۱۱۵۰ ایران انجام می‌گیرد.

۹-۳-۲- آزمون تعیین درازا و پهنای پارچه، طبق استاندارد شماره ۷۲۴ ایران انجام می‌گیرد.

۹-۳-۳- آزمون تعیین ثبات رنگ در مقابل نور طبق استاندارد شماره ۲۰۵ ایران انجام می‌گیرد.

۹-۳-۴- آزمون تعیین ثبات رنگ در شستشو طبق استاندارد شماره ۱۸۹ ایران انجام می‌گیرد.

۹-۳-۵- آزمون تعیین ثبات رنگ در آب باران طبق استاندارد شماره ۱۵۸۸ ایران انجام می‌گیرد.

- ۹-۳-۶- آزمون تعیین ثبات رنگ در آب دریا طبق استاندارد شماره ۲۴۸ ایران انجام می‌گیرد.
- ۹-۳-۷- آزمون تعیین «PH» طبق استاندارد شماره ۱۴۲۲ انجام می‌گیرد.
- ۹-۳-۸- آزمون تعیین رطوبت طبق استاندارد شماره ۳۰ انجام می‌گیرد.
- ۹-۳-۹- آزمون تعیین و تغییر ابعاد طبق استاندارد شماره ۱۲۴۶ انجام می‌گیرد.
- ۹-۳-۱۰- آزمون تعیین مقاومت پارچه و لیفه طبق استاندارد شماره ۱۱۴۷ انجام می‌گیرد.
- ۹-۳-۱۱- آزمون تعیین مقاومت طناب طبق استاندارد شماره ۱۷۱۵ انجام می‌گیرد.
- ۹-۳-۱۲- آزمون تعیین فام رنگ مقایسه‌ای انجام می‌شود.

### پیوست دو- رنگ‌ها و نمادهای پرچم جمهوری اسلامی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - اصل هجدهم فصل دوم: «پرچم رسمی ایران به رنگ‌های سبز و سفید و سرخ» با علامت مخصوص جمهوری اسلامی شعار «الله اکبر» است.

سرانجام در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۹ «علامت مخصوص جمهوری اسلامی ایران» به تنفیذ امام امت حضرت آیت الله العظمی روح الله الموسوی الخمینی رسید تا بعد به خون آغشته شود و با رنگ سرخ بر پرچم ایران بنشیند.

این طرح بیان‌کننده محتوای حکومت اسلامی است. با تکیه بر این حقیقت که جمهوری اسلامی ایران حلقه واسطی است در راه حکومت جهانی و آرمانی اسلامی. این طرح بر مبنای کلمه الله طراحی شده است که مبداء و منتهای آفرینش است و در این ادامه، هدف و غایت حکومت اسلامی (الی الله المصیر...).

انتخاب کلمه به‌عنوان مبنای طرح از آنجاست که میان محتوای کلام الهی با لحن و صوت شکل ظاهری آن ارتباطی پنهان وجود دارد (و شاید به همین سبب هنر خطاطی و ترتیل قرآن تا این حد در فرهنگ اسلامی نفوذ و گسترش یافته است).

هلالی‌های این شکل از نقش مبارکی ریشه می‌گیرد که بارها حضرت محمد (ص) با شمشیر بر شنها ترسیم فرموده‌اند و بی‌شک باری از هدایت الهی در بر دارد (شکل یک). پنج جزء تشکیل‌دهنده علامت که اگر به پنج اصل پایه دین برگردد اصل توحید را در حکم عمود و ساقه اصلی در میان دارند، گذشته از آنکه در ترکیب کلی خویش کلمه «الله» را بیان می‌کنند. عصاره‌ای از کلمه توحید یعنی «لا اله الا الله» را نیز در خود مستتر دارند (شکل دو). خطوط هادی هلالی‌های طرح که در یک دایره محاط است با تداعی نصف‌النهارهای کره، جهانی بودن دعوت اسلام را تجسم می‌بخشند.

جزء قائم‌میان در ترکیب با شکل تشدید (۰) که در خط فارسی و عربی نشانه شدت است، شمشیر را تداعی می‌کند، قائم و ایستاده که خود نماد قدرت و استحکام و ایستادگی است و این برداشتی تعبیری از کلمه «حدید» یا آهن است در کتاب الله (... انزلنا الحديد «فیه باس» شدید) و ترکیب کاملاً متقارن شکل بیانی از حالت تعادل و توازن که این نیز برداشتی تعبیری است از کلمه میزان در کتاب خدا (والسما رفعها و وضع «المیزان»). و بجاست که همراه تمامی شهدای راه حق یادی نیز از معلم شهید شریعتی کنیم که می‌گفت «جامعه‌ای ایده‌آل بسازیم، جامعه‌ای که بر این سه پایه چنان که در قرآن آمده است مستقر باشد: کتاب، ترازو، آهن (کتاب، میزان، حدید).

بزرگ‌ترین و اصلی‌ترین ویژگی لازم و کافی ترکیب طرح همانا بیان کلمه الله است که خود هم قالب است و هم محتوی.

همچنین «شعار الله اکبر» که تکرار می‌شود و تکرار از ویژگی‌های شعار است. این شعار یازده بار در رنگ سرخ و یازده بار در رنگ سبز یعنی بیست و دو بار تکرار می‌شود و این اشاره‌ایست به بیست و دوم بهمن (یازدهمین ماه سال)؛ روزی که این شعار برای انقلاب اسلامی پیروزی آفرید.

قالب راست‌گوشه خط نوشته «الله اکبر» یادی است از کوبندگی این شعار که به‌راستی سلاحی بود پیروز در دست مجاهدان انقلاب اسلامی. این همان خطی است (خط بنایی) که شعار الله اکبر را بر بلندای اذان و برگنده‌ها و مناره‌های الله اکبر در مساجد اسلامی نقش می‌کرده و اکنون بر بلندای پرچم ایران نشسته است. تکرار این شعار در ترکیب کلی پرچم حاشیه‌هایست که با اتصال به رنگ سفید پرچم دو



رنگ سرخ و سبز را به هم پیوند می‌زند. که اگر سفید نشانه‌ای از توحید باشد - که سفید ترکیب و توحید همه رنگ‌هاست- این رنگ متن سرخ پرچم را که نشانه خون و جهاد است به رنگ سبز که می‌تواند نمادی از آرمان‌های والای اسلام باشد می‌پیوندد. گوئی لاله «لااله الاالله» در زمین الله اکبر و هم زیر آسمان الله اکبر روئیده است و ... این پیام شهیدان اسلام است.

### پیوست سه- ویژگی‌های هندسی و طرز ترسیم علامت مخصوص پرچم جمهوری اسلامی

- ۱- دایره‌ای به مرکز «م» و شعاع «ش» رسمی می‌کنیم؛
- ۲- محیط دایره را ابتدا به پنج قسمت مساوی و سپس به ده قسمت تقسیم می‌کنیم (شکل سه). از نقطه الف شروع می‌کنیم و با خطوط و قوس‌های کمکی، ابتدا نقطه «۵» و سپس نقطه «۱۰» را به دست می‌آوریم؛
- ۳- با نقاط به دست آمده، روی محیط دایره دو ستاره پنج‌پر متقاطع را رسم می‌کنیم (شکل چهار). نقطه یک مرکز اولین قوس هلالی به دست می‌آید؛
- ۴- خطوط کمکی لازم را مطابق شکل پنج رسم می‌کنیم تا مراکز قوس‌های دیگر نیز به دست آید؛ به ترتیب نقطه «۱»، «۲»، «۳» و «۴» مراکز قوس‌هایی است که از داخل به خارج هلالی‌ها را رسم می‌کنند (شکل پنج)؛
- ۵- قوس‌های «۲» و «۳» که طرف مقعر هلالی‌هاست، با شعاعی برابر با «ش» که شعاع دایره محیطی آرم است رسم می‌شوند (شکل پنج)؛
- ۶- قوس «۱» دایره را در نقطه «ق» قطع می‌کند که قوس «۲» را از همین نقطه و به مرکز «۲» (شعاع ق ۲) استخراج می‌کنیم تا قوس «۱» را قطع کرده، هلالی اول را کامل کند (شکل پنج)؛
- ۷- هلالی دوم نیز از تقاطع قوس «۳» به مرکز «۳» و شعاع «ش» و قوس «۴» به مرکز «۴» و مماس با دایره محیطی کامل می‌شود (شکل پنج)؛

۸- نقطه «ح» را روی تقاطع دو ستاره داریم؛ نقطه «ج» را نیز با ترسیم دو خط کمکی مطابق شکل شش به دست می آوریم. خط قائمی که از نقطه «ح» رسم شود، پاره خط افقی «ص-ض» را در نقطه «ج» قطع می کند. نقطه «ج» را به نقطه «ح» وصل کرده، تقاطعش با خط کمکی «ب-پ» ادامه می دهیم؛

۹- قائم رسم شده از نقطه «ح» دایره را در نقطه «و» و خط کمکی «پ-ت» را در «ه» قطع می کند؛  
۱۰- قوس به مرکز «و» و به شعاع «د-ذ» مطابق شکل شش رسم می کنیم تا به نوبه خود دایره محیطی را در نقطه «ی» قطع کند؛

۱۱- به مرکز «ه» و به شعاع «ه-ی» قوس دیگری ترسیم می کنیم. دو قوس «ه» و «و» را تا محور قائم شکل که محور تقارن آرم نیز هست ادامه می دهیم؛

۱۲- به مرکز «ی» و شعاع «ی-خ» قوسی رسم می کنیم و تا محور تقارن شکل ادامه می دهیم. بدین ترتیب نیمی از شکل جز قائم میانی آرم به دست می آید؛

۱۳- نیمی از آرم را تا به حال ترسیم کرده ایم (شکل هفت). حال قرینه محوی آن را نیز نسبت به محور تقارن قائم شکل می توان رسم نموده آرم را کامل کرد؛

۱۴- خط کمکی «ط-ظ» را تا تقاطعش با محور تقارن آرم ادامه می دهیم. «ت-ث» یعنی فاصله دایره محیطی آرم با لبه رنگ سبز و سرخ پرچم به دست می آید (شکل هشت)؛

۱۵- ضلع پنج ضلعی داخلی را که از تقاطع دو ستاره به دست آمده (پاره خط «ک-گ») با خطوط موازی کمکی به روی محور تقارن منتقل می کنیم (شکل هشت)؛

۱۶- «ث-ل» عرض نواره «الله اکبر»های پرچم است که «الله اکبر»ها با خط بنائی در آنها گنجانده خواهد شد. این نواره را در جهت عرض به هفت قسمت مساوی تقسیم می کنیم و بر اساس واحد به دست آمده در جهت طول نیز نواره را تقسیم کرده، شبکه ای راست گوشه از مربعها به دست می آوریم که زمینه خط نوشته «الله اکبر» است (شکل هشت)؛

۱۷- «الله اکبر»ها را در دو نواره بالا و پائین مطابق شکل هشت به‌نحوی رسم می‌کنیم که یازده «الله اکبر» در نواره بالا و یازده «الله اکبر» در نواره پایین جا بگیرد که در مجموع ۲۲ «الله اکبر» خواهیم داشت. حرف الف «الله اکبر» در نواره بالا در زیر کلمه و در نواره پائین در بالای کلمه به‌طور افقی و در مرز رنگ سفید با سرخ و سبز قرار می‌گیرد؛

۱۸- رنگ «الله اکبر»ها سفید است و هیچ مرزی با رنگ سفید پرچم ندارد و لابلای خط‌نوشته‌ها در نواره بالا با رنگ سبز پرچم و در پائین با رنگ سرخ پرچم پر می‌شود.

## Abstract

# Review the Role and Position of the Flag as a National Symbol and Ways to Strengthen It

This study aims at determination importance and status of flag as a national symbol. On the one hand, in recent years, we have needed for national symbol like as flag, on the other hand, putting the flag in context of political and cultural conflicts are reminded of the need to maintain the status of this national symbol. This research is an attempt to discuss about cultural - social status of flag in Iran and offering ways for consolidation it. Theoretical position of flag was evaluated and analyzed regarding nation- state concept. The research has used documentary method. The research showed that flag did not have suitable status in contemporary Iran. at the end after comparative evaluation about legal and social position of flag in Iran and some other countries, the research offered suggestion for promotion legal and social status of flag in Iran. The research showed there is a considerable legal vacuum: One group (a political party or a football team) can use the flag as a symbol in their domestic competition with other groups in the country. We must try to strengthen the position of the flag, socially and legally. Educational system and legal bodies should consider the flag as a very important national symbol.

**Keywords:** Flag, National symbol, Theory of nation- state, Contemporary Iran, Legal vacuum.

SCCcr.ir



**The Secretary of Supreme Council  
of Cultural Revolution**

**Review the Role and Position of the Flag  
as a National Symbol and Ways to  
Strengthen It**

**Author: Ali Akbar Sadeghi**

**Master: The Supreme Council of Cultural  
Revolution**

**Scientific Office: Center for Strategic Studies**

**Winter**

**۲۰۱۳**